

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

پاسخ‌های روشن‌گر

بر بسترا موج

(جلد اول)

سید احمد الحسن علیه السلام

گردآوری و تنظیم:

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

مترجم:

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد اول)
نویسنده	احمد الحسن رحمته الله
گردآوری و تنظیم	هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام
نوبت انتشار	دوم
تاریخ انتشار	۱۳۹۴
کد کتاب	۱۲۰/۲
ویرایش ترجمه	دوم

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارك سيد احمد الحسن رحمته الله

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید .

www.almahdyoon.co/ir
www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

پیش‌گفتار ۹

پرسش ۱: چگونه می‌توانم سید احمد الحسن (علیه السلام) را تصدیق نمایم ۱۱

پرسش ۲: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟ ۱۱

پرسش ۳: چگونه عیسی (علیه السلام) پشت غیر پیامبر نماز می‌خواند؟! ۱۳

پرسش ۴: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد...» ۱۵

پرسش ۵: منظور از سگ اصحاب کهف چیست؟ ۱۵

پرسش ۶: تفسیر رویای رسیدن به حضور امیر المومنین (علیه السلام) ۱۷

پرسش ۷: تفسیر رؤیا در مورد پشت بام و باغ سرسبز ۱۸

پرسش ۸: آیا میوه چیدن آدم (علیه السلام) روی درخت تأثیر داشت؟ ۱۹

پرسش ۹: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟! ۲۰

پرسش ۱۰: چگونگی عمل به علم حروف ۲۱

پرسش ۱۱: آیا زمان مرگ‌تان را می‌دانید؟ ۲۱

پرسش ۱۲: ویژگی‌هایی که شما را شایسته این مهم نموده، کدام است؟ .. ۲۲

پرسش ۱۳: آیا شما از محتومات و تمثیل کدام شخصیت می‌باشی؟ ۲۳

پرسش ۱۴: سخن خداوند متعال: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ... الثَّوَابُ الرَّحِيمِ﴾

..... ۲۵

پرسش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می‌کنید که شما سفیر پنجم

هستید؟ ۳۵

پرسش ۱۶: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟ ۵۳

- پرسش ۱۷: این نشانه روح اخلاقی والای شما است. ۵۴
- پرسش ۱۸: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم
چقدر است؟! ۵۵
- پرسش ۱۹: آیا شما وصی امام مهدی (علیه السلام) هستی یا فرزند او؟ ۵۶
- پرسش ۲۰: نکاتی از داستان موسی (علیه السلام) در سفرش برای دیدار با حضر (علیه السلام)
..... ۵۷
- پرسش ۲۱: زندگی نامه سید احمد الحسن (علیه السلام) ۶۲
- پرسش ۲۲: آیا می توانید از غیباتی که اجازه شان داده شده است، مرا آگاه
نمایید؟ ۶۴
- پرسش ۲۳: روح القدسی که در قرآن آمده است، کیست؟ ۶۵
- پرسش ۲۴: سخن خداوند متعالی: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...﴾ ۶۸
- پرسش ۲۵: گروه هایی که شمشیر امام (علیه السلام) به سوی شان کشیده می شود ۶۹
- پرسش ۲۶: وظیفه من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟ ۷۰
- پرسش ۲۷: توقیع سمري ۷۱
- پرسش ۲۸: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام (علیه السلام) است
..... ۷۳
- پرسش ۲۹: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟ ۷۵
- پرسش ۳۰: نقشه دینی که آورده اید چیست؟ ۷۶
- پرسش ۳۱: شناخت شجره نامه کامل ۷۸
- پرسش ۳۲: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می نمایید ۷۹
- پرسش ۳۳: چطور می توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! ۸۲

- پرسش ۳۴: ادعای قیسی و نامه تکذیبیه نامه وصایت ۸۲
- پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدی درباره دو اسم مخفی در سورة فاتحه ۹۰
- پرسش ۳۶: چگونه می توانم تصدیق کنم و حال آنکه مدعیان بسیارند؟ ۱۱۲
- پرسش ۳۷: چرا قرآن بر حسب نازل شدن جمع نشده است؟ ۱۱۳
- پرسش ۳۸: چرا پلیس محکوم می شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشتشان است؟ ۱۱۳
- پرسش ۳۹: حکم تراشیدن موی گونه ها در آرایشگاه ها چیست؟ ۱۱۵
- پرسش ۴۰: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی (علیه السلام) در زمان قائم چیست؟ ۱۱۶
- پرسش ۴۱: عمل با احتیاط به رساله های سه گانه ۱۲۱
- پرسش ۴۲: آل فلان در صیحه جریل (علیه السلام) چه کسانی هستند؟ ۱۲۲
- پرسش ۴۳: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی. ۱۲۳
- پرسش ۴۴: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل می دانید؟ ۱۲۳
- پرسش ۴۵: تهدید حمد آل ملحان ۱۲۴
- پرسش ۴۶: اگر مرا شفا دهی، خدمت خواهم شد. ۱۲۷
- پرسش ۴۷: بیست سؤال متنوع ۱۲۹
- پرسش ۴۸: چگونگی مشاهده امام مهدی (علیه السلام) و دعوت به مناظره ۱۳۵
- پرسش ۴۹: چرا برای عامه مردم معجزه ظاهر نمی کنی؟ ۱۳۶
- پرسش ۵۰: لطفا تفصیل خمس و زکات را بفرمایید. ۱۳۹
- پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می سازد؟! ۱۴۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

وصلّ الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً

سؤال‌های دریافت شده از طریق اینترنت که ارسال‌کننده‌های آنها و همچنین ما که جاهل و تقصیرکاریم، مشتاق دریافت پاسخ‌هایشان هستیم... تا از نور شما بهره‌ای گیریم و از علم شما به ما افزوده گردد... علم محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) و از میوه محمد و آل محمد که سلام و صلوات پروردگارم بر همه ایشان باد، تناول کنیم... و افتخار ما این است که این میوه را از دست مبارک شما برگرفته‌ایم... و چه دستی! دستی که معصوم را لمس و با او مصافحه نموده است... و حتی این دست، بخشی از وجود او (علیه‌السلام) می‌باشد. خداوند این دست را برای یاری دینش و انتشار فضل و رحمتش حفظ فرماید... عذر تقصیر دارم!

کسی که به خدمت پروردگارش مشرف شده

أبو محمد العجاير

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش ۱: چگونه می توانم سید احمد الحسن (علیه السلام) را تصدیق نمایم.

چگونه می توانم از طریق کوتاه ترین راه باور کنم که سید احمد الحسن،
فرستاده و وصی امام مهدی (علیه السلام) می باشد؟

زینب موسوی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق^(۱)

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

کوتاه ترین راه ایمان به غیب، خود غیب است. بعد از اینکه سه روز روزه
گرفتی و به حضرت فاطمه (علیها السلام) دخت گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) متوسل شدی از خداوند
بخواه که حقیقت را به وسیله رؤیا یا مکاشفه یا به هر نشانه ای از نشانه های غیبی
ملکوتی خداوند سبحان و متعال، از سوی خداوند بشناسی.

احمد الحسن

پرسش ۲: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟

مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

حضرت عیسیٰ (علیه السلام) فرمود: «بنی آدم فقط با غذا زنده نمی‌ماند بلکه کلام خداوند نیز انسان را زنده نگه می‌دارد» و من بنده خداوند به شما می‌گویم که بنی آدم با غذا می‌میرد و با کلام خداوند زنده می‌شود.

دعوت من همانند دعوت نوح (علیه السلام)، ابراهیم (علیه السلام)، موسی (علیه السلام)، عیسی (علیه السلام) و مانند دعوت محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد؛ اینکه توحید در جای جای کره زمین انتشار یابد. هدف من همان هدف انبیاء (علیهم السلام) و امامان (علیهم السلام) است. من تورات، انجیل و قرآن و اختلافاتی را که در آن دارید را برایتان واضح و آشکار می‌سازم و همچنین انحراف علمای یهود، مسیحی و مسلمان و خروجشان از دین الهی و مخالفت آنها را با وصیت‌های پیامبران (علیهم السلام)!

خواست و اراده من همان خواست و اراده خداوند سبحان و متعال است؛ اینکه ساکنان کره زمین جز به آنچه خداوند اراده فرموده است، عمل نکنند، زمین پر از عدل و داد شود همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، گرسنه‌ها سیر شوند و هیچ فقیری بی سرپناه نباشد، یتیم‌ها بعد از غم‌های طولانی شاد شوند و زنان بیوه نیازهای مادی خود را با عزت و کرامت به دست آورند و.... و.... و.... اینک عدالت، رحمت و صداقت که مهم‌ترین موارد در شریعت الهی می‌باشد، فراگیر گردد.

از شما تقاضا می‌کنم اعتقادات به عیسی بن مریم (علیه السلام) را به طور واضح بیان کنی و همچنین پای‌بندی‌ات به آیات انجیل را، تا بتوانم حقیقت را برای شما و برای همه کسانی که خواهان حقیقت هستند و از دو قیامت صغری و کبری و از معاد و از خداوند سبحان و متعال می‌ترسند، بیان کنم.

پرسش ۳: چگونه عیسی (علیه السلام) پشت غیر پیامبر نماز می خواند؟!

چطور می گوید که پیامبر خدا عیسی (علیه السلام) در آخرالزمان ظهور می کند و پشت سر کسی که می گوید پیامبر نیست و نامش محمد المهدی است، نماز می خواند؟! آیا این عجیب نیست؟! چطور یک پیامبر پشت سر کسی که پیامبر نیست، نماز می خواند؟!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

ای خواهر! نماز خواندن پیامبر خدا حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) پشت سر امام مهدی (علیه السلام) از دو احتمال خارج نیست:

اول: اینکه امام مهدی (علیه السلام) برتر از عیسی (علیه السلام) باشد و به طور طبیعی امام مهدی (علیه السلام) نمی تواند برتر باشد مگر اینکه مقام نبوت را نیز دارا باشد که در این صورت، جایی برای بحث درباره اشکالی که شما طرح نمودید، وجود ندارد. با وجود اینکه من به این مورد معتقدم ولی احتمال دومی را نیز مطرح می کنم و به آن پاسخ می گویم.

دوم: اینکه عیسی (علیه السلام) برتر از امام مهدی (علیه السلام) باشد؛ در این صورت اشکالی که شما مطرح نمودید، برای روشن شدن حق و حقیقت، جای بحث و بررسی دارد. پاسخ، در دو کتاب تورات و انجیل یا عهد قدیم و عهد جدید وجود دارد؛ همان طور که در قرآن نیز موجود می باشد.

از تورات یا عهد قدیم داستان شاؤول (یا طالوت) و داوود (علیه السلام) را برای شما

انتخاب می‌کنم. داوود علیه السلام پیامبری از پیامبران خدا و برتر از طالوت می‌باشد، با این حال داوود در ابتدا، سربازی در سپاه طالوت علیه السلام بود و از دستورات وی پیروی می‌کرد و تابع وی بود؛ چرا که طالوت علیه السلام (شاوول) پادشاهی بود که از جانب خداوند سبحان و متعال برگزیده شده بود. داوود علیه السلام، جالوت (جلیات) که لعنت خدا بر او باد را وقتی سربازی از سربازان طالوت بود به هلاکت رسانید. ساموئیل اول، اصحاب ۱۷ را در تورات و داستان طالوت در قرآن کریم را بخوان.

اما از انجیل یا عهد جدید، برای شما داستان عیسی علیه السلام و یحیی علیه السلام (یا یوحنا) را انتخاب می‌کنم. عیسی علیه السلام برتر از یحیی علیه السلام بود ولی با این حال عیسی علیه السلام آمد تا از یوحنا یا یحیی علیه السلام غسل تعمید بگیرد. این عمل، تمثیلی از تقدیس و تطهیر و تزکیه می‌باشد و در این مقام، یحیی علیه السلام (یوحنا) تمثیل حجت الهی بر عیسی علیه السلام می‌باشد. در انجیل متی اصحاب سوم آمده است: «هنگامی که یسوع از جلیل به اردن به سوی یوحنا آمد تا از او تعمید یابد ۱۳ یوحنا در حالی که می‌گفت «من باید از شما تعمید یابم و حال آنکه شما به سوی من می‌آیید؟!» او را منع نمود ۱۴ یسوع پاسخ داد و به او گفت: گوش فرا گیر؛ اکنون شایسته است که ما تمام نیکی را به کمال برسانیم. پس در این هنگام به او اجازه داد ۱۵ هنگامی که عیسی تعمید یافت فوراً از آب بیرون آمد و در ساعت، آسمان برای او گشوده شد؛ پس دید که روح خدا چونان کبوتری فرود و به سویش آمد ۱۶

...» (۱)

در هر دو مورد، داوود و عیسی علیه السلام از یحیی و طالوت علیه السلام برتر بودند.

والحمد لله وحده.

احمد الحسن

پرسش ۴: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد....»

اما در رابطه با خمس که بر شیعه‌های ما تا روز ظهور مباح شد؛ چگونه بفهمیم این عبارت شریف از آقا و مولایمان امام زمان (علیه السلام) است؟

علاء رزاق - ۱۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق^(۱)

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

تا فرزندانمان سالم و پاک بمانند، و انصار ایشان از فرزندان حلال می‌باشند نه حرام که اگر نطفه و جسمشان از مال حرام پرورش یابند، مورد غضب خلیفه خدا در زمینش خواهند بود. خمس، مال خاص (امام) است؛ پس صاحبش می‌تواند آن را هر جا که بخواهد، مصرف کند و کسی نمی‌تواند به ایشان معترض شود. صاحب خمس در این زمان، امام مهدی (علیه السلام) و جانشینان او می‌باشند.

احمد الحسن

پرسش ۵: منظور از سگ اصحاب کف چیست؟

ممکن است که برایمان توضیح دهید که منظور از سگ اصحاب کف چیست یا چه کسی است؟ اگر یک سگ عادی است، چرا اسمش چند بار در این

قصه آمده و گاهی هم با صیغه جمع (... پنجمین شان، سگشان بود)^(۱) آمده است؟

علاء رزاق - ۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

به همراه اصحاب كهف (عليه السلام) يك سگ عادی نیز بود ولی مسأله مهم خود اين سگ نبود بلکه کسی بود که اين سگ را هدايت می کرد و بر او احاطه داشت و او يك جن به نام قطمير بود (جن اين قدرت را دارد که حيواناتی مثل گربه و سگ را هدايت و راهنمایی کند) و اين جن (قطمير) خواست از طريق اين سگ، توجه آنان را به وجود و قدرتش برای کمک به آنان بعد از ايمان آوردن به دعوتشان، جلب کند. قطمير از جمله جن هایي است که قدرت پر کردن دل ها از ترس و لرزانیدن قلب های شجاعان را دارند. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَكَلَّبَهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَكَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِثَ مِنْهُمْ رُعْبًا﴾^(۲) (و سگشان بر درگاه غار، دو دستش را دراز کرده بود. اگر سر وقتشان میرفتی

۱- خداوند عزوجل می فرماید: ﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ (خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمی شان، سگشان بود و می گویند: پنج تن بودند و ششمی شان، سگشان بود. تیر به تاریکی می افکنند و می گویند: هفت تن بودند و هشتمی شان سگشان بود. بگو: پروردگار من به تعداد آنها داناتر است و شمار ایشان را جز اندک کسان، نمی دانند. پس تو درباره آنها جز به ظاهر مجادله مکن و در این خصوص از کسی نظر

مخواه) كهف: ۲۲.

۲- كهف: ۱۸.

گریزان باز می گشتی و از آنها سخت می ترسیدی) و آنکه قلب های کسانی که نزدیکشان می شد را آکنده از ترس و وحشت می کرد، همین جن (قطمیر) بود که حراست آنها را بر عهده داشت و قطمیر یکی از یاران قائم (علیه السلام) می باشد.^(۱)

احمد الحسن

پرسش ۶: تفسیر روای رسیدن به حضور امیرالمؤمنین (علیه السلام)

از توجّه شما به انسان گمراهی مثل خودم که به دنبال امامش هست ولی خودخواهی و حبّ دنیا مانعش می شود، بسیار سپاسگزارم. رؤیایی دیده ام که

۱- سبحان الله از یمانی آل محمد (علیه السلام) درباره سگ اصحاب کهف همان سؤالی پرسیده شد که از جدش امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسیده شد. گروهی از اخبار یهود نزد عمر بن خطاب رفتند و به او گفتند: «ای عمر، تو ولی امر بعد از محمد (صلی الله علیه و آله) و یار او هستی» و سؤالاتی از عمر پرسیدند. او سرش را پایین انداخت و پاسخ نگفت. پس گفتند: شهادت می دهیم که محمد پیامبر نبود و اسلام باطل است. سلمان فارسی ناگهان به سمت یهودیان رفت و به ایشان گفت که کمی صبر کنند. سپس نزد ابوالحسن علی بن ابی طالب (علیه السلام) رفت و آنها از او از بزرگ ترین امور سؤال کردند که از جمله، سگ اصحاب کهف بود.

شیخ امینی در الغدير در ضمن حدیثی طولانی روایت می کند: یهودی ناگهان ایستاد و گفت: ای علی، اگر تو عالم هستی به ما بگو رنگ و نام سگ چیست؟ فرمود: «ای برادر یهودی، حبیبم صلّ الله علیه وسلّم محمد مرا باخبر کرد که سگ، ابلق تیره و نامش قطمیر بود. فرمود: هنگامی که جوان مردان به سگ نگاه کردند، بعضی به بعضی دیگر گفتند: می ترسیم این سگ با آوازش ما را آشکار کند، و شروع به پرتاب کردن سنگ به سوی او کردند. سگ به آنها که به سایش سنگ می انداختند و می خواستند از خود برانندش نگاه کرد، روی پاهایش نشست و با زبانی گویا گفت: ای جماعت، مرا از خود نرانید و من شهادت می دهم که خدایی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد، وجود ندارد، اجازه دهید شما را در برابر دشمنانتان محافظت کنم و از این طریق به خدای سبحان و متعال نزدیکی جویم. او را رها کردند و اجازه دادند. پس با ایشان از دامنه کوه بالا رفت و با ایشان بر بالای غار شد».

الغدير: ج ۶ ص ۱۵۲.

مایلم با شما در میان بگذارم و تصوّر می‌کنم دربارهٔ موضوع سید احمد الحسن باشد.

یک سال پیش من و گروهی از دوستانم دربارهٔ موضوع سید احمد الحسن و میزان صحّت سخنانش بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. در همان شب من در خواب دیدم که خودم و برادرم و دوستم سید غالب، جلوی دربِ مرقد امام علی (علیه السلام) ایستاده بودیم؛ همان دری که قبل از درِ ضریح مطهر می‌باشد و به ضریح که با نور زیادی احاطه شده بود نگاه می‌کردیم. گویا ما از درِ اوّل رد شدیم و فقط درِ دوّم، مقابل ما باقی مانده بود. این رؤیای من بود و خداوند داناتر است.

علاء رزاق - ۷ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
ان شاء الله که چنین است.

احمد الحسن

پرسش ۷: تفسیر رؤیا در مورد پشت بام و باغ سرسبز

یک بار مولا و آقا، امام زمان (علیه السلام) را در خواب دیدم که از پنجرهٔ اتاق با من صحبت می‌کرد، در حالی که من داخل اتاق بودم. به من فرمود: من بسیار نزدیک هستم. سپس به خانهٔ بزرگی که نزدیک آنجا بود اشاره کرد و گفت: این خانه من است، اگر به پشت بام (آن خانه) بروی باغ سرسبز بزرگی خواهی دید. سید احمد الحسن، تفسیر این خواب چیست؟ خداوند به شما خیر دهد!

علاء رزاق - ۶ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

سرسبز بودن، دین و پشت بام، بالا رفتن در ملکوت آسمان‌ها می‌باشد. این رؤیا یک صورت ساده‌ای هم دارد که پیش روی شما حاضر است: سایت انصار در اینترنت و باغ سرسبز، دانش موجود در این سایت و پشت بام، همان امواج یعنی راه اتصال به اینترنت و پنجره همان پنجره سایت و خانه بزرگ نیز خود سایت می‌باشد؛ چرا که پنجره در مقایسه با سایت کوچک‌تر است.

احمد الحسن

پرسش ۸: آیا میوه چیدن آدم (علیه السلام) روی درخت تأثیر داشت؟

زمانی که حضرت آدم (علیه السلام) از آن درخت میوه چید، آیا آن میوه چیده شده بر مجموعه تکالیف و واجبات مربوط به این درخت، تأثیری داشت؟

علاء رزاق - ۱۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

آن درخت، درخت علم آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد که خودش تأثیر نمی‌پذیرد ولی آدم (علیه السلام) از آن درخت سود نبرد؛ چرا که اجازه چیدن از آن درخت به وی داده نشده بود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَ لَمْ يَجِدْ لَهُ عِزًّا﴾^(۱) (و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم ولی فراموش کرد و او را

استوار و ثابت قدم نیافتیم). حتی متضرر شد و این ضرر شامل بعضی از نسل آدم (علیه السلام) نیز شد: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى﴾^(۱) (و آنگاه که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند جز ابلیس که سرپیچی نمود).

احمدالحسن

پرسش ۹: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟!

بعد از سلام.... می‌خواهم بدانم شما چطور به مردم ثابت می‌کنی این گونه که ادعا می‌کنی هستی.... و نیز می‌خواهم بدانم که نظر شما دربارهٔ فقه و احکام فقهی چیست؟ آیا احکام فقهی شما همان احکامی هستند که فقهای موجود صادر می‌کنند یا فرق دارد و اگر فرق می‌کند مثالی در این مورد بزنید. با سپاس و تشکر.

صادق - فوق لیسانس علوم دینی - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

من ثابت می‌کنم که چنین هستم همان‌طور که نوح (علیه السلام)، هود (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله) ثابت کردند که چنان هستند. اما در رابطه با فقه، شما باید پرسشی و من جواب را برایتان می‌فرستم.

احمدالحسن

پرسش ۱۰: چگونگی عمل به علم حروف

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

خداوند شما را برای خدمت به دین حنیف اسلام و سنت رسول اکرم ﷺ و خاندان پاک و معصوم آن حضرت از هر گناه و معصیتی مصون دارد. خداوند شما را برای خدمت به مولایمان صاحب الزمان (علیه السلام) حفظ کند و ما و شما را از یاران و خادمان آن حضرت قرار دهد! سؤال ما از جناب سید گرانقدر درباره علم گرانسنگ حروف و تفصیل نحوه عمل به آن می باشد. از نعمت هایی که خداوند به شما داده است، نیاز مردم به شما است. خداوند شما را با عزت و وقار حفظ فرماید.

صفا الدیسی - ۲۴ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین

پاسخ برخی از سؤال های در کتاب تفسیر سوره توحید که اگر عمری باشد ان شاء الله به زودی منتشر خواهد شد،^(۱) موجود می باشد، و همه امور از ابتدا تا انتها به دست خداوند است. شاید خداوند سبحان و متعال توفیقم داد تا در آینده کتابی درباره علم حروف منتشر کنم، ان شاء الله.

احمد الحسن

پرسش ۱۱: آیا زمان مرگ تان را می دانید؟

۱- این کتاب هم اکنون منتشر و به فارسی نیز ترجمه شده است (مترجم).

با سلام و تحیات پاک....

سرور من، آیا زمان مرگ تان را به واسطه امام خود می‌دانید؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

علامت‌ها و نشانه‌هایی را می‌شناسم که اگر آنها را بینم زمان نزدیک شدن

بازگشتم به سوی خدای سبحان و متعال را خواهم دانست.

احمدالحسن

پرسش ۱۲: ویژگی‌هایی که شما را شایسته این مهم نموده، کدام است؟

به سید بزرگوار احمدالحسن

با عرض سلام و تحیات پاک....

ویژگی‌هایی که شما را شایسته این مأموریت کرده یا ویژگی‌هایی که شما را

از دیگر فرزندان شیعه متمایز ساخته است تا مهدی (علیه السلام) شما را برای جانشینی و

نماینده‌گی خود انتخاب کند کدام‌ها هستند؟ با سپاس.

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

زمانی که خداوند با موسی (علیه السلام) سخن گفت، به او فرمود: هر وقت به مناجات

آمدی با خودت کسی را بیاور که تو از او برتر باشی. موسی (علیه السلام) به هر کسی که

برخورد می کرد جرأت نمی کرد به وی بگوید از او برتر است. پس انسان‌ها را رها کرد و سراغ حیوانات رفت تا اینکه از کنار یک سگ بیمارِ گر گذر کرد. گفت: این را می‌برم. بر گردنش ریسمانی نهاد و آن را به دنبال خود کشید. اندکی از راه را رفته بود که موسی (علیه السلام) نگاهی به سگ انداخت و گفت: نمی‌دانم تو با کدام زبان خداوند را تسبیح می‌گویی؛ پس چطور می‌توانم از تو برتر باشم؟ موسی (علیه السلام) سگ را رها کرد و به مناجات رفت. پروردگار فرمود: آنچه به تو امر کردم کجا است؟ موسی (علیه السلام) فرمود: پروردگارا، نیافتمش! پس پروردگار فرمود: ای پسر عمران، اگر آن سگ را رها نمی‌کردی قطعاً نأمت را از دیوان پیامبران محو می‌کردم.^(۱)

من بنده حقیر به فکرم خطور نمی‌کند که از سگ مریضی هم برتر باشم؛ چرا که پروردگار رؤوف رحیم مرا از گناه بزرگم در پیشگاهش آگاه ساخته است.
احمدالحسن

پرسش ۱۳: آیا شما از محتومات هستی؟ و تمثیل کدام شخصیت می‌باشی؟

سید بزرگوار من.... سلام علیکم و ورحة و برکاته

دعوتان را از ابتدای آغاز آن شنیدیم و سعی کردیم شما را بینیم و در رابطه با دعوتان با شما در نجف اشرف صحبت کنیم؛ ولی به دلیل حکمتی که خداوند از آن آگاه است، موفق به این کار نشدیم.

سرورم.... خداوند با شناخت اهل بیت (علیهم السلام) و تلاش برای کسب محبت ایشان (علیهم السلام) بر ما منت نهاد. ابتدا فکر می‌کردیم مرجعیت و اجتهاد راه آشکار و

درست نزدیک شدن ما به اهل بیت (علیهم‌السلام) و جلب محبت آنان می‌باشد ولی خداوند بر ما مَنّت نهاد و ما را از ناراستی و میزان ناشایستگی آن و خیانت آنها علیه ایشان (علیهم‌السلام) آگاه نمود. هرچه در این راه سیر کردیم، خود را دورتر از حق یافتیم (سرعت حرکت کردن، جز به دوری نمی‌افزود). پس سپاس خداوندی را که این شناخت را تقریباً پنج یا شش سال پیش ارزانی‌مان داشت و از آن زمان به دنبال چیزی می‌گردیم که ما را متحد کند و اساس کیان ما را که با نیت تقرب به سوی خداوند ویرانش کرده بودیم از نو بنیان کند؛ پس از آنکه آن را آکنده از بت‌ها و راه‌های شیطانی یافتیم! پس حمد و ستایش مخصوص خداوند است و شکر از آن او.

آقای من! ما قضیه شما را دنبال کردیم و تقریباً از تمامی چیزهایی که ارایه نمودید اطلاع یافتیم و آشکارا و نهان به سوی شما دعوت کردیم و با تکیه بر اشارات و رؤیاهایی که خداوند با آنها بر ما مَنّت نهاد، مردم را از شما و از حقیقتی که از آن پیروی می‌کنید آگاه ساختیم. سرورم، از اینکه کلام طولانی شد عذرخواهم؛ ولی سؤال‌هایی دارم که پاسخ‌گویی یا پاسخ ندان به آنها به اختیار شما است:

- ۱- آیا شما از محتومات (علایم حتمی) هستید یا خیر؟
- ۲- اگر شما از محتومات هستید، در قالب کدام شخصیت می‌باشید؟
- ۳- آیا شما از شخصیت‌های اوّل هستید یا دوّم؟
- ۴- آقای من در احادیث آمده است که امیرالمؤمنین، امام حسین و سایر ائمه (علیهم‌السلام) به دنیا برمی‌گردند؛ آیا رجعت توسط خود امامان صورت می‌گیرد یا در

قالب شخصیت‌های دیگر؟ و اگر رجعت در قالب شخص دیگر است شما بیان گر کدام شخص معصوم هستید؟ سپاس گذارم.

فهمی صالح - ۲۷ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

۱، ۲، ۳ و ۴: من، بنده حقیر بی ارزش ذلیل کم عمل با گناهان بسیار، خود را گناهی بزرگ در پیشگاه پروردگار رؤوف رحیم می بینم. پدرم و آقایم محمد بن الحسن المهدی (علیه السلام) به من دستور داده اند که این سخنان را بگویم: «من سنگی در دست امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هستم؛ روزی آن را انداخت تا به وسیله آن کشتی نوح (علیه السلام) را هدایت کند، و بار دیگر برای نجات ابراهیم (علیه السلام) از آتش نمرود و بار دیگر برای نجات یونس (علیه السلام) از شکم نهنگ، و موسی (علیه السلام) به وسیله آن در کوه طور با خداوند سخن گفت و آن را عصایی قرار داد تا دریاها را شکافت و زرهی برای داوود (علیه السلام)، و در جنگ احد آن زره پوش را به تن کرد و در جنگ صفین آن را پیچید و مخفی نمود».

احمدالحسن

پرسش ۱۴: سخن خداوند متعال: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ... التَّوَابُ الرَّحِيمُ﴾

بسم الله الرحمن الرحيم: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ يَاتَّخَذِكُمُ الْعِجْلَ فُتُوبُوا إِلَيَّ بَارِئِكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَمُ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ

فَتَّابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١﴾ (و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما به آن سبب که گوساله را پرستیدید، بر خود ستم روا داشتید. اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری نزد آفریدگارتان ستوده‌تر است. پس خدا توبه شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است).

به جناب سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام)، سلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

من یک شهروند مسلمان شیعه هستم که دعوتتان را شنیدم و وقت زیادی صرف دعوت شما کردم؛ نه از این رو که به دعوت شما یا به خود شما ایمان دارم بلکه از این جهت که شاید خداوند سبحان دیدارم با امام زمان را به دست شما مقرر فرماید. ای سرورم، من از عبادت بت‌های انسانی یعنی کسانی که خودشان را مراجع عظام می‌نامند در حالی که استخوان‌های پوسیده‌ای بیش نیستند، خسته شدم و چقدر خوشحال شدم وقتی بیانات شما را شنیدم و اینکه شما آن بت‌هایی را که بر صدر امت یعنی امت محمد (صلی الله علیه و آله) تکیه زده‌اند را از بین خواهید برد. چیزی که من از شما می‌خواهم این است که اگر شما از ذریه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هستید به حق جدّت مرا به دیدار امام زمان (علیه السلام) دعا کنید؛ حتی اگر در خواب نایل شوم. سرورم، من به خاطر دروی ایشان از ما، یا بهتر بگویم به خاطر دوری‌ام از ایشان بسیار ناراحت و نگرانم و هیچ چیز جز دیدارم با ایشان (علیه السلام) برایم مهم نیست. می‌خواهم کسی باشم که مورد پسند خداوند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باشم.

می باشد. از اینکه وقتتان را گرفتم بسیار متأسفم ولی من شما را نور امیدی می بینم که از دور می درخشد، با سپاس. سلام بر شما.... برادر دینی شما.... ابو مریم. توجه: اگر قرار است جوابی به این نامه داده شود می خواهم که خود سید احمد الحسن جواب دهد نه انصار وی؛ و تصور نمی کنم از پاسخ دادن به آن صرف نظر کنند زیرا این نامه متوجه خود ایشان می باشد.

أبو مریم - ۲۳ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
برادر، ابو مریم.... من و پناه می برم به خدا از منیت، بنده فقیر مسکینِ درمانده در پیشگاه پرورد گارش، به خداوند پناه می برم.
شما و همه کسانی که در جست و جوی حق هستند را دعوت می کنم به اینکه مثل ابراهیم (علیه السلام) تبری بردارند و همه بت هایی را که به جای خداوند پرستیده می شوند، نابود کنند؛ از جمله بتی که در بین دو پهلوی شما قرار دارد که همان منیت می باشد.

بسیار خداوند را یاد کنید و بدان، هر قدر خداوند را یاد کنید باز هم از غافلین می باشی تا ولی خدا را پیروی کنی و از سجده کننده ها باشی.

میل به دنیا را کم کن و بدان که هر قدر زهد پیشه کنی باز هم طمعی به دنیا هست تا اینکه از آن گردنه عبور کنی و خود را از آتش دنیا و آخرت، رهایی بخشی.

ابان بن تغلب می گوید: به ابو عبدالله (علیه السلام) عرض کردم: فدایتان شوم، معنای

آیه: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ (و از آن گردنه عبور نکرد) چیست؟ ایشان (علیه السلام) فرمودند: «کسی که خداوند او را به ولایت ما گرامی بدارد از این گردنه عبور می‌کند. ما همان گردنه‌ای هستیم که هر کس بتواند از آن بگذرد نجات یافته است». ابان می‌گوید: سکوت کرد و بعد به من فرمود: «آیا سخنی را به تو پیاموزم که از دنیا و هر آنچه در آن است برایتان ارزشمندتر و بهتر است؟». گفتم: بله فدایتان گردم. ایشان (علیه السلام) فرمودند: «خداوند فرموده است: ﴿فَكَرَّ رِجْلَهُ﴾ (آزاد کردن بنده‌ای)» سپس فرمود: «همه مردم برده و بنده آتش‌اند غیر از تو و یارانت؛ چرا که خداوند شما را به خاطر ولایت ما اهل بیت (علیه السلام) از آتش جهنم رها ساخته است»^(۱) و عیسی (علیه السلام) فرمود: «خوش به حال کسی که علیه من بر نمی‌خیزد».

خودت را در پیشگاه پروردگارت قربانی کن تا امروز و فردا به جامی بررسی که پس از نوشیدن آن، دیگر هرگز تشنه نخواهی شد. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (ما کوثر را به تو عطا کردیم * پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن * که بدخواه تو، خود، ابتر است). امام رضا (علیه السلام) فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که فرمود: از پدرم محمد بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن حسین شنیدم که فرمود: از پدرم حسین بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) شنیدم که فرمود: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: شنیدم خداوند عزوجل می‌فرماید: لا اله الا الله دژ و قلعه استوار

من است، هر کس وارد این قلعه شود از عذاب من در امان خواهد بود». هنگامی که شتر به راه افتاد، امام رضا (علیه السلام) به ما فرمود: «با شرایطی، و من از شرایط آن هستم».

و حق را به شما می گویم: و من از شرایط آن هستم.

به نام امام مهدی (علیه السلام) به سوی شما آمده‌ام و خواهان اراده و خواست خود نیستم بلکه خواهان اراده و خواست کسی هستم که مرا فرستاده است.... پس کسی که مرا قبول نکند، پدری که مرا فرستاده را قبول نکرده است، و حقیقت این است: کسی که پسر را اکرام نکند پدری که او را فرستاده اکرام نکرده است. از شما به خداوند شکایت نخواهم کرد بلکه جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از شما شکایت خواهد کرد؛ چرا که او مرا در وصیت خود ذکر کرده است و اسم و نسب و ویژگی‌هایم را بیان فرموده است.

پدرانم ائمه (علیهم السلام) از شما شکایت خواهند کرد چون آنها مرا به اسم، نسب، خصوصیات و محل سکونت ذکر کرده‌اند.

خون امام حسین (علیه السلام) که در کربلا به خاطر خداوند و برای پدرم (علیه السلام) و به خاطر من جاری شد، از شما شکایت خواهد کرد.

و اشعیا، ارمیا، دانیال و یوحنا بربری (علیهم السلام) از شما شکایت خواهند کرد؛ چرا که آنها موضوع مرا از سال‌های طولانی پیش از این، برای اهل زمین روشن کرده‌اند. با همه اینها باز شما مرا تنها می گذارید؟!

من خواهان زندگی و نجات شما هستم، پس به خاطر خودتان مرا یاری کنید. خوش به حال کسی که خود را قربانی پروردگارش کند و خوش به حال کسی که علیه من برنخیزد و خوش به حال غریب‌های دیوانه از دید اهل زمین، که

در پیشگاه اهل آسمان، عاقلان‌اند.

اگر می‌خواهی امام زمان (علیه السلام) را رؤیت کنی، چهل شب بعد از نیمه شب این دعا را بخوان:

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ دَلِيْلُ الْمُتَحِيْرِيْنَ وَ مَفْزَعُ الْمَكْرُوْبِيْنَ وَ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ مَا لِيْ اِلَهَ غَيْرِكَ فَادْعُوْهُ وَ لَا شَرِيْكَ لَكَ فَارْجُوْهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِيْ مِنْ اَمْرِيْ فَرْجًا وَ اهْدِنِيْ لِقَرَبٍ مِنْ هٰذَا رَشْدًا قَرَعْتُ بِاَبِكَ وَ اَنْخْتُ رَحْلِيْ بِسَاحَةِ قُدْسِكَ وَ جَنَابِكَ طَالِبًا شَهَادَتِكَ وَ اَنَا الْعَبْدُ الْخَسِيْسُ الدَّلِيْلُ وَ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَزِيْزُ الْجَلِيْلُ ، يَبِيْنُ لِيْ اَمْرَ اَحْمَدَ الْحَسَنِ بِاَوْضَحِّ بَيَانٍ وَ اَفْصَحِّ لِسَانٍ فَاِنْ كَانَ وَلِيْكَ صِدْقَتُهُ وَ بَايَعَتُهُ وَ نَصَرْتَهُ وَ اِنْ كَانَ عَدُوْكَ كَذَبْتُهُ وَ حَارَبْتُهُ يَا مَنْ اَوْحَى لِلْحَوَارِيْنَ وَ شَهِدَ لَهُمْ بِاَنَّ عِيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسُوْلُهُ ﴿وَ اِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيْنَ اَنْ اٰمَنُوْا بِيْ وَ بِرَسُوْلِيْ قَالُوْا اٰمَنَّا وَ اَشْهَدُ بِاَنَّناْ مُسْلِمُوْنَ﴾^(۱) اَشْهَدُ لِيْ وَ يَبِيْنُ لِيْ هٰذَا الْاَمْرُ فَقَدْ شَهِدَ شَعْرِيْ وَ بَشْرِيْ وَ لَحْمِيْ وَ دَمِيْ وَ عَظْمِيْ وَ مَا اَقْلَتِ الْاَرْضُ مِنْنِيْ وَ رُوْحِيْ اِنْ شَهِادَتِكَ اَكْبَرُ شَهَادَةِ ﴿قُلْ اَيُّ شَيْءٍ اَكْبَرُ شَهَادَةٍ قُلِ اللّٰهُ شَهِيدٌ بَيْنِيْ وَ بَيْنَكُمْ﴾^(۲) يَا مَنْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْكَافِرِيْنَ بِرِسَالَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ شَاهِدًا فَقَالَ ﴿وَ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِيْ وَ بَيْنَكُمْ﴾^(۳) ﴿اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرَاهُ قُلْ اِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُوْنَ لِيْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا هُوَ اَعْلَمُ بِمَا تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ كَفَىٰ بِهٖ شَهِيدًا بَيْنِيْ وَ

۱- مائده: ۱۱۱.

۲- انعام: ۱۹.

۳- رعد: ۴۳.

بَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١﴾ ﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ ﴿٢﴾ فَزَهْدُوا بِشَهَادَتِكَ، أَشْهَدُ لِي يَا رَبِّ فَإِنِّي لَا أَزْهَدُ بِشَهَادَتِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الرُّؤْيَا حَقٌّ مِنْ عِنْدِكَ وَطَلَائِعُ وَحْيِكَ وَكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ يَا مَنْ مَدَحَ إِبْرَاهِيمَ وَجَعَلَ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ لَأَنَّهُ صَدَّقَ الرُّؤْيَا فَقُلْتَ سُبْحَانَكَ ﴿وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ ﴿٣﴾ وَمَدَحْتَ مَرْيَمَ فَقُلْتَ ﴿وَمَرْيَمُ ابْنَتُ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا﴾ ﴿٤﴾ يَا مَنْ خَاطَبَ مُحَمَّدًا ﷺ فَقَالَ ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْعَافِلِينَ * إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ ﴿٥﴾ فَسَمَّيْتَ الرُّؤْيَا أَحْسَنَ الْقَصَصِ فِي كِتَابِكَ الْكَرِيمِ وَمَدَحْتَ مَنْ صَدَّقَ بِهَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَذَمَّمْتَ مَنْ كَذَبَ بِهَا وَسَمَّاها أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ فَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ * مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ * لَاهِيًا قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ * قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا

١- أحقاف: ٨.

٢- إسرائ: ٩٦.

٣- صافات: ١٠٤ و ١٠٥.

٤- تحریم: ١٢.

٥- يوسف: ٣ و ٤.

بَايَها كَمَا أَرْسَلَ الْأَوَّلُونَ»^(۱) وَقَالَ مَلَأْ فِرْعَوْنُ وَزَبَانِيتهُ ﴿أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ﴾^(۲) وَصَدَقَ يُوسُفُ بِالرُّؤْيَا وَأَوَّلُهَا فَمَدَحَتُهُ وَقُلْتُ سُبْحَانَكَ ﴿يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ﴾^(۳) اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي كَأَوْلِيائِكَ وَآثِيائِكَ وَرُسُلِكَ أَصْدَقُ بِالرُّؤْيَا طَلَائِعَ وَحِكَمَ وَكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ فِي كِتَابِكَ وَلَا أَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا أَخْلُفُ وَعْدَكَ.

ثم تقول: اَعِثْنِي يَا رَبِّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، اِرْحَمْنِي يَا رَبِّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، اِهْدِنِي يَا رَبِّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ.

به نام خداوند بخشاینده بخشایش‌گر

خداوندا! تویی راهنمای سرگشتگان و پناهگاه دردمندان و یاری‌گر یاری‌طلبان، جز تو خدایی ندارم که بخوانمش و هیچ شریکی ندارم که چشم امید به او داشته باشم، بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایشی برای مشکل من فراهم فرما و مرا به نزدیک‌ترین راه رشد هدایت فرما، درب سرای تو را کوبیدم و بارم را مقابل ساحت مقدس تو و در جنب تو بر زمین گذاشتم در حالی که خواهان گواهی و شهادت تو می‌باشم. من بنده خوار ذلیل هستم و تو پروردگار عزیز بزرگوار. مسئله احمدالحسن را برای من با واضح‌ترین بیان و گویاترین زبان، روشن فرما؛ که اگر از اولیای تو باشد او را تصدیق و با او بیعت و او را یاری می‌کنم ولی اگر دشمن تو باشد او را تکذیب می‌کنم و با او

۱- انبیا: ۱ تا ۵.

۲- یوسف: ۴۴.

۳- یوسف: ۴۶.

می‌جنگم. ای کسی که به حواریون وحی فرمود و برای آنها گواهی داد که عیسی (علیه السلام) فرستاده‌اش است: «و به حواریون وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید. گفتند: ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم شدگانیم». برای من هم گواهی ده و این مسأله را برایم روشن فرما، پوست و مو و گوشت و خون و استخوانم و هرچه از روح و جسم من در زمین هست، شهادت می‌دهد که گواهی تو بزرگ‌ترین گواهی است: «بگو: شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگ‌تر است؟ بگو: خدا میان من و شما شهادت می‌دهد». ای کسی که خودش را برای کافرین برای رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) شاهد قرار داد و فرمود: «و کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا برای شهادت میان من و شما کافی است»، «یا می‌گویند: این کتاب، دروغی است که خود بافته است. بگو: اگر من آن را چون دروغی به هم بافته باشم، شما نمی‌توانید خشم خدا را از من باز دارید. خدا از آن طعن‌ها که به آن می‌زنید آگاه‌تر است و شهادت او میان من و شما کافی است و او است آمرزندهٔ مهربان»، «بگو شهادت خدا میان من و شما کافی است؛ زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است»؛ آنها گواهی تو را نادیده گرفتند. پروردگارا، به من گواهی ده که من گواه و شهادت تو را نادیده نمی‌گیرم و گواهی می‌دهم که رؤیا، واقعیت و حقی است از جانب تو و نشانه‌های وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضل فرمودی. ای کسی که ابراهیم (علیه السلام) را مدح کردی و پیامبری را در نسل ایشان قرار دادی؛ چرا که ایشان رؤیا را تصدیق نمود و تو خدای سبحان فرمودی: «ما ندایش دادیم: ای ابراهیم * رؤیا را تصدیق کردی و ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم» و مریم را

مدح کردی و فرمودی: «و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او کلمات پروردگارش را تصدیق کرد». ای کسی که محمد ﷺ را خطاب قرار دادی و فرمودی: «با این قرآن که به تو وحی کرده‌ایم، بهترین داستان را برای حکایت می‌کنیم، که تو پیش از این از بی‌خبران بودی * آنگاه که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، دیدم که سجده‌ام می‌کنند». پس رؤیا را در کتاب گران‌قدرت بهترین حکایت نامیدی و هرکس از اولیایت و پیامبران و فرستادگان که رؤیا را باور و تصدیق کرد، مدح فرمودی و کسانی که آن را تکذیب کردند و آن را خواب و خیالی پریشان و بی‌اساس نامیدند، سرزنش نمودی و در حالی که سخن تو حق است، فرمودی: «روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی گردانند * از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه‌ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند * دل‌های‌شان به لهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شما است؟ آیا با آنکه به چشم خود می‌بینید، همچنان از پیِ جادو می‌روید؟ * گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و دانا است * گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که به هم می‌بافد یا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد» و فرعون و یارانش گفتند: «اینها خواب‌های آشفته است و ما را به تعبیر این خواب‌ها، آگاهی نیست». یوسف رؤیا را تصدیق و آن را تأویل نمود و تو ای خدای سبحان او را ستودی و فرمودی: «ای یوسف، ای مرد راست‌گوی». خداوند! مرا همانند اولیایت و

پیامبران و فرستادگان قرار ده تا رؤیا که شعاعی از وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضل فرمودی و آن را بهترین حکایت در کتابت قرار دادی، باور کنم و عهد و پیمانم را با تو نشکنم و وعدهات را فراموش نکنم.

سپس می گوئی: پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (علیها السلام) یاریم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (علیها السلام) به من رحم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (علیها السلام) مرا هدایت فرما!

احمدالحسن

پرسش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می کنید که شما سفیر پنجم هستید؟

شما شیعیان معتقدید که سفرای امام زمان چهار نفر هستند و بعد از آن، سفارت قطع شده است. چطور با دلیل عقلی و نقلی از قرآن، تورات و انجیل ثابت می کنید که شما سفیر پنجم هستید؟!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

در تورات دوّمین سفر پادشاهان اصحاب دوّم آمده است: «۱ و چون پروردگار اراده نمود تا ایلیا را در گردباد به آسمان برد.... ۸ و ایلیا ردایش را گرفت و آن را پیچاند و آن را به آب زد و آب به این سو و آن سو شکافته شد و هر دویشان به خشکی عبور نمودند. ۹ و هنگامی که عبور کردند، ایلیا به یسع گفت: قبل از اینکه از تو گرفته شوم آنچه را می خواهی برایت انجام دهم، بخواه. پس یسع گفت:

نصیب مضاعف روح تو بر من شود ۱۰ پس ایلیا گفت: درخواست بزرگی طلب نمودی! پس اگر هنگامی که من از نزد تو گرفته می‌شوم، مرا ببینی، برای تو چنین خواهد شد و گرنه نخواهد شد. ۱۱ و چون این دو راه می‌رفتند و صحبت می‌کردند، ناگهان ارابه آتشین و اسبان نزول کردند و پیشان جدایی انداخت. پس ایلیا در گردباد به آسمان بالا رفت ۱۲ و یسع این صحنه را می‌دید و او فریاد می‌زد: پدر! پدر! ارابه اسرائیل و سوارانش! و دیگر او را ندید...».

این وضعیت پیامبر خدا و فرستاده‌اش ایلیا (علیه السلام) است که مرفوع می‌باشد و تا حالا نمرده است و در زمین کارهای زیادی را برای خداوند سبحان و متعال انجام می‌دهد؛ ولی ساکنان زمین او را نمی‌بینند، چون کور هستند اگرچه چشمانشان باز است و نیز مانند ایلیا (علیه السلام)، خضر (علیه السلام) می‌باشد که او نیز مرفوع است و به دستور خداوند سبحان وظایفی در زمین دارد و همچنین عیسی (علیه السلام) که مرفوع است و اعمالی به امر خداوند سبحان در زمین دارد و امام مهدی (علیه السلام) محمد بن الحسن (علیه السلام) که او نیز مرفوع است و به امر خداوند سبحان، وظایفی در زمین دارد. در آغاز غیبت عیسی (علیه السلام)، جانشینان و فرستادگان وی فرستاده شدند تا حقیقتی را که عیسی (علیه السلام) از جانب خداوند آورده بود تثبیت کنند و دین خداوند را روی زمین منتشر نمایند. از جمله ایشان، «شمعون صفا» یا آن‌گونه که در انجیل نامیده شده است «سمعان پطرس» و همچنین «یوحنا بربری» که اسمش در انجیل «یوحنا لاهوتی» است، می‌باشند.

سپس رسالت عیسی (علیه السلام) متوقف شد؛ ولی اینکه مدتی رسالت ایشان متوقف شود به این معنی نیست که تا ابد خاتمه یافته است. هیچ دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که این موضوع را تأیید کند بلکه دلایلی وجود دارد که عکس این قضیه

را ثابت می‌نماید؛ از جمله اینکه عیسی (علیه السلام) هنگام بازگشتش و نزدیک شدن قیامت صغری، کسی را که تمثیلی از او است، ارسال می‌کند؛ که ان شاء الله دلیلش را خواهم آورد.

اما در خصوص امام مهدی (علیه السلام)، سفرای چهارگانه‌اش را در مدت غیبت صغری فرستاد؛ غیبتی که نزدیک هفتاد سال طول کشید. سپس سفارت و ارسال از جانب امام مهدی (علیه السلام) متوقف شد و در اینجا هم توقف برای مدتی به معنای خاتمه یافتن آن برای همیشه نیست؛ بلکه دلیلی وجود دارد که وقتی قیام امام مهدی (علیه السلام) نزدیک شود و هنگامه قیامت صغری برسد، فرستاده‌ای از جانب خود که تمثیلی از او می‌باشد، می‌فرستد، که ان شاء الله دلیل را خواهم آورد.

حال قبل از اینکه دلیل ارسال فرستاده‌ای از سوی ایشان که تمثیلی از این چهار نفر یعنی خضر، ایلیا، عیسی و محمد بن الحسن المهدی (علیه السلام) باشد را بیاورم، باید بینیم که آیا مأموریت آنها یکی است یا با هم فرق می‌کند؟

حقیقت این است که مأموریت اینان یکی است و آنها متحد هستند و هیچ اختلافی بین آنها وجود ندارد؛ چرا که پروردگارشان یکی و دینشان نیز یکی است؛ یعنی تسلیم شدن در برابر خداوند سبحان و متعال. همه آنها به سوی خداوند فرامی‌خوانند و به دستور و فرمان او عمل می‌کنند. حقیقتی که به آن فرا می‌خوانند یکی است و غایت آنها که همان قیامت صغری می‌باشد نیز یکسان است و هدفشان نیز یکی است؛ یعنی نشر عدالت و توحید و بندگی خداوند در روی زمین آن گونه که مورد پسند خداوند سبحان و متعال است. پس اینان متحدند و هیچ اختلافی بینشان نیست، غایت و هدف یکسانی را طلب می‌کنند و پروردگار و خدایشان نیز، یکی است، پس باید فرستاده همگی شان نیز یکی باشد

و در عین حال، او فرستاده‌ای از جانب خداوند نیز می‌باشد؛ چرا که ایشان به فرمان خداوند عمل می‌کنند و نماینده آنها، نماینده خداوند و جانشین آنها روی زمین، جانشین خداوند می‌باشد؛ چرا که آنها، جانشینان خداوند در روی زمینش می‌باشند.

حال دلایلی را ارایه می‌نماییم که هنگام قیامت صغری و برپایی دولت عدل الهی، آنها فرستاده‌ای را از جانب خود می‌فرستند؛ فقط چند دلیل می‌آوریم و تفصیل مطلب در این مقام نمی‌گنجد.

اول: در قرآن، احادیث پیامبر ﷺ و احادیث ائمه علیهم السلام:

الف - در قرآن:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ * يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِّثْنُونَ * إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾^(۱) (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور * ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دورگردان که ما ایمان آورده‌ایم * کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد * سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته * عذاب را اندکی برمی‌داریم و شما باز به آیین

خویش بازمی گردید * روزی آنها را به صولتی سخت فرو گیریم که ما انتقام گیرنده ایم).

این دود، عذابی است و عذاب بعد از فرستاده شدن فرستاده ای واقع می شود. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^(۱) (و ما هیچ قومی را عذاب نمی کنیم تا آنگاه که برایشان فرستاده ای بفرستیم).

همچنین این دود یا عذاب، مجازات تکذیب کردن فرستاده ای است که برای آنها فرستاده شده در حالی که فرستاده، در میانشان است، همان طور که به وضوح در آیات قرآن مشخص می باشد: ﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمَ مَجْنُونٍ﴾ (سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه ای است تعلیم یافته).

و نیز این دود یا عذاب پس از سایه افکندن، ایمان ساکنان زمین را به این فرستاده آشکار می کند همان طور که عذاب بر قوم یونس (علیه السلام) یا یونان سایه افکند.

همچنین این دود یا عذاب، مقارن با قیامت صغری می باشد و همان گونه که در آیه واضح است، همان حمله کوچک (بطشه صغری) می باشد و پس از آن چیزی جز حمله بزرگ (بطشه کبری) و انتقام از ظالمین نخواهد بود.

بنابراین دود (دخان) از نشانه های قیام قائم (علیه السلام)^(۲) که در سخنان ائمه (علیهم السلام) نقل

۱- اِسراء: ۱۵.

۲- از زراره و حمران و محمد بن مسلم، از ابو جعفر و ابو عبدالله (علیهم السلام) در سخن خداوند متعال: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا﴾ (روزی که برخی از آیات پروردگارت بیاید. ایمان فردی، برایش سودمند نیست). فرمود: «طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و جنبنده و دخان و مردی اصرار دارد و برای ایمان کاری نمی کند. سپس آیات می آید و ایمانش، برای سودمند نیست.» (بحار الأنوار:

شده است و هم‌زمان با آمدن فرستاده‌ای می‌باشد؛ بلکه به دلیل تکذیب این فرستاده از سوی ساکنان زمین واقع می‌شود. پس عقوبتی برای آنها می‌باشد: ﴿أَنِّي لَهُمُ الذَّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾ (کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشن‌گر بر آنها مبعوث شد).

این فرستاده کیست؟ ارسال‌کننده این فرستاده کیست؟

۲- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^(۱) (به نام خدای بخشاینده مهربان. خدا را تسبیح می‌گویند هرچه در آسمان‌ها و هرچه در زمین است، آن فرمانروای پاک پیروزمند حکیم را * اوست خدایی که میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند * و بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و پیروزمند حکیم است * این نعمت خداوند است که به هر که خواهد ارزانش دارد و خدا را بخشایشی است بزرگ).
یعنی بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند، در بینشان فرستاده‌ای از

ج ۶ ص ۳۱۲.

در شرح احقاق الحق آمده است: درباره دخان. علی بن حسین: «دخان و دودی است که پیش از قیامت می‌آید و نفس‌های کافران را می‌گیرد». (شرح احقاق الحق للسید المرعشی: ج ۲۸ ص ۹۸)

۱- جمعه: ۱ تا ۴.

خودشان خواهد فرستاد تا آیات خداوند را بر آنان بخواند و آنها را پاک سازد و به آنان کتاب الهی و حکمت خداوند را بیاموزد.

به طور قطع امکان ندارد حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بعد از رحلتش به سوی خداوند آیات خداوند را بر دیگران (نسل های بعدی) بخواند، پس باید بعد از او فرستاده ای باشد؛ فرستاده ای از امیین یعنی امّ القرای زمان خودش و این صفات را داشته باشد که آیات خداوند را تلاوت کند و مردم را پاک سازد؛ یعنی آنها را پاکیزه گرداند تا در ملکوت آسمان ها نظاره کنند، و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد.

۳- خداوند می فرماید: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ﴾^(۱) (و هر امتی فرستاده ای دارد و چون فرستاده شان بیامد، کارها میان شان به عدالت فیصله یافت و مورد ستم واقع نشدند).

جابر از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند: از تفسیر این آیه پرسیدم: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ﴾. فرمود: «تفسیر باطنی آن این است که در هر قرنی برای این امت، فرستاده ای از خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) به سوی قرنی که او فرستاده آن است، خروج می کند. آنها اولیا و فرستادگان اند و اما این سخن خداوند: ﴿فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ﴾ این است که فرستادگان با قسط و عدالت قضاوت و رهبری می کنند و همان طور که خداوند می فرماید، آنها مورد ظلم واقع نمی شوند».^(۲)

۱- یونس: ۴۷.

۲- تفسیر عیاشی: ص ۱۱۹؛ بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۰۶.

این موارد به اختصار، کفایت می‌کند و اگر بخواهیم دلایل قرآنی را برشمیریم مطلب به درازا خواهد کشید.

ب- از حضرت محمد ﷺ احادیث زیادی از طریق شیعه و سنی نقل شده است که دلالت بر وجود یک مهدی و قائم قبل از امام مهدی (علیه السلام) می‌نمایند؛ او با امام زمان در ارتباط است و فرستاده وی (علیه السلام) و دست راستش و وصیّش می‌باشد. وصیّت رسول اکرم ﷺ به این شخص با اسم و صفت هدایت می‌کند؛ اینکه او مهدی اول است، نامش احمد و از نسل امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد.

ائمه (علیهم السلام) نیز این شخصی که امام مهدی (علیه السلام) او را می‌فرستد با اسم، محل سکونت و ویژگی‌هایش توصیف کرده‌اند؛ نامش احمد است، از بصره و.... و.... به جهت اختصار، از نقل احادیث معذورم، برای اطلاعات بیشتر به کتاب‌های منتشر شده انصار امام مهدی (علیه السلام) مراجعه کنید مانند «البلاغ المبین»، «الرد الحاسم» و «الرد القاصم» و بعضی از بیانیه‌هایی که در آنها به برخی از این روایات اشاره شده است؛ روایاتی که بزرگان علمای شیعه از صدها سال پیش از رسول خدا ﷺ و ائمه (علیهم السلام) روایت می‌کنند و بعضی از این روایت‌ها را علمای سنی نیز در کتاب‌هایشان روایت نموده‌اند.

دوم: در تورات

۱- سفر اِشعیا: «۲۶ پس پرچمی برای امت‌های دور دست برپا می‌شود و از جای جای زمین برایشان فریاد خواهد زد ۲۷ ناگهان آنان به سرعت می‌آیند در حالی که در میان آنها شخص از پا افتاده‌ای وجود ندارد، نه چرت می‌زنند و نه می‌خوابند نه کمربندشان و نه بند کفششان پاره نمی‌شود ۲۸ کسانی که نوک

تیرهایشان تیز و سُم اسب‌هایشان چون سنگ خارا است و چرخ‌هایشان مثل طوفان شمرده خواهد شد ۲۹ جوانانشان مثل طوفان هستند. مثل بچه شیر می‌غرند و به سرعت شکار خود را به چنگ می‌آورند و به سلامت می‌برند و رهاننده‌ای نخواهد بود ۳۰ و در آن روز بر ایشان چون دریا شورش خواهند کرد....»^(۱)

این ویژگی‌ها یعنی نمی‌خوانند و.... و.... و.... خصوصیات اصحاب قائم (علیه السلام) می‌باشد همان‌گونه که در روایات از آل محمد (علیهم السلام) نقل شده است.^(۲) حال برپا کننده پرچم کیست؟ (پرچم را برای اُمّت‌ها بر خواهد افراشت)؛ یعنی کسی که از مردم بیعت می‌خواهد و انصار و یاران را برای امام مهدی (علیه السلام) و عیسی و ایلیا و خضر (علیهم السلام) گرد خواهد آورد.

اصحاح یازدهم: «۱ و از تنه یسّی شاخه‌ای خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت ۲ و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند ۳ و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود، صرفاً بر وفق مشاهده چشمش قضاوت نمی‌کند و موافق سمع گوش‌هایش حکم نمی‌دهد ۴ بلکه مسکینان را با

۱- اصحاح پنجم: ۶ تا ۳۰.

۲- در مورد فضایل یاران قائم (علیه السلام) روایاتی وارد شده است؛ از جمله روایتی که صدوق از ابوبصیر نقل کرده است که گفت: ابو عبدالله (علیه السلام) فرمود: «این سخن لوط به قومش ﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَيَّ رُكْنٌ شَدِيدٌ﴾ (کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم یا می‌توانستم به رکن شدید پناه ببرم) نبود مگر آرزوی او بر داشتن نیروی قائم (علیه السلام) و ذکر بر شدت یاران او؛ هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد را خواهد داشت، قلبش از زبردت سخت‌تر است، اگر بر کوه‌های آهن عبور کنند، ریشه‌کنشان کنند و شمشیرهای خود را بر زمین نگذارند تا خداوند عزوجل راضی شود» کمال الدین و تمام النعمة: ص

عدالت داورى خواهد کرد و در میان بی‌نویان زمین با انصاف حکم خواهد راند. زمین را با عصای دهانش می‌زند و منافق با نفس لب‌هایش خواهد مرد ۵ کمر بند کمرش، عدالت و کمر بند میانش، امانت خواهد بود ۶ پس گرگ با گوسفندان سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله با شیر.... ۹ و در تمام کوه مقدس من، فساد نمی‌کنند و کار زشتی انجام نمی‌دهند زیرا زمین از معرفت پروردگار پُر می‌شود همان‌طور که آب، دریا را می‌پوشاند ۱۰ و در آن روز ریشه‌یسی به عنوان پرچمی برای مردم برپا خواهد شد و امت‌ها فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود»^(۱).

تمام این حوادث با قیامت صغری مناسبت دارد و در گذشته اتفاق نیفتاده است و جز در دولت عدالت الهی اتفاق نمی‌افتد.

اما یسی در تورات شناخته شده است؛ او پدر پیامبر خدا داوود علیه السلام است و مادر امام مهدی علیه السلام از نسل داوود علیه السلام می‌باشد.

داستان آن به صورت کاملاً خلاصه به شرح زیر می‌باشد: «او ملکه‌ای است که جدش قیصر روم می‌باشد. در خواب، عیسی علیه السلام و جانشین وی یعنی شمعون صفا و محمد صلی الله علیه و آله را می‌بیند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله او را از حضرت عیسی علیه السلام برای فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام خواستگاری می‌کند. عیسی علیه السلام به شمعون صفا (سمعان بطرس) می‌گوید: افتخار بزرگی نصیب شده است؛ چرا که وی (مادر امام زمان علیه السلام) از نوادگان شمعون صفا (سمعان بطرس)، وصی و جانشین عیسی علیه السلام می‌باشد. بعد از این رؤیا، رؤیاهای زیادی می‌بیند، خودش را اسیر

می کند و معجزه های زیادی برایش اتفاق می افتد تا به خانه امام علی هادی (علیه السلام) می رسد و آن حضرت وی را به همسری فرزندش امام حسن عسکری (علیه السلام) درمی آورد و از او امام محمد بن الحسن المهدی (علیه السلام) متولد می شود.^(۱)

پس امام مهدی محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) از ناحیه مادری جزو نوادگان اسرائیل (یعقوب علیهما السلام) و از ناحیه پدری از نوادگان محمد (صلی الله علیه و آله) به شمار می رود. پس اینکه حضرت مهدی (علیه السلام) شاخه ای از تنه یسّی است، بر او صدق می کند. همان گونه که این مورد بر مهدی اوّل از مهدیین دوازده گانه نیز صدق می کند؛ چرا که او نیز شاخه ای است که از شاخه ای از تنه یسّی بیرون می آید؛ چرا که او از نسل امام مهدی (علیه السلام) است.

مهدی اوّل که طبق روایات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام)، نامش احمد است، فرستاده امام مهدی (علیه السلام) و وصی و نیز دست راست وی می باشد و اولین کسی است که در آغاز ظهورش، قبل از اینکه با شمشیر قیام کند به وی ایمان می آورد. به جهت اختصار، به این مقدار بسنده می کنم. اگر خواستار توضیحات بیشتر هستی به تورات سفر اشعیا، اصحاح های سیزدهم، چهل و دوم، چهل و سوم، چهل و چهارم، چل و نهم، شصت و سوم، شصت و پنجم و شصت و ششم مراجعه نما و در آنها به خوبی تدبّر کن.

۲- سفر دانیال اصحاح دوم: «.... ۳۱ ای پادشاه تو در خواب مجسمه بزرگی دیدی.... ۳۴ وقتی تو به آن نگاه می کردی، سنگی بدون اینکه کسی به آن دست

۱- رجوع نمایید به کمال الدین: ص ۴۱۷ باب «آنچه درباره سیده نرجس مادر قائم (علیه السلام) روایت شده است».

بزند، به پاهای گلی و آهنین آن مجسمه اصابت کرد و آن مجسمه را درهم شکست. ۳۵ آن گاه آهن، گل، برنج، نقره و طلا همه با هم خرد شدند و باد ذرات آن را همچون گرد و غباری که در تابستان از کاه خرمن برمی‌خیزد چنان پراکند که دیگر اثری از آن بر جای نماند. اما آن سنگی که به مجسمه برخورد کرد آن قدر بزرگ شد که مانند کوه بزرگی گردید و سراسر روی زمین را پوشانید....»^(۱)

این سنگی که حکومت طاغوت و شیطان را از بین می‌برد، فرستاده‌ای از سوی امام مهدی (علیه السلام) و عیسی و ایلیا و خضر (علیهم السلام) می‌باشد.

اصحاح هفتم: «۲ دانیال پاسخ داد و گفت: شبگاهان در عالم رؤیا دیدم که ناگاه چهار باد آسمان بر دریای عظیم تاختند ۳ و چهار حیوان بزرگ که با هم فرق داشتند از دریا بیرون آمدند ۴ اولین آنها مثل شیر بود و بال‌های عقاب داشت و من نظر کردم تا بال‌هایش کنده شد و بر زمین برخاست و بر پایهای خود مثل انسان قرار گرفت و قلب انسان به او داده شد ۵ و اینک حیوان دوم مثل خرس بود و بر یک طرف خود بلند شد و در دهانش در میان دندان‌هایش سه دنده بود و وی را چنین گفتند: برخیز و گوشت بسیار بخور ۶ بعد از آن نگریستم و اینک مثل پلنگ بود که بر پشتش چهار بال پرنده داشت و این حیوان وحشی چهار سر داشت و سلطنت به او داده شد ۷ بعد از آن در رؤیاهای شب نظر کردم و اینک وحش چهارم که هولناک و مهیب و بسیار زور‌آور بود و دندان‌های بزرگ آهنین داشت و باقی‌مانده را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پایهای پایمال می‌نمود و با همه وحوشی که قبل از او بودند، فرق داشت و او ده شاخ داشت ۸ پس در این شاخ‌ها تأمل می‌نمودم که اینک از میان آنها شاخ کوچک دیگری

برآمد و پیش رویش سه شاخ از آن شاخ‌های اول از ریشه کنده شد و اینک این شاخ، چشمانی مانند چشم انسان و دهانی که به سخنان تکبرآمیز متکلم بود، داشت ۹ و نظر می‌کردم تا کرسی‌ها برقرار شد و قدیم‌الایام جلوس فرمود. لباسش مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله‌های آتش و چرخ‌هایش آتش ملتهب بود ۱۰ نه‌ری از آتش جاری شده، از پیش روی بیرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کروورها کروور به حضور وی ایستاده بودند. دیوان برپا شد و دفترها گشوده گردید ۱۱ آنگاه نظر کردم به سبب سخنان تکبرآمیزی که آن شاخ می‌گفت. پس نگرستم تا آن وحش کشته شد و جسد او هلاک گردیده، به آتش مشتعل تسلیم شد ۱۲ اما سایر وحوش، سلطنت از ایشان گرفته شد، لکن درازی عمر به ایشان داده شد، تا زمانی و وقتی ۱۳ در رؤیای شب نگرستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم‌الایام رسید و او را به حضور وی آوردند ۱۴ و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد ۱۵ اما روح من دانیال در جسد مندهوش شد و رؤیاهای سرم‌مرا مضطرب ساخت ۱۶ و به یکی از حاضرین نزدیک شده، حقیقت این همه امور را از وی پرسیدم. او به من تکلم نموده، تفسیر امور را برایم بیان کرد ۱۷ که این وحش عظیمی که عدد ایشان چهار است، چهار پادشاه می‌باشند که از زمین خواهند برخاست ۱۸ اما مقدسان حضرت اعلی سلطنت را خواهند گرفت و مملکت را تا به ابد و تا ابدالابدین متصرف خواهند بود ۱۹ آنگاه آرزو داشتم که حقیقت امر را درباره وحش چهارم که مخالف همه دیگران و بسیار هولناک بود و دندان‌های آهنین و

چنگال‌های برنجین داشت و سایرین را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پاهایش پایمال می‌نمود، بدانم ۲۰ و کیفیت ده شاخ را که بر سر او بود و آن دیگری را که برآمد و پیش روی او سه شاخ افتاد، یعنی آن شاخی که چشمان و دهانی را که سخنان تکبرآمیز می‌گفت داشت و نمایش او از رفقاییش سخت‌تر بود ۲۱ پس ملاحظه کردم و این شاخ با مقدّسان جنگ کرده، بر ایشان استیلا یافت ۲۲ تا حینی که قدیم الایام آمد و داوری به مقدّسان حضرت اعلیٰ تسلیم شد و زمانی رسید که مقدّسان ملکوت را به تصرّف آوردند ۲۳ پس او چنین گفت: اما وحش چهارم، چهارمین سلطنت بر زمین خواهد بود و با همهٔ سلطنت‌ها متفاوت خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پایمال نموده، پاره پاره خواهد کرد ۲۴ و ده شاخ این مملکت، ده پادشاه می‌باشند که خواهند برخاست و دیگری بعد از ایشان خواهد برخاست و او مخالف اولین خواهد بود و سه پادشاه را به زیر خواهد افکند ۲۵ و سخنان بر ضدّ حضرت اعلیٰ خواهد گفت و مقدّسان حضرت اعلیٰ را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمان‌ها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهند شد ۲۶ پس دیوان برپا خواهد شد و سلطنت او را از او گرفته، آن را تا به انتها تباه و تلف خواهند نمود ۲۷ و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمان‌ها است به قوم مقدّسان حضرت اعلیٰ داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک فقط او را عبادت و اطاعت خواهند نمود ۲۸ انتهای امر تا به اینجا است.....»^(۱)

شیری با دو بال اشاره به امپراطوری انگلستان دارد که در اروپا قد علم کرد و سمبلش شیری با دو بال می باشد. اما خرس نماد شوروی است که گوشت زیادی می خورد یعنی مردمان زیادی را کشته است.... ولی حیوان چهارم که از آهن است، امپراطوری آمریکا می باشد که با اسلحه و ثروت به همه جای این دنیا تسلط پیدا کرده است و آن را لگد کوب می کند.

قدیم الایام همان امام مهدی (علیه السلام) است و همان طور که دانیال گفته است، در نهایت آمریکا در آتش خواهد سوخت، ان شاء الله.

امام مهدی (علیه السلام) و عیسی و ایلیا و خضر (علیهم السلام) در قیامت صغری می آیند؛ قیامتی که حساب، عذاب و نعمتی است برای ظالمان. آیا عذاب و نعمت قبل از هشدار دادن، درست است؟ پس بیم دهنده کیست؟

پس باید فرستاده ای قبل از ظهور ایشان (علیهم السلام) باشد تا مردم را بیم و بشارت دهد. این مقدار به اختصار از تورات کافی است.

سوم: در انجیل

انجیل متی اصحاب بیست و چهارم: «و... ۶ و جنگ ها و اخبار جنگ ها را خواهید شنید.... ۱۵ پس چون مکروه ویرانی را که به زبان دانیال نبی گفته شده و در مکان مقدس موجود است ببینید.... ۲۲ ولی به خاطر برگزیدگان آن روزها کوتاه خواهد شد.... زیرا همچنان که برق از مشرق ها ساطع شده تا به مغرب ها ظاهر می شود آمدن پسر انسان نیز اینچنین خواهد بود.... و بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد....».

در این اصحاب، عیسی (علیه السلام) نشانه های قیامت صغری را ذکر می کند همان طور

که رسول خدا حضرت محمد ﷺ و ائمه علیهم السلام ذکر کرده‌اند، جنگ‌ها، خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی^(۱).... و مکروه ویرانی (آمریکا).... مهم این است که وی در آغاز ظهورش از مشرق به سمت مغرب حرکت می‌کند و مشرق نسبت به مکان عیسی علیهم السلام در آن زمان عراق می‌باشد، و نوری که از مشرق خارج و در مغرب ظاهر شده ابراهیم است که از عراق خارج و در سرزمین مقدس ظاهر شده است.

و عیسی علیهم السلام درباره یوحنا (یحیی) گفته که او ایلیا یا مثل ایلیا است؛ «ولی اکنون به شما می‌گویم که ایلیا آمده است و او را نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی انجام دادند. به همین صورت پسر انسان نیز از ایشان آزار و اذیت خواهد دید. گویا شاگردان دریافتند که درباره یحیی تعمیم دهنده به ایشان سخن می‌گفت....»^(۲)

عیسی علیهم السلام درباره یوحنا می‌فرماید: «اگر خواستید قبول کنید این همان ایلیا است که انتظار آمدنش وجود دارد، هر که گوش شنوا دارد بیاید و بشنود»^(۳).

بنابراین خروج فرستاده‌ای که امام مهدی علیهم السلام و کسانی که با او هستند یعنی عیسی و ایلیا و خضر علیهم السلام می‌فرستند، از عراق خواهد بود، و می‌توان به این معنی، خروج او را خروج عیسی علیهم السلام دانست، همان‌گونه که خروج یوحنا در یک مرحله مشخص بیانگر خروج ایلیا بود و ممکن است این فرستاده از ملت دیگری

۱- به علامت‌های ظهور که پیامبر ﷺ و اهل بیت طاهر او علیهم السلام در منابع مسلمانان مراجعه نمایند. سید احمد الحسن علیهم السلام بسیاری از آنها را در کتاب گوساله جلد ۲ توضیح داده‌اند.

۲- انجیل متی اصحاح هفدهم.

۳- اصحاح یازدهم.

باشد همان طور که عیسی علیه السلام می فرماید: «از این رو به شما می گویم که ملکوت خداوند از شما گرفته می شود و به امتی که به ثمره اش عمل می کند، عطا خواهد شد.»^(۱)

و عیسی علیه السلام فرمود: «پس شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید. پس آن غلام امین دانا کیست که آقايش او را تعیین کرده است تا بر بنده هایش طعام (یا همان علم و معرفت و حکمت) دهد. در این حال خوشا به حال آن غلامی که چون آقايش آید او را در چنین کاری مشغول یابد.»^(۲)

این غلام امین دانا کیست؟ جز فرستاده ای از جانب امام مهدی، عیسی، ایلیا و خضر علیهم السلام؟

و عیسی علیه السلام فرمود: «۵ اما الآن نزد فرستنده خود می روم و کسی از شما از من نپرسد به کجا می روی ۶ ولیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پُر شده است ۷ و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما بهتر است؛ زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم ۸ و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود ۹ اما بر گناه؛ زیرا آنها به من ایمان نمی آورند ۱۰ و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید ۱۱ و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است.»^(۳)

۱- متی: اصحاب بیست و یکم.

۲- اصحاب بیست و یکم.

۳- انجیل یوحنا اصحاب شانزدهم.

این تسلی‌دهنده که فرستاده می‌شود کیست؟ و این فردی که اهل جهان را به جهت گناهانشان و تکذیب انبیا و رسولان و قتل آنان و نپذیرفتن حقیقت انبیا و وصیت‌هایشان و برای ضایع کردن بهره آنها در قیامت صغری و بی‌حرمتی‌شان به رئیس این جهان یعنی امام مهدی (علیه السلام) سرزنش و توبیخ می‌کند، کیست؟ عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: «۱۲ و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، ولی الآن طاقت تحمّل‌شان را ندارید ۱۳ ولی هنگامی که او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تگلم نمی‌کند بلکه فقط به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور بسیاری به شما خبر خواهد داد ۱۴ او مرا جلال خواهد داد زیرا آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد».^(۱)

از ابو عبد الله (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد و همه آن چیزی که انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج می‌کند و آن را بین مردم منتشر می‌کند و این دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود».^(۲)

فکر می‌کنم توضیحاتی که دادم هرچند مختصر بود ولی برای کسی که طالب حق و حقیقت است کافی باشد. اگر توضیحات بیشتری خواستید در رؤیای یوحنا یلاهوتی مطالب بسیاری برای کسی که طالب حقیقت است وجود دارد و

۱- انجیل یوحنا اصحاب شانزدهم.

۲- مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

من جهت اختصار از آوردن شان صرف نظر می کنم.

یاد آور می شوم هنگامی که عیسی (علیه السلام) مبعوث شد، یهود گفتند: «آیا از ناصره چیز صالحی خارج می شود؟»^(۱) و گفتند: «تحقیق کنید و ببینید که هیچ پیغمبری از جلیل نبوده است»^(۲) و گفتند: «و آیا مسیح از جلیل می آید؟ آیا کتاب نگفت که او از نسل داوود از بیت لحم است؟ مسیح از روستایی که داوود در آن بوده است، می آید؟»^(۳)

و در انتها نصیحت من به شما این است که در این سخنان نیک بیندیشی... در تورات آمده است: «با تمام قلبت به من توکل کن و به فهم و اندیشه خود اعتماد مکن. در همه راهها مرا بشناس و من راه را به تو نشان خواهم داد. خود را حکیم مپندار، مرا گرامی بدار و خودت را با سخن من تأدیب نما».

احمد الحسن

پرسش ۱۶: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟

آیا ممکن است که در وجود شما نیرویی بر قدرت ذهن شما تسلط پیدا کرده و در شما چنین احساسی به وجود آورده باشد؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

۱- یوحنا اصحاح اول - آیه: ۴۶.

۲- یوحنا اصحاح هفتم - آیه: ۵۲.

۳- یوحنا اصحاح هفتم - آیه: ۴۱ و ۴۲.

عیسی (علیه السلام) فرمود: «۴۷ کسی که از خدا باشد، کلام خدا را می‌شنود. شما از این رو کلام خدا را نمی‌شنوید که از خدا نیستید. ۴۸ قوم یهود در پاسخ گفتند: آیا خوب نگفتم که تو سامری هستی و یک دیو داری. ۴۹ یسوع در پاسخ گفت: من دیو ندارم، لکن پدر خود را حرمت می‌دارم و شما مرا بی‌حرمت می‌سازید. ۵۰ من مجد خودم را طالب نیستم ولی کسی هست که می‌طلبد و داوری می‌کند. ۵۱ حقیقت، حقیقت را به شما می‌گویم که اگر کسی کلام مرا حفظ کند تا ابد مرگ را نخواهد دید.»^(۱)

احمد الحسن

پرسش ۱۷: این نشانه روح اخلاقی والای شما است.

امیدوارم از سخنان من ناراحت نشده باشید و از اینکه در سؤال‌هایم جانب ادب رعایت نشده است، متأسفم. مجدداً از شما سپاس گزارم که بر من منت گذاشتید و عنایت فرمودید و این نشانه روح اخلاقی والای شما است. در پناه پدر، پسر و روح القدس!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

ناراحت نمی‌شوم.... ولی ناراحتی من به خاطر شما است؛ زیرا شما ای اهل زمین در صحرای مادیات سرگردان شده‌اید همان‌گونه که قوم بنی‌اسرائیل در

صحرای سینا سرگردان شده بودند.

احمدالحسن

پرسش ۱۸: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم چقدر است؟!

درود بر سید احمدالحسن... سلام علیکم

تمام پاسخ‌هایتان را دریافت کردم، متشکر و ممنونم از اینکه به من توجّه فرمودید... ولی موضوع مهمی باعث تعجب من شده است؛ اینکه شما می‌خواهید سطح تحصیلات و میزان پایبندی من به دین را بدانید در حالی که شما می‌گویید «من بهتر از مسیحیان، انجیل می‌دانم و همچنین تورات و قرآن را از شما بهتر می‌دانم...» چگونه است که امام شما به شما نیاموخته است...؟! تا بدانی که من چه کسی هستم و تحصیلاتم چقدر است تا حقیقت آنچه را که می‌گوئید به امثال من نشان دهید؟! پاسختان چیست؟ با تشکر فراوان و احترام و تقدیم دوستی من به شما. در امان خدا باشید.

reta Jorj - زن مسیحی - ۲۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

«و همچنین رؤسای کاهنان به همراه کاتبان و شیوخ با مسخرگی گفتند، دیگران را نجات داد ولی قادر نبود خود را نجات دهد؛ اگر او پادشاه یهود است، باید حالا از صلیب پایین بیاید تا به او ایمان بیاوریم. به خدا توکل کرد، اگر از او بخواهد باید او را نجات دهد».

اگر کسی موسی (علیه السلام) را ببیند، آیا نمی‌داند در دستش عصا دارد؟ خداوند سبحان چگونه؟ پس چرا پرسید: در دست چه داری، ای موسی؟
احمد الحسن

پرسش ۱۹: آیا شما وصی امام مهدی (علیه السلام) هستی یا فرزند او؟
سلام علیکم ورحمة الله تعالی وبرکاته
امیدوارم لطف بفرمایید و این مسأله را واضح‌تر بیان نمایید: آیا شما وصی و جانشین امام هستید یا فرزند او؟
فایز العراقي - ۲۲ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:
بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
سید احمد الحسن فرستاده امام مهدی محمد بن الحسن (علیه السلام) به سوی همه مردم و همچنین اولین وصی از اوصیای دوازده گانه امام مهدی (علیه السلام) بعد از وفاتش می‌باشد؛ همان گونه که در خبر آمده است که بعد از حضرت مهدی (علیه السلام) دوازده مهدی می‌باشند.^(۱) سید احمد الحسن از نوادگان امام مهدی (علیه السلام) نیز هست؛ یعنی

۱- شیخ طوسی با سند خودش از امام صادق (علیه السلام) از پدرش باقر (علیه السلام) از پدرش زین العابدین (علیه السلام) از پدرش حسین شهید (علیه السلام) از پدرش امیرالمومنین (علیه السلام) از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: «... ای علی! بعد از من دوازده امام خواهد بود و بعد از ایشان، دوازده مهدی...». غیبت طوسی: ص ۱۵۰؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۵۹.

قاضی نعمان مغربی در شرح الاخبار از علی بن الحسین (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود: «قائم از ما قیام

امام مهدی جدّ او می‌باشد. این درست است که گفته می‌شود سید احمد الحسن فرزند امام مهدی (علیه السلام) است ولی منظور، فرزند بلاواسطه نیست بلکه از نسل امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد؛ همان‌طور که کسی که منتسب به رسول الله ﷺ باشد گفته می‌شود فرزند او است. اجداد سید احمد الحسن تا امام مهدی (علیه السلام) همگی وفات یافته‌اند غیر از امام مهدی (علیه السلام)، که خداوند در زمین تمکینش دهد.

همان‌گونه که امام مهدی (علیه السلام) بارها هنگام سخن گفتن با سید احمد الحسن عبارت «بُنَى» (پسر کم) را به زبان می‌آورده است؛ همان‌گونه که در یکی از بیانات ایشان این‌گونه روایت شده است: «پسرم فدایت شوم عجله کن...». می‌توانی از طریق نوار صوتی آن بررسی نماییدی.^(۱)

او اولین مهدی از مهدیین دوازده گانه و اولین ایمان آورنده به دعوت امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد.

انصار امام مهدی

که خداوند در زمین تمکینش دهد

پرسش ۲۰: نکاتی از داستان موسی (علیه السلام) در سفرش برای دیدار با خضر (علیه السلام) چگونه می‌توانم از داستان موسی (علیه السلام) در سفرش برای دیدار با خضر (علیه السلام) در

می‌کند (یعنی مهدی) سپس بعد از او دوازده مهدی خواهد بود (یعنی ائمه از فرزندان او)....». شرح الاخبار: ج ۳ ص ۴۰۰. جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتاب‌های مهدی و مهدیین در قرآن و سنت، مهدیین در حدیث اهل بیت (علیهم السلام)، و سایر انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) مراجعه نمایید.

۱- بیانیه‌ای که عبارت مذکور در آن روایت شده است بیانیه صادر شده در ۳ شوال ۱۴۲۴ هـ. ق. می‌باشد.

سفر دیدارمان با امام مهدی (علیه السلام) بهره‌مند شویم؟

علاء رزاق - ۴ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخ در سایت مکتب موجود است: کتاب متشابهات جلد سوم برگرفته از پاسخ سؤال چهارم که سید احمد الحسن در ذیل آن پاسخ داده است.

انصار امام مهدی

که خداوند در زمین تمکینش دهد

اما داستان عالم (علیه السلام) با موسی (علیه السلام)....

در زمان قائم (علیه السلام) نیز کشتی، پسر و دیواری که زیرش گنج بود نیز وجود خواهد داشت. کشتی که متعلق به اصحاب قائم (علیه السلام) است، معیوب می‌شود تا از گزند طاغوتیان در امان بماند: «یظهر فی شبهه لیستین» (با شبهه آشکار می‌گردد تا آشکار گردد)، یعنی قائم (علیه السلام) که این معنا در روایات ائمه (علیهم السلام) آمده است.^(۱)

۱- اشاره می‌فرمایند به آنچه از ابو عبدالله امام صادق (علیه السلام) در حدیث مفضل روایت شده است: «ای مفضل، در شبهه ظاهر می‌گردد تا آشکار شود. پس ذکرش بلند می‌شود و امرش آشکار می‌گردد و به نام و کنیه و نسبش ندا داده می‌شود. نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم بایمان و بی‌ایمان نقل می‌گردد تا حجت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان و نسب او را اعلام کرده‌ایم و گفته‌ایم که او هم‌نام جدش خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) و هم‌کنیه او است تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه او را نمی‌دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه او بر زبان مردم جاری می‌شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. تمام اینها برای این است که حجت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند همان گونه که به جدش وعده داده است، امر به ظهورش می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (او کسی است که فرستاده‌اش

اما پسر، کشته می شود زیرا باطنی سیاه دارد و به درد ابلیس لعنت الله علیه گرفتار است: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ» (من از او بهترم)؛^(۱) از ائمه (علیهم السلام) روایت شده است که قائم (علیه السلام) یکی از کسانی که در کنار او کار می کند و از مقریین حضرتش است را می کشد.^(۲)

اما گنج، علم آل محمد (علیهم السلام) است که از زیر دیوار بیرون کشیده و بین مردم نشر داده می شود. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده اند تنها دو حرف است و مردم تا امروز جز آن دو حرف را نمی شناسند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد و آن را بین مردم نشر می دهد، و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و بیست و هفت حرف را منتشر می سازد».^(۳)

را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند حتی اگر مشرکان را خوش نیاید». مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۷۹؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۳.

۱- اشاره می فرماید به داستانی که خداوند متعال از زبان ابلیس بیان فرموده است آن هنگام که خودش را با آدم (علیه السلام) قیاس نمود: ﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ (خداوند گفت: وقتی تو را به سجده فرمان دادم، چه چیز تو را از آن بازداشت؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل) اعراف: ۱۲.

۲- از ابو عبدالله امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «مردی که بالای سر قائم به او امر و نهی می کند. ناگهان می فرماید: بیاوریدش. او را پیش پاهایش می آورند و امر می کند گردنش را بزنند، و کسی باقی نمی ماند مگر اینکه از او ترسان و خاشع باشد». غیبت نعمانی: ص ۲۴۵؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۵.

۳- مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶؛ خرائج و جرائع: ج ۲ ص ۸۴۱.

و سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میان شما شبیه او (ذو القرنین) وجود دارد؛^(۱) یعنی قائم (علیه السلام) که مردم را دعوت می‌کند و مردم به او می‌گویند: ای پسر فاطمه برگرد. برای بار دوم مردم را دعوت می‌کند و مردم به او می‌گویند: ای پسر فاطمه، برگرد.^(۲) اما در مرتبه سوم خداوند وی را بر آنها چیره می‌سازد و آنقدر از آنها می‌کشد تا خداوند سبحان و متعال خوشنود گردد؛^(۳) تا جایی که یکی از

۱- کلینی با سند خودش از حمران بن اعین روایت می‌کند که گفت: ابو جعفر (علیه السلام) فرمود: «علی (علیه السلام) محدث بود (به او وحی می‌شد)». به سوی یارانش رفت و گفت: چیزی عجیبی برایتان آوردم. گفتند: چیست؟ شنیدم ابو جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: «علی (علیه السلام) محدث بود». گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او بررسی چه کسی به او وحی می‌کرد. به سوی او باز گشتم و گفتم: آنچه شما فرمودید به یارانم گفتم و آنها گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او بررسی چه کسی به او وحی می‌کرد؟ به من فرمود: «ملکی به او وحی می‌کرد». گفتم: آیا می‌فرماید او پیامبر بود؟ در حالی که دستش را این گونه حرکت می‌داد، فرمود: «مثل یار سلیمان یا یار موسی یا مثل ذوالقرنین، یا آنچه به شما برسد که فرمود: و در میان شما هم نظیر او هست». کافی: ج ۱ ص ۲۷۱ ح ۴؛ بصائر الدرجات: ص ۳۴۱.

۲- از ابو جعفر (علیه السلام): «هنگامی که قائم (علیه السلام) به پا خیزد به سوی کوفه می‌رود. چند ده هزار نفر از بتریه که با خود سلاح دارند به او می‌گویند: به همان جا که آمده‌ای برگرد، ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. پس شمشیر را در میانشان قرار می‌دهد و تا آخرینشان را می‌کشد. سپس به کوفه داخل شده، تمام منافقین شکاک را از بین می‌برد، کاخ‌هایشان را ویران می‌کند و مبارزیشان را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی گردد». بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۸.

۳- از ابو بصیر نقل شده است: شنیدم ابو جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: «در صاحب این امر، سنت چهار پیامبر وجود دارد: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف و سنتی از محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)». گفتم: سنت موسی چیست؟ فرمود: «ترسان و مراقب». گفتم: سنت عیسی چیست؟ فرمود: «آنچه درباره عیسی گفته شد، درباره او گفته می‌شود». گفتم: سنت یوسف چیست؟ فرمود: «زندان و غیبت». گفتم: سنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) چیست؟ فرمود: «هنگامی که قیام کند به روش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حرکت می‌کند با این تفاوت که او آثار محمد را آشکار می‌کند. شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می‌کند و می‌کشد و می‌کشد تا خداوند

نزدیکان وی می گوید: تو مردم را به مانند گله چهارپایان فراری می دهی^(۱) و تا جایی که مردم می گویند: این شخص از آل محمد (علیه السلام) نیست؛ چرا که اگر از آل محمد (علیه السلام) می بود ترحم می نمود؛ همان طور که در روایات از ایشان (علیه السلام) نقل شده است.^(۲)

امیدوارم آنچه گفتم برای مؤمنان سودمند باشد و هر چند در این قصه های

راضی گردد». گفتم: چگونه رضایت خداوند را متوجه می شود؟ فرمود: «خداوند رحمت را در قلبش می اندازد». غیبت نعمانی: ص ۱۶۸ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۷.

۱- عیاشی در خبری طولانی از ابو عبدالله امام صادق (علیه السلام) روایت می کند تا آنجا که فرمود: «... تا به ثعلبیه می رسد که مردی از پشت پدرش و از همه مردم نیرومندتر و شجاع تر است (به غیر از صاحب این امر)، در مقابلش می ایستد و می گوید: فلانی، این چه کاری است که می کنی؟ به خدا قسم! تو مردم را مانند چهارپایان فراری می دهی. آیا این کارها با عهده ای از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام می شود یا چیز دیگری؟ پس آن خدمتکاری که متصدی امر بیعت بود بر او بانگ می زند: در جایث بنشین و گرنه به خدا سوگند سر از بدنت جدا می کنم. اما حضرت قائم (علیه السلام) به او می فرماید: فلانی ساکت باش. آری، به خدا سوگند عهدنامه ای از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همراه من است! بعد صدا می زند: فلانی، آن خورجین یا کیف یا صندوقچه را بیاور. پس آن را می آورند و عهدنامه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می خواند. آن مرد عرض می کند: خداوند مرا فدای تو گرداند، سر مبارکت را نزدیک بیاور تا بر آن بوسه زنم. پس آن جناب سر مبارک خویش را پیش می آورد و آن مرد میان چشمان حضرت را می بوسد. سپس می گوید: خداوند مرا فدای تو سازد، بار دیگر از ما بیعت بگیر؛ که آن حضرت بیعت خود را تجدید می کند». تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۵۸ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۱.

۲- از ابو جعفر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «اگر مردم می دانستند قائم هنگامی که خروج کند، چه می کند، بیشتر مردم ترجیح می دادند که او را نمی دیدند از آنچه از مردم می کشد؛ او شروع نمی کند مگر از قریش و از آنها قبول نمی کند مگر شمشیر و به آنها جز شمشیر نمی دهد، تا آنجا که بیشتر مردم می گویند: او از آل محمد نیست که اگر از آل محمد می بود، رحم می کرد». غیبت نعمانی: ص ۲۳۸ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۴.

سه گانه رازهای بسیاری نهفته است که آنها را بیان ننموده‌ام.^(۱)
 نتیجه‌ای که می‌خواهم بیان کنم این است که این قصه‌های سه گانه ارتباط
 تنگاتنگی با قائم علیه السلام و یارانش و علایم ظهورش دارد.
 این پاسخ سید احمدالحسن بود.

پرسش ۲۱: زندگی‌نامه سید احمدالحسن علیه السلام

لطفاً زندگی‌نامه سید احمدالحسن را بیان نمایید؟

بکر السکینی - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

از کارکنان سایت در خواست می‌شود بر ما تفضل نموده، زندگی‌نامه سید
 بزرگوار احمدالحسن که سایه‌اش مستدام باد و در صورت امکان همراه با عکس
 ایشان، در اختیار ما قرار دهند. خداوند شما را تسدید فرماید!

طالب خیری - ۱۶ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

۱- در بصره در عراق به دنیا آمده است.

۲- فارغ التحصیل دانشکده مهندسی / مهندسی شهرسازی است.

۳- در حوزه علمیه نجف اشرف درس خوانده است.^(۱)

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره داستان‌های سه گانه به کتاب سفر موسی علیه السلام به مجمع البحرين
 که قائم آل محمد سید احمدالحسن علیه السلام به نگارش درآورده است، رجوع نمایید.

۴- امام مهدی علیه السلام حدود پنج سال پیش او را برای اصلاح حوزه علمیه نجف اشرف ارسال فرمود و کارهایی از قبیل اصلاح علمی، عملی و اقتصادی در حوزه و به طور کلی در جامعه به انجام رسانید.

الف - اصلاح علمی: از آنجا که در حوزه قرآن تدریس نمی شد، قرآن را در حوزه تدریس نمود و قضیه امام مهدی علیه السلام را انتشار داد.

ب - بعد از اینکه صدام، قرآن را با خون نجشش نوشت صریحاً اعلام کرد که صدام این کار را به قصد نزدیک شدن به شیطان رجیم انجام داده است و به جهت همین تصریح در کلام از طرف نیروهای صدام کافر مورد تعقیب قرار گرفت. او تنها کسی بود که در نجف این اقدام را با اقتدار تمام بر عهده گرفت و بیان نمود که صدام با دست خودش حکم مرگش را امضا کرده و به حکومتش پایان داده است؛ یعنی هنگامی که قرآن را با خون نجشش نوشت، و به علمای نجف و به طور کلی به همه علمای مسلمانان به خاطر سکوتشان در برابر این اقدام ناپسند صدام کافر، اعتراض نمود.

ج - اصلاح عملی: به این جهت بود که حوزه علمیه، امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مردم را ترک کرده بود و آشکارا به همه قسمت‌ها می فرمود که به امور دینی و دنیوی مردم و رفع ظلم و ستم از آنها بپردازند.

د - اصلاح اقتصادی: به آنچه به نام انقلاب علیه فساد مالی در حوزه علمیه معروف شد، اقدام نمود. در این مورد بسیاری از طلاب حوزه او را یاری کردند. روزی نزد یکی از وکلای مراجع رفت و در حالی که بیش از سی نفر از طلاب او

را همراهی می‌کردند، از آن وکیل خواستند تا فساد مالی آن مرجع را منتشر کند و ضرورت اصلاح آن را یادآور شد. همچنین طلباب را از حوزه علمیه به سوی مراجع فرستاد تا از آنها بخواهد فساد مالی موجود در خزینه‌هایشان را اصلاح کنند زیرا اموالشان را به وکلایشان می‌بخشیدند و فقیران و یتیمان و بیوه‌زنان که از گرسنگی به خود می‌پیچیدند را رها کرده بودند.

هـ - تقریباً سه سال پیش در زمان حکومت صدام طغیان‌گر اعلام کرد که او فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد و در نتیجه نیروهای صدام اقدام به دستگیری او نمودند که خداوند سبحان و متعال با لطف خودش او را از چنگ این طاغوت نجات داد و اکنون او مردم را به سوی امام مهدی (علیه السلام) و ضرورت یاری و تمکین او دعوت می‌کند..... و خدا را شکر.

این توضیحات بسیار خلاصه تقدیم حضورتان شد و از اینکه جزئیات را بیان نکردیم پوزش می‌خواهیم.

انصار امام مهدی

که خداوند در زمین تمکینش دهد

پرسش ۲۲: آیا می‌توانید از غیبیاتی که اجازه‌شان داده شده است، مرا آگاه نمایید؟

بسمه تعالی.... به جناب سید احمد الحسن.... آیا می‌توانید از امور غیبی که اجازه‌شان به انسان‌ها داده شده است، مرا آگاه نمایید؟ والسلام علیکم.

زینب موسوی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

در خصوص غیباتی که به دعوت مربوط می شود، به زودی کتاب غیبات مربوط به دعوت مانند رؤیا، شفا و سایر موارد، منتشر خواهد شد.^(۱) سایت را دنبال کنید مخصوصاً صفحه جدیدی که باز شده است و صفحات دیگر را نیز به اطلاع شما خواهیم رسانید.

انصار امام مهدی

که خداوند در زمین تمکینش دهد

پرسش ۲۳: روح القدس که در قرآن آمده است، کیست؟

روح القدس که در قرآن آمده است، کیست و بر چه کسی نازل می شود و میان او و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) چه رابطه ای وجود دارد؟

وائل سعیده - صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

پاسخ، در کتاب تشابهات موجود می باشد و همچنین به همراه فاطمه، پدرش، شوهرش و فرزندان، ائمه و مهدیین روح القدس اعظم هستند.

احمد الحسن

روح القدس، همان روح پاکی و عصمت است. اگر بنده نیتش را برای خداوند سبحان و متعال خالص گرداند و خواهان وجه او باشد، خداوند او را

۱- کتاب «کرامات و غیبات» در حال حاضر منتشر شده است. (مترجم)

دوست می‌دارد و ملکی را موکل او می‌کند تا او را به هر خیری وارد و از هر شرّی خارج کند و او را به سوی مکارم اخلاق (والا ترین خصوصیات اخلاقی) سوق می‌دهد. روح القدس واسطه انتقال دانش به انسانی که موکلش است، می‌باشد.

روح القدس‌ها متعدّدند و یکی نیستند؛ روح القدسی که با حضرت عیسی (علیه السلام) و انبیا بوده است با روح القدسی که با محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و ائمه (علیهم السلام) است فرق می‌کند؛ این روح القدس، همان روح القدس اعظم است که فقط برای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شد و پس از وفات او به علی (علیه السلام) منتقل شد و پس از او به ائمه (علیهم السلام) انتقال یافت و پس از ایشان به مهدیین دوازده گانه منتقل می‌شود.

از ابوبصیر روایت شده است که گفت: از ابو عبد الله (علیه السلام) درباره این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾^(۱) (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است). فرمود: «مخلوقی از مخلوقات خداوند عزوجل که از جبرئیل و میکائیل بزرگ‌تر است و همراه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بود و به او خبر می‌داد و راهنمایی می‌کرد و بعد از ایشان، همراه ائمه بعد از او می‌باشد».^(۲)

ابو بصیر می‌گوید: از ابو عبد الله (علیه السلام) درباره این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾^(۳) (از تو درباره روح می‌پرسند.

۱- شوری: ۵۲.

۲- بصائر الدرجات: ص ۴۷۵؛ ينابيع المعاجز: ص ۷۰.

۳- اسراء: ۸۵.

بگو: روح از امر پروردگارم است). فرمود: «آفریده‌ای عظیم‌تر از جبرئیل و میکائیل (علیهم السلام) که همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود و با ائمه (علیهم السلام) می‌باشد و این روح از ملکوت است».^(۱)

از ابو حمزه روایت شده است که گفت: از ابو عبدالله (علیه السلام) درباره علم پرسیدم که آیا همان علمی است که عالم از دهان دانشمندان یاد می‌گیرد یا در کتابی نزد شما است که آن را می‌خوانید و یاد می‌گیرید؟ فرمود: «مسئله بزرگ‌تر از اینها است. این سخن خداوند متعال را شنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾»^(۲) (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است). سپس فرمود: «نظر اصحاب شما درباره این آیه چیست؟ آیا اقرار می‌کنند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در وضعیتی بود که نمی‌دانست کتاب چیست و ایمان کدام است؟» گفتم: فدایتان گردم، نمی‌دانم که آنها چه می‌گویند. حضرت (علیه السلام) به من فرمود: «آری، او (صلی الله علیه و آله) در حالتی بود که نمی‌دانست کتاب و ایمان کدام است تا اینکه خداوند متعال این روح را که در قرآن ذکر شده است، فرستاد. پس زمانی که خداوند این روح را به پیامبر وحی فرمود، پیامبر به وسیله این روح، علم و فهم را دانست. این روحی است که خداوند به هر که بخواهد عطا می‌فرماید. اگر آن را به بنده‌ای عطا فرماید، علم را به او آموخته است».^(۳)

بنابراین رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هنگامی که به این عالم جسمانی آمد

۱- کافی: ج ۱ ص ۲۷۳.

۲- شوری: ۵۲.

۳- کافی: ج ۱ ص ۲۷۴.

تا بعد از امتحان اوّل در عالم ذر وارد امتحان دوّم در این عالم که با جسم مادی پوشیده شده است، شود. زمانی که برای خداوند سبحان و متعال آنچنان که زمین، نظیرش را نداشته بود، اخلاص و رزید، خداوند او را به دوست برگزید و روح القدس اعظم را وکیل او نمود. به این صورت در این دنیا نیز درست مانند امتحان اول یا عالم ذر، در مسابقه پیروز گردید.

احمدالحسن

پرسش ۲۴: سخن خداوند متعالی: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...﴾^(۱) (و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد * و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می‌دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می‌رساند و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است). سؤال: سرّ نهفته شده در این آیات قرآن چیست؟

وائل سعیده صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
آیا تو می‌دانی سرّ چیست؟ این یک سؤال مغرضانه است و سؤال یک خواهان حقیقت نیست. امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر آسمان‌ها و زمین‌ها برای بنده‌ای سخت و غیرقابل نفوذ گردند سپس آن بنده تقوای الهی پیشه کند،

خداوند برای او از آن دو، راه خروجی قرار خواهد داد». پس راه خروج (مخرج) از تقدیر الهی است؛ همان قَدَر و قانون و سَنّت خداوند است که تغییر نمی‌یابد و ملازم و همراه تقوی می‌باشد.

احمد الحسن

پرسش ۲۵: گروه‌هایی که شمشیر امام (علیه السلام) به سویشان کشیده می‌شود

گروه‌هایی که شمشیر آقا و مولایمان امام زمان (علیه السلام) به سمتشان کشیده خواهد شد، کدام‌ها هستند و برای چه علمایی که اجازه تأویل احادیث و قرآن را ندارند این روایت امام صادق (علیه السلام) را روشن نمی‌سازند: «.... خیلی بیشتر از سخت‌گیری رسول اکرم نسبت به کفار سخت‌گیری خواهد نمود....». آیا امام زمان با کسانی که با او نمی‌جنگند ولی به وی ایمان ندارند نیز خواهد جنگید؟ آیا زمانی که او (علیه السلام) قیام می‌کند مردم فقط به دو دسته تقسیم می‌شوند و یا دسته دیگر هم وجود خواهد داشت که نه از این گروه است و نه از آن گروه؟

علاء رزاق - ۲ ربیع الاول ۱۴۲۶

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

دعوت امام مهدی (علیه السلام) مثل هر دعوت الهی دیگری است و مردم در این دعوت به سه گروه مؤمن، منافق و کافر تقسیم می‌شوند.

رسول اکرم محمد (صلی الله علیه و آله) دستور دادند که منافقان را به حال خود واگذارند؛ ولی قائم (علیه السلام) مأمور است که ابتدا کافران و سپس منافقین را از بین ببرد. همه امور چه قبل و چه بعد از آن، به دست خداوند است و سپاس تنها سزاوار خداوند یگانه

است.

احمد الحسن

پرسش ۲۶: وظیفه من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟

سید احمد الحسن، خداوند شما را برای یاری ولی‌اش و قائم به امرش توفیق عطا فرماید...

من مردم را به مسئله شما دعوت می‌کنم و ایده و فکر حرکت انصار را برای آنان شرح می‌دهم بدون اینکه پاسخ مثبتی از آنان دریافت نمایم. سؤال من این است که آیا تکلیف بنده در رابطه با دعوت همین است؟ یا این یک عمل ناپخته از من حقیر می‌باشد؟ آیا در این خصوص من باید موافقت مولا و آقایم امام زمان علیه السلام را کسب کنم؟ خواهش می‌کنم وضعیت من در این خصوص و نظر خود امام را بیان فرمایید و اینکه ایشان چه توصیه‌هایی برای من دارند و چگونه رضایت ایشان جلب می‌شود؛ خداوند فرج ایشان را تعجیل و خروج او را آسان فرماید. خداوند یگانه آگاه است که من از این دعا شادمانم و از شما تقاضا می‌کنم برایم دعا نمایید تا به درک معانی آن و نیز استفاده از آن جهت رسیدن به یاری امام مظلوم از حقش محروم شده، توفیق یابم.

علاء رزاق - ۵ ربیع ثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صل على محمد و آل محمد. السلام
عليكم ورحمة الله وبركاته.. أما بعد:

تکلیف هر شخصی که به فرستاده شدن سید احمد الحسن از جانب امام مهدی (علیه السلام) ایمان بیاورد، دعوت کردن مردم به این قضیه و یاری دادن آن و همراهی کردن با آن و پیروی از آن می باشد؛ البته طبق دستورات سید احمد الحسن یا نمایندگان تعیین شده از سوی ایشان.

اذن و اجازه سید احمد الحسن در هر موردی همان اذن و اجازه امام مهدی (علیه السلام) می باشد؛ چرا که سید احمد الحسن نماینده خاص امام زمان (علیه السلام) و منتقل کننده از ایشان است. از خداوند برای همه مان توفیق یاری حق و صاحب حق را مسئلت می نمایم.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۲۷: توقیع سمري

سلام بر کسی که از پی هدایت گام برمی دارد. خبر رسالت شما به من رسید و شما به من توصیه کردید که کتاب «پاسخ کوبنده» را بخوانم. من آن را خواندم و چیز جدیدی در آن نیافتم. این کتاب فقط شامل یک سری احادیث مجمل و متشابه که همگی قابل تأویل است می باشد که علم آن به دست علمای متخصص در علم رجال و درایه است. من کتاب «ادعای سفارت در غیبت کبری» تألیف شیخ محمد السند را به شما معرفی می کنم که در آن گم شده هر فرد منصف و عادی وجود دارد و من اکنون توقیعی از ناحیه مقدسه که هزاران تحیت و سلام بر او باد را برای شما می خوانم: «بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمري، خداوند پاداش برادرانت را درباره تو بزرگ نماید. تو در فاصله شش روز از دنیا خواهی رفت. پس، کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت

نکن که پس از تو جانشینت باشد؛ زیرا غیبت دوم کامل واقع شد و ظهوری نخواهد بود، مگر پس از اذن خداوند عزوجلّ و این اجازه پس از مدتی طولانی است که دل‌ها سخت شود و زمین از ستم آکنده گردد. و کسی که ادعای مشاهده می‌کند، به زودی به سراغ شیعیان من خواهد آمد. آگاه باشید! کسی که قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ‌گو و افترازننده است و هیچ قوت و نیرویی نیست، مگر برای خداوند بلندمرتبه بزرگ....»^(۱)

محمد العقابی - العراق - بصره - ۵ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

این همان چیزی است که من برای او فرستادم تا کمی اعصاب خود را کنترل کند و دو کتاب «الرد الحاسم» و «الرد القاسم» را بخواند.

ابو محمد جابر

دنبال‌کننده سایت انصار امام مهدی در اینترنت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صلّ على محمدّ وال محمدّ. السلام
عليكم ورحمة الله وبركاته.

به برادر محمد العقابی.... از خداوند برای شما توفیق درک و فهم و جست‌وجوی دقیق درباره این قضیه حق را مسئلت دارم و از خداوند می‌خواهم که شما را از تکذیب‌کنندگان قرار ندهد؛ آنهایی که با این سخنان آنان را

سرزنش فرموده است: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ﴾^(۱) (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته بودند). اما در رابطه با کتاب «الرد الحاسم» این کتاب درباره نسل و ذریه امام مهدی (علیه السلام) و اثبات آن می باشد و به اثبات امکان مشاهده امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت کبری اختصاص ندارد. من موضوع امکان مشاهده امام (علیه السلام) را در کتاب «پاسخ قاطع به منکران رویت قائم» مورد بحث و بررسی قرار داده ام و در آن «توقیع السمری» و سایر موارد را مورد نقد و بررسی قرار دادم و در آن امکان مشاهده امام (علیه السلام) را ثابت نمودم.

امیدوارم به این کتاب مراجعه و در آن دقت نمایی که ان شاء الله مقصود و گمشده خود را در آن خواهی یافت و نیز توصیه می کنم که همه کتاب هایی را که در این خصوص منتشر می شود به دقت مطالعه و در آنها تدبّر نمایی.... و اینکه از خداوند متعال با دعا و گریه بخواهی که تو را راهنمایی کند تا بتوانی حقی را که در آن اختلاف می کنند تشخیص دهی. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾^(۲) (و آن که خدا راهش را به هیچ نوری روشن نکرده باشد، هیچ نوری فرا راه خویش نیابد). والحمد لله رب العالمین .

شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۲۸: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام (علیه السلام) است

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمین و لعنت دایمی بر دشمنان دین!

سؤال اول: سید احمد الحسن نزد کدام یک از علمای مرجع درس خوانده

۱- یونس: ۳۹.

۲- نور: ۴۰.

است و وی از کدام کشور می‌باشد؟

سؤال دوم: آیا او فرزند مستقیم امام زمان علیه السلام است و امام زمان علیه السلام که جان‌هایمان فدای وی باد چطور ازدواج کرده‌اند؟ اسم مادر سید احمد الحسن چیست و از کدام کشور است؟ لطفاً با سند و مدرک به این سؤال‌هایمان پاسخ دهید و سؤال‌های دیگری نیز داریم.

صالح المیاحی - العراق ۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صلّ على محمدّ وال محمدّ. السلام
عليكم ورحمة الله وبركاته.

جواب سؤال ۱: سید احمد الحسن نزد امام مهدی علیه السلام درس خوانده است و دروسی که مراجع داده و می‌دهند با وی هیچ ارتباطی ندارد. او مبلغ و نقل‌کننده از امام مهدی علیه السلام و زمینه‌ساز ظهور او است و از استان بصره در عراق می‌باشد.

جواب سؤال ۲: سید احمد الحسن از نسل و نوادگان امام مهدی علیه السلام است و فرزند مستقیم ایشان نمی‌باشد و ازدواج امام مهدی علیه السلام و نسل ایشان در کتاب «پاسخ کوبنده به منکران ذریه قائم» آمده است. ممکن است منظور از فرزند، فرزند مستقیم و یا مراد از آن، نسل و نواده باشد.

امام حسن و حسین و سایر ائمه علیهم السلام فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوانده می‌شوند در حالی که فرزندان مستقیم آن حضرت نیستند، بلکه از نسل ایشان و پاره تن ایشان، یعنی فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشند. امام مهدی علیه السلام نیز در برخی روایات پسر

فاطمه (علیها السلام) خوانده شده است در حالی که فرزند مستقیم ایشان نیست بلکه از نسل و ذریه ایشان می باشد.

خداوند متعال در سوره یوسف در حکایتی از زبان یعقوب (علیه السلام) به فرزندش یوسف می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^(۱) (و به این گونه پروردگارت تو را برمی گزیند و تعبیر خواب ها را به تو می آموزد و همچنان که نعمت خود را پیش از این بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرده بود، بر تو و خاندان یعقوب هم تمام می کند، که پروردگارت دانا و حکیم است). واضح است که پیامبر خدا ابراهیم (علیه السلام) پدر بدون واسطه یوسف (علیه السلام) نیست و با این حال ابراهیم (علیه السلام) پدر یوسف (علیه السلام) توصیف شده است.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۲۹: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟

آیا جایز است زنی که ازدواج کرده است و ۳۵ سال سن دارد با موافقت همسرش و بدون به همراه داشتن محرم به زیارت امام رضا (علیه السلام) برود؟ خداوند پاداش نیکو به شما عنایت فرماید!

صلاح الفلاحی - ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صلّ على محمّد وال محمّد. السلام
عليكم ورحمة الله وبركاته.

رفتن زن به زیارت امام رضا (علیه السلام) بدون محرم جایز است اگر همان‌طور که در
سؤال قید شده است، با موافقت شوهرش انجام شود.... والسلام عليكم و رحمة
الله و برکاته.

برای جواب از سید احمد الحسن کمک گرفته شده است.

شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۳۰: نقشه دینی که آورده اید چیست؟

بسم الله العزيز الحكيم

به سید احمد الحسن.... نظرتان درباره ولیّ مقدس سید محمّد صادق صدر (علیه السلام)

چیست؟

بحث رسالت دینی که آوردید تا حجتی بر مؤمنان باشید چیست؟
نیازی نیست که شما برای اثبات دعوت خود نزد مراجعی که شما را تکذیب
می کنند بروی؛ چرا که طبق ادعای خودتان، شما فرستاده امام (علیه السلام) می باشید.
امیدوارم خودتان به سؤال‌هایم پاسخ گوید.

توجه: من منکر وجود هر نوع ارتباطی با امام (علیه السلام) نیستم؛ چرا که امام زمان
حاضر هستند و منتظر ظهور کبرای وی می باشیم.

نمیر - ۷ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صلّ على محمّد و آل محمّد. السلام
عليكم ورحمة الله وبركاته.

طبق نظر سید احمد الحسن، شهید محمّد صادق صدر یکی از اصلاح گران و
از کسانی می باشد که تلاش های زیادی جهت زمینه سازی برای ظهور امام
مهدی (علیه السلام) انجام داده است؛ رحمت خدا و برکاتش بر او باد!

رسالت سید احمد الحسن حجّیت وی به این صورت است که وی از جانب
امام مهدی (علیه السلام) فرستاده شده تا اُمت را از اختلاف و پراکندگی که در بین شان
حاکم است برهاند و آنان را زیر پرچم امام مهدی (علیه السلام) گرد آورد و با تفکر
دموکراسی حزبی که مردم آن را به پا داشته اند به نبرد برخیزد، حاکمیت خداوند
را در روی زمین تأیید و تصدیق کند که این موضوع را در کتاب خود
«حاکمیت خداوند نه حاکمیت مردم» بیان فرموده است و امید می رود به این
کتاب مراجعه و در آن تدبّر شود.

دلایل زیادی برای حقانیت سید احمد الحسن وجود دارد؛ امیدوارم در سایت
به آنها مراجعه کنید. چند تا از این منابع را به اختصار ذکر می کنم: «بلاغ المبين
ج ۱»، «پاسخ کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر کتاب های انتشارات انصار امام
مهدی (علیه السلام).

سنتّ خداوند درباره صاحبان دعوت الهی به این صورت است که این دعوت
بین مردم تبلیغ شود و دلایل این دعوت نیز به آنها گفته شود؛ اگر مردم یا علما
مخالف این دعوت ها باشند و نسبت به آن بی اعتنا، باید صاحبان دعوت درهای

آنان را بکوبند و دلایل این دعوت را به آنها گوش‌زد نمایند که این همان روش انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) است. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این‌گونه توصیف شده است: «مانند پزشکی دوره‌گرد بود که در میان مردم می‌گشت و بیماران را مداوا می‌کرد و داروهایش نیز اثر بخش‌ترین بود». حضرت (علیه‌السلام) در آغاز بعثتش نمایندگانی را نزد پادشاهان فرستاد، مانند پادشاه روم، پادشاه ایران و سایرین، از آنان خواست که به رسالت وی که از سوی خداوند متعال بود، ایمان آورند و خداوند متعال این سنت و روش را در موارد مختلفی در قرآن کریم ذکر فرموده است. از جمله این سخن خداوند متعال در وصف دعوت نوح (علیه‌السلام): ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا * فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا * وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا * ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا * ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا﴾^(۱) (گفت: ای پروردگار من، قوم خود را شب و روز دعوت کردم * و دعوت من جز به فرارشان نیفزود * و هر بار که دعوتشان کردم تا تو آنها را بیامری، انگشت‌هایشان را در گوش‌های خود کردند و جامه به سر کشیدند و پای فشردند و هرچه بیشتر سرکشی کردند * پس به آواز بلند دعوتشان کردم * باز به آشکار گفتم و در نهان گفتم).

شیخ ناظم عقیلی _ انصار امام مهدی (علیه‌السلام)

پرسش ۳۱: شناخت شجره‌نامه کامل

سلام علیکم.... مایلم شجره‌نامه کامل سید احمد را بدانم.

احمد - ۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صل على محمد و آل محمد. السلام
عليكم ورحمة الله وبركاته.

اول: درخواست برادر احمد جهت اطلاع از شجره نامه کامل سيد احمد الحسن
هیچ نفعی برای شناخت حقانیت سيد احمد الحسن ندارد؛ چون وی تقریباً از نسل
پنجم مقطوع النسب می باشد.

دوم: باید شما روی این موارد تحقیق نمایید: آیا وی واقعاً فرستاده‌ای از سوی
امام مهدی (علیه السلام) است یا نه؟ اگر ثابت شد، همه آن چیزهایی که می گوید، ثابت و
بر مردم حجت می گردد. مسئله اثبات نسب و نسل امام مهدی (علیه السلام) جز از طریق
خداوند و خود امام مهدی (علیه السلام) امکان پذیر نیست؛ چرا که مردم از این موضوع
اطلاع ندارند و از آنها مخفی می باشد. اگر مایل به کسب اطلاعات بیشتر در
خصوص نسل امام (علیه السلام) هستید مراجعه به کتاب «پاسخ قاطع به منکران ذریه قائم»
از انتشارات امام مهدی (علیه السلام) را به شما پیشنهاد می کنم.

خداوند شما را برای شناخت حق و پیروی از آن و ثابت بودن بر آن توفیق
عطا فرماید.... والسلام عليكم.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۳۲: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می نمایید.

سلام عليكم و رحمة الله وبركاته.... من یکی از برادران شما و شیعه امامی

هستم و از نوع متعصب آن نسبت به هر موضوعی که در اجتماع مطرح می‌شود، نمی‌باشم. در خصوص چیزهایی که شنیده‌ام، مسایلی دارم که مطرح می‌نمایم و ان شاء الله آنچه شنیده‌ام خیر باشد.... امیدوارم با سینه‌ای باز به سؤال‌هایم پاسخ دهید. به اعتقاد من این حق یک فرد است که پرسد و جست‌وجو کند به ویژه اگر مربوط به دین و اعتقادات فرد باشد که خداوند سبحان نیز به آن امر فرموده است.... باتشکر.

اول: می‌خواهم بدانم اصل موضوعی که شما برای دعوت به آن آمدید، چیست؟ داستان سید احمد الحسن که طبق گفته شما وصی و فرستاده امام زمان (علیه السلام) است، چیست؟ دلایل شما برای این وصایت و جانشینی چیست؟ آیا او معجزاتی دارد؟ چرا که معجزه در این گونه مسائل حکم‌کننده است، به ویژه اینکه در این زمان مدعیان زیادی وجود دارند (خداوند شما را از این گونه مدعیان قرار ندهد).

اگر شما آن گونه هستید که می‌گویید پایه‌هایی که دعوت شما بر آن استوار است چیست؟

امیدوارم برخی از سؤال‌های مرا به حساب تعصب نگذارید؛ سؤال‌های من استفهامی هستند نه به جهت انکار.... تا زمانی که دلیل مثبت یا منفی از سوی شما نیابم، موضع بی‌طرفی اتخاذ می‌کنم تا خداوند حکم کند که او بهترین حکم‌کننده‌هاست.... از شما بسیار سپاس گزارم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سؤال کننده... ابو صالح

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صلّ على محمد و آل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

در آغاز مایلیم از برادر ابوصالح علی حسن به خاطر ارسال این نامه و جست و جوی وی درباره حقیقت تشکر کنم و از خداوند می خواهم که شما را برای شناخت حقیقت و یاری آن و ثابت بودن بر آن موفق بدارد.

اصل موضوع دعوت سید احمد الحسن این است که وی از جانب امام مهدی (علیه السلام) فرستاده شده است تا این امت را از پراکندگی و تفرقه به اتحاد برساند و به سوی یاری امام مهدی (علیه السلام) سوق دهد.

و اما داستان سید احمد بسیار طولانی است و در سایت با عنوان «داستان ملاقات من با امام مهدی (علیه السلام)» موجود می باشد و پاسخ به این سؤال شما بسیار طولانی می باشد. خواهش می کنم به انتشارات امام مهدی (علیه السلام) در سایت مذکور مراجعه نمایید؛ از جمله «بلاغ المبين جلد ۱»، «پاسخ کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر موارد که کفایت می کنند.

از مهم ترین ارکان دعوت سید احمد الحسن، اجرا و تطبیق حاکمیت خداوند سبحان و متعال و رد حاکمیت مردم (تفکر دموکراسی غربی) می باشد. سید احمد درباره این موضوع در کتاب خود به نام «حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم» به بحث و بررسی پرداخته است. می توانید از طریق این سایت به آن دسترسی داشته باشید. از خداوند توفیق راهنمایی و هدایت بر هر خیری را برایتان مسئلت می نمایم.... والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقیلی_انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۳۳: چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟!؟

بسم الله الرحمن الرحيم

چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! چیزی که همهٔ علما به طور کلی و جزئی آن را رد کرده‌اند و می‌گویند هیچ سفیری بعد از وفات سفیر چهارم وجود ندارد! در این خصوص چه می‌گویید؟

عبدالله ساعدی - ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ. ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

همهٔ علما چنین چیزی را رد نکرده‌اند بلکه علمایی هستند که بیعت و از حقیقت پیروی نمودند؛ از جملهٔ این علما سید حسن حمّامی فرزند فقیه و مرجع دینی سید محمد علی حمّامی رحمته الله می‌باشد. بعضی از علما نیز مردّد هستند. حتی اگر همهٔ علما حق را نپذیرند، نپذیرفتن‌شان دلیل بر باطل بودن حق نیست؛ آیا نپذیرفتن دعوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله از جانب علمای یهود، مسیحی و.... در آغاز دعوت ایشان دلیل بر باطل بودن دعوت اسلامی محمدی بود؟!؟

احمدالحسن - جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ. ق

پرسش ۳۴: ادعای قیسی و نامهٔ تکذیبیهٔ نامهٔ وصایت

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، والسلام من اتبع الهدى و عرف اليقين، اما بعد....

ای مدعی رسالت و وصایت! بدان، هر امری دو وجه دارد: وجه معلوم و وجه مجهول؛ که این قاعده همهٔ امور این دنیای فانی را شامل می‌شود. ولی سخن تو

دربارهٔ جانشینی و سفارت، دروغ محض است و با روایاتی که از زبان معصومین (علیهم السلام) وارد شده، منافات دارد. اما دربارهٔ این سخن تو که نمایندهٔ امام هستی: برای آن حضرت (علیه السلام) شایسته تر است خودش ظهور کند نه به واسطهٔ احمد الحسن که قصدش از نوشتن کتاب هایش جمع آوری درهم و دینار و تخریب شئونات حوزه می باشد!

ای مدعی متوهم! برتر از آنچه ادعا می کنی، اصلاح نمودن است، اما به نام خودت و نه به نام امامت، که این به تقوی و راست گویی نزدیک تر است ولی تو حتی گِل را از خشت تشخیص نمی دهی! حتی وضعیت را بدتر کردی و خودت را پنجمین سفیر قرار دادی و باعث شدی مورد تمسخر دیگران قرار گیری.

جایگاه امام (علیه السلام) والاتر و برتر از آن است که کسی مثل تو که نمی تواند حق را از باطل تشخیص دهد نمایندهٔ وی باشد. سفارت جزء بحث بین طلبه های حوزه نیست؛ کسانی که از فهم و ادراک حق بهره ای ندارند مگر احکام مُتعه و خمس و نفاس و به هم بافتن آیات قرآن و حفظ کردن برخی روایات منسوب به ائمه (علیهم السلام). اگر در ادعایت صادق هستی که هرگز چنین نیست، من تو را به مناقشه از طریق اینترنت دعوت می کنم تا کوتاهی فکر تو آشکار شود؛ کوتاهی از شناخت و معرفت امام (علیه السلام) و اینکه چرا ایشان غایب و از نظر مردم پنهان شدند تا چون تویی فرستادهٔ انتخاب شدهٔ او و همچنین وصی مؤید به جبرئیل و میکائیل همانند محمد ابن عبدالله (صلی الله علیه و آله) باشی تا مردم ساده دل را با این اسم ها بترسانی.

تو را به مناظره می طلبم تا حقیقت جبرئیل و تمثیل رسول اعظم را بدانی؛ فرشته و فرستاده ای که امروز به خاطر مقام مسخره اش تو را تأیید می کند و بال هایش را روی کتف های تو می گذارد! سپاس خداوندی را که نابینا را با

بصیرت هدایت کرد و اراده فرمود و تقدیر کرد و حمد و سپاس بسیار خداوند را
برای همه نعمت‌هایش!

اما بدبخت‌هایی که از تو پیروی می‌کنند، به واقع، شیطان بصیرت را از آنها
گرفته و آنها را کور کرده است. پس از خداوند برای ایشان طلب هدایت می‌کنم.
اگر ذره‌ای عقل در وجودشان بود از تو پیروی نمی‌کردند تا طریقت امام را با
پیروی از قصاب دزد دروغ‌گویی که به اسم امام عمل می‌کند، سلاخی کنند!

بدان ای فلانی، تو اولین کسی نیستی که ادعا می‌کنی و آخرین هم نخواهی
بود. این طور نیست که هر کس شام زیادی بخورد و بخوابد و در خوابش یک
رؤیا ببیند، باید از او پیروی نمود. نصیحت می‌کنم شب‌ها دیگر شام نخوری تا با
شکم خالی و راحت بخوابی، و دیگر این چرندیات را نبافی و از خداوند به خاطر
عقل‌هایی که فاسد کردی طلب مغفرت نمایی.

خداوند! من بسیار نصیحت کردم و آنان را به راه صواب دعوت کردم.
خدایا، خودت گواه باش!

بنده فقیر خداوند - علی القیسی - فرستاده انسانیت معذب - وصی بیچارگان

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم، السلام علی من اتبع الهدی.... اما بعد....

من به خدا سوگند به خاطر چیزهایی که صبح امروز در حق شما نوشتم،
متأسفم. به طور کلی از خداوند طلب مغفرت می‌کنم؛ چرا که من از حدّ یک
مریض روانی و دیوانه پا را فراتر گذاشتم! از خداوند می‌خواهم که به شما عافیت
دهد و شما را شفا بخشد و راه تیمارستان را به خانواده‌ات نشان دهد تا تو از این

بیماریت رها شوی. گاهی کسانی را می‌یابی که به حرف‌هایت گوش و تو را باور می‌کنند؛ از خداوند برای همهٔ مریض‌ها طلب شفا می‌کنم!!

دعا کننده برای عافیت.... علی قیسی.... هموطن نیکوکار

این خارج از موضوع است ولی هدیه‌ای از طرف من می‌باشد:
موضوع موسی و دریا آن گونه که تو تصوّر می‌کنی نیست؛ بلکه عبارت از یک جزر و مدّ می‌باشد و این یک رخداد طبیعی است که اتفاق می‌افتد و از همین رو بود که فرعون، موسی را تعقیب نمود! ولی اگر آن طور بود که تو تصوّر می‌کنی هرگز به آن دریا وارد نمی‌شد؛ مگر دیوانه‌ای مثل تو و سپاهیان! علی قیسی - بغداد

«ای مدعی نبوت و وصایت، بین سطور را بخوان: alaaalkaese@yahoo.com»

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

منتظر جواب سید احمد الحسن -یمانی موعود- باش. به خطبهٔ وی در آدرس زیر گوش بده:

http://home.ripway.com/2005-3/268344/kh_s/kh_s01.htm

ما به خاطر این سخنان از تو تشکر می‌کنیم؛ چرا که تو یکی از دلایلی که حقانیت دعوت سید احمد الحسن و کسانی که پیروی‌اش می‌کنند را ثابت می‌کند اثبات نمودی؛ این دلیل، یکی از دلایلی است که ما علیه تکذیب‌کنندگان استفاده می‌کنیم و آن:

متهم نمودن سید احمد الحسن به دیوانگی و بیماری است؛ تهمتی که تقریباً

هیچ نبی‌یی از انبیا و هیچ وصی‌ای از اوصیا از آن برکنار نبوده است. آیا اهل مکه هنگام ورود حضرت محمد ﷺ به مکه از وی استقبال کردند یا بر او بانگ فریاد برآوردند؟ و با کلمات عامیانه او را «... مخبل» یعنی مجنون و دیوانه خواندند، و به طرف وی سنگ پرتاب کردند و دنده‌های حضرت زهرا (علیها السلام) را شکستند. قرآن ده‌ها آیه ذکر کرده که مردم انبیا را با کلماتی مانند دیوانه، ساحر و نظایر آن و یارانشان را نیز اراذل و فرومایه توصیف نمودند؛ که هرگز چنین نبوده‌اند! ^(۱)

آیا هیچ شنیده‌اید که به ابولهب، فرعون، معاویه یا صدام مجرم، لقب دیوانه بدهند؟ آنها همگی مورد احترام و تکریم بودند! لعنت خدا بر همه آنها باد! در مقایسه با آن زمان، ما در بدترین زمان به سر می‌بریم. پیروزی حتماً اتفاق خواهد افتاد. لعنت خدا به دجال یک چشم که از سیستان خروج می‌کند. ^(۲) طبق روایات اهل بیت (علیهم السلام) که در تعدادی از منابع بزرگ حدیث بیان نموده‌اند. لعنت خدا بر دجال بزرگ، لعنت بر سفیانی.

این بود جواب ما انصار؛ انصار خدا، انبیا، فرستادگان، امام حسین (علیه السلام) و مهدی (علیه السلام). بعد از این، منتظر پاسخ سید احمد الحسن باش. هر چند ما می‌خواستیم که تو قسم برائت یاد کنی و بگویی: «أُبرأ من حول الله وقوته إلى حولی وقوتی،

۱- برای شناخت کیفیت اعتراض‌های معترضین به حجّت‌های خداوند سبحان به کتاب «اعتراض کنندگان به جانشینان خداوند» (معترضین علی خلفاء الله) از انتشارات انصار مهدی (علیه السلام) مراجعه نمایید.

۲- سیستان: استانی از استان‌های شرقی ایران است. شیخ عباس قمی در الکنی و الالقباب می‌گوید: سجستان معرب سیستان، ناحیه بزرگ وسیعی واقع در جنوب هرات است که زمینش رمله‌زار (شن‌زار) و رستم نیرومند منسوب به آنجا می‌باشد. الکنی و الالقباب: ج ۱ ص ۴۵.

إِنْ كَانَ السَّيِّدُ أَحْمَدُ الْحَسَنِ رَسُولٌ وَ وَصِيُّ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ «(از حول و قوه الهی خودم را خارج می کنم و به حول و قوه خودم پناه می برم اگر که سید احمد الحسن فرستاده و وصی امام مهدی باشد)؛ ولی تو را نصیحت می کنیم که این کلمات را ادا نکنی مگر بعد از پاسخ سید احمد الحسن؛ شاید که به دست او هدایت شوی!

برادر! ایشان دیوانه است؛ و در عین حال با صدها تفسیر!

سلام بر یمانی، سلام بر یمانی.

انصار امام مهدی - ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
 خداوند متعال می فرماید: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾^(۱) (پس به موسی وحی کردیم که: عصایت را بر دریا بزن. دریا بشکافت و هر پاره، چون کوهی عظیم گشت). در این آیه: ﴿فَانْفَلَقَ، كُلُّ فِرْقٍ.... كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾: فانفلق (شکافت)، کل فرق (هر پاره) کالطود العظیم (مانند کوهی بزرگ). بعضی از جاهلان به حقیقت، تمام اینها را به جزر و مد تأویل می کنند. در جزر، آب فقط به یک طرف حرکت می کند و نمی شکافت تا دو پاره شود و هر قسمت ارتفاعی به اندازه کوهی عظیم از زمین پیدا کند!

به کسانی که از حقیقت بی خبرند می گویم که این آیه و نشانه درباره یوشع بن

نون (عليه السلام) وصی موسی (عليه السلام) و سپاهیان‌ش نیز اتفاق افتاده است؛ رود می‌شکافد و آنها به ساحل می‌رسند. چنین حادثه‌ای برای ایلیا (عليه السلام) (الیاس) و وصی وی یسع (عليه السلام) نیز اتفاق افتاده و داستان‌ش در تورات آمده است که رودخانه برای وی می‌شکافد. آیا پدیده جزر و مد به رودخانه‌ها انتقال یافته است؟!

اما در مورد سایر سخنان قیسی.... پاسخشان در کتاب خدا وجود دارد: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ عَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَصَبِّرْ وَبَصِرْ * بَأْيُكُمُ الْمَقْتُولُ﴾^(۱) (نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند * که تو، به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی * و تو را پاداشی پایان‌ناپذیر است * و تو بر خلقی عظیم هستی * زودا که تو بینی و آنها نیز ببینند * که دیوانگی در کدام یک از شما است).

و پاسخ وی از کتاب خداوند: ﴿اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ * مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ * لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ * قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ﴾^(۲) (روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی گردانند * از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه‌ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند * دل‌های‌شان به لُهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش

۱- قلم: ۱ تا ۶.

۲- انبیاء: ۱ تا ۵.

یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شما می‌باشد؟ آیا با آنکه به چشم خود می‌بینید، همچنان از پی جادو می‌روید؟ * گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و دانا است * گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که به هم می‌بافد یا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد).

و پاسخ او در این سخن خداوند متعال: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^(۱) (محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است، و خداوند به هر چیزی دانا است)، ﴿... يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا * وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا * وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾^(۲) (ای پیامبر، ما تو را فرستادیم تا شاهد و مژده‌دهنده و بیم‌دهنده باشی * و مردم را به فرمان خدا به سوی او بخوانی و چراغی تابناک باشی * و مؤمنان را بشارت ده که از سوی خدا برایشان فضیلتی بزرگ آمده است * از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن، که کارسازی را خدا بسنده است).

احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶

۱- احزاب: ۴۰.

۲- احزاب: ۴۵ تا ۴۸.

پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدی دربارهٔ دو اسم مخفی در سورة فاتحه

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين. سيد احمد الحسنی ... السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.
من مؤلف تحقیقی دربارهٔ امام زمان (علیه السلام) هستم با عنوان «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی (علیه السلام)». می‌توانید این کتاب را در سایت زیر ببینید....

<http://www.geocities.com/almahdion2022>

یکی از برادران، ادعای شما را به من اطلاع داد و آدرس سایت شما را به من داد تا بتوانم بیشتر از نظریات و ایده‌های شما آگاهی یابم. از این سختم معذرت می‌خواهم ولی من چنین می‌پندارم که سخن شما به هیچ دردی نمی‌خورد و این ادعایی است که بسیاری از مردم در طول تاریخ بارها آن را ادعا کرده‌اند و برای من ثابت نشده است که امام زمان (علیه السلام) فرستاده‌ای از جانب خود برای مردم خواهد فرستاد. من چیزهایی فهمیده‌ام که آنها را در کتابم ذکر نکرده‌ام. اگر آنچه را که می‌گویید واقعیت داشته باشد باید به آن احاطه کامل داشته باشید؛ چرا که شما ادعا می‌کنید عالم‌ترین مردم به کتاب خداوند سبحان و متعال می‌باشید. سؤال من این است.... دو اسم که در سورة فاتحه پنهان‌اند و از آن قابل استخراج می‌باشند و آن دو اسم به شکلی نامألوف نوشته شده، یکی از آنها از راست به چپ و دیگری از چپ به راست نوشته شده است؛ این دو اسم کدام‌اند و چطور آنها استخراج می‌شوند؟ اگر من جوابی از شما دریافت کنم ان شاء الله با شما بیعت خواهم کرد اما اگر پاسخی قانع‌کننده از شما دریافت نکردم، دلیلی بر باطل بودن ادعای شما خواهد بود.

و الحمد لله رب العالمین الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله و صلّ

الله علی سیدنا محمد و علی آله الطیین الطاهرین.

ماجد المهدی - ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین، وصلّ الله علی محمد و آل محمد الأئمة والمهدیین.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ * وَمَا تُوخَّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ﴾^(۱) (در اینجا برای کسانی که از عذاب آخرت بیمناک اند عبرتی است. در آن روز که مردم گرد آورده شوند و آن روز که مردم را در آن حاضر آورند * و جز تا اندک مدتی به تأخیرش نمی اندازیم).

۱- اگر تو اندک اطلاعی (و نه اطلاعاتی وسیع) از کتاب های «متشابهات، تفسیر سورة فاتحه و روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان و فتنه گوساله» که در سایت وجود دارد، داشتی که به نظر تو به هیچ دردی نمی خورد، می فهمیدی که در آنجا بیان نمودم که تمامی اسامی خداوند سبحان و متعال و همچنین اسم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و ائمه (علیهم السلام) و مهدیین (علیهم السلام) در سورة فاتحه وجود دارد.

۲- اگر کلام من به هیچ دردی نمی خورد، جایی برای عذرخواهی وجود ندارد؛ ولی اگر بر عکس باشد، هیچ عذرخواهی جایز نخواهد بود مگر استغفار و طلب توبه از خداوند واحد قهار.

۳- اگر برایت ثابت نشده است که امام مهدی (علیه السلام) فرستاده‌ای را برای مردم خواهد فرستاد، آیا محمد دارای نفس زکیه، فرستاده نیست؟! و مولایی که امرش را برعهده می‌گیرد، آیا فرستاده نیست؟ آیا یمانی فرستاده نیست؟ آیا خروج‌کننده از مشرق، فرستاده نیست؟ روایت‌هایی که از آل محمد (علیهم السلام) وارد شده است را بخوان و روایت‌هایی را که شیخ ناظم عقلی (که خداوند حفظش کند) در کتاب خود «پاسخ کوبنده» به آنها استدلال کرده را نیز بخوان؛ این کتاب عبارت است از مناظره‌ای بین شیخ ناظم عقلی و سید علی سیستانی و دفتر و مرکز تحقیقات عقایدی وابسته به او. شاید خداوند قلبت را نورانی و به حق هدایت کند. این هم گوهری از دریای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که در آن مرا ذکر فرموده است:

از اصبح بن نباته روایت شده است که گفت: خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمدم، دیدم ایشان چوبی در دست گرفته بود و به زمین می‌زند. به ایشان عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! چه شده است که شما را می‌بینم متفکرانه سرچوب را به زمین می‌زنید؟ آیا به این زمین علاقه‌ای دارید؟ حضرت فرمود: «خیر، به خدا قسم که هیچ وقت رغبتی به زمین و دنیا نداشته‌ام، لکن در مورد مولودی فکر می‌کنم که از نسل فرزند یازدهم از فرزندانم می‌باشد، او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و جور پر شده است. حیرت و غیبتی برای او پیش می‌آید که در آن بعضی از اقوام گمراه و بعضی دیگر هدایت می‌شوند». عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! حیرت و غیبت چه مدتی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «شش روز یا شش ماه یا شش سال». عرض کردم: آیا واقعاً این امر صورت می‌گیرد؟ فرمود: «آری، گویی او خلق شده است، ولی ای اصبح تو را با این امر چه کار است؟ آنها نیکان این امتند همراه با نیکان این عترت». عرض

کردم: بعد از آن چه می شود؟ فرمود: «پس از آن، هر چه خدا خواهد می شود زیرا برای خدا بداءها و اراده‌ها و غایات و پایان‌ها است (هر طور که خدای تعالی بخواهد عمل می کند)».^(۱)

یازدهمین فرزند امیرالمؤمنین (علیه السلام)، امام مهدی (علیه السلام) است و کسی که از نسل او است، مهدی اول از مهدیین دوازده گانه که وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می باشد.

در دعای امام رضا (علیه السلام) برای امام مهدی (علیه السلام) آمده است: «.... خدایا! به وی و خانواده اش و پسرش و فرزندش و امتش و همگی پیروانش چیزی را عطا فرما که با آن شادمان شود....».^(۲) این فرزندی که امام رضا (علیه السلام) در دعایش ذکر فرموده همان مهدی اول، وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می باشد. پس خدا را حمد و سپاس می گویم که مرا نزد خودش و پدرانم، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) یاد کرد و آنها (علیهم السلام) مرا فراموش نکردند.

به علاوه تو خود در کتابت فرستاده شدن فرستاده‌ای از جانب امام مهدی (علیه السلام) را واجب دانسته‌ای؛ در فصل سوم کتابت گفته‌ای:

«امیدوارم خواننده این کتاب مانند کسانی نباشد که به موسی (علیه السلام) گفتند: خداوند را آشکارا به ما نشان بده. اکنون اگر

۱- غیبت طوسی: ص ۱۶۴ تا ۱۶۶ ح ۱۲۷ و ص ۳۳۶ ح ۲۸۲؛ دلایل الائمه طبری (شیعه): ص ۵۲۹ و ۵۳۰ ح ۵۰۴؛ اختصاص شیخ مفید: ص ۲۰۹؛ هدایت الکبری حسین بن حمدان خصیعی: ص ۳۶۲ با کمی اختلاف.

۲- غیبت طوسی: ص ۲۷۹؛ جمال الاسبوع: ص ۳۰۶؛ مصباح کفعمی: ص ۵۴۷؛ مفاتیح الجنان: ص ۶۱۸.

فرض کنیم خداوند سبحان و متعال بخواهد به مردم بگوید که ظهور امام مهدی (علیه السلام) نزدیک (ان شاء الله) و بر آنها واجب است که او را یاری نمایند و پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله را بالا ببرند، چگونه برای مردم واضح و به ایشان تبلیغ خواهد شد؟ بنابراین، خداوند متعال باید یکی از بندگان خود را انتخاب فرماید تا در وقت مناسب آنچه اراده می‌فرماید را به دست او اجرا کند، تا این امر ضروری در وقتش اعلام و حجت بالغه بر بندگان اقامه گردد».

آیا آنچه در کتابت نوشته‌ای را فراموش کردی یا خود را به فراموشی می‌زنی؟!

۴- چطور چنین تصور می‌کنی که اگر من به چیزهایی که تو از محاسبات خودت (با برعکس کردن کلمات) به دست می‌آوری و تصور می‌کنی که درست است، وارد نشوم، ادعاهای من باطل است. ای سعد، شترها را اینچنین آب نمی‌دهند!^(۱)

۵- اگر به روش خودت در حساب اعداد پایبند هستی و به درست و حق بودنش یقین داری، به همان روش خودت و به روشی که حساب اعداد برای تو ثابت شده است و می‌خواهی آن را به مردم ثابت کنی، با من حساب کن: من هو احمد = هو رسول المهدی؛ همان‌طور که در فصل سوم کتابت حساب کردی: من هو محمد = هو نبی الله. المهدی با جمع بزرگ با عدد ۹۰ حساب و با

جمع کوچک به ۹ تبدیل می گردد؛ همان گونه که در کتابت «محمد» را اینچنین حساب کردی.

$$\text{م} + \text{ن} + \text{ه} + \text{و} + \text{ا} + \text{ح} + \text{م} + \text{د} = ۴ + ۵ + ۵ + ۶ + ۱ + ۸ + ۴ + ۴ = ۳۷$$

$$\text{ه} + \text{و} + \text{ر} + \text{س} + \text{و} + \text{ل} + (\text{ا ل م ه دی}) = ۵ + ۶ + ۲ + ۶ + ۶ + ۳ + (۹) = ۳۷$$

همچنین حساب کن: «ما هو کتاب الله» را برابر می یابی با «هو رسول المهدی» همان طور که در کتابت حساب کردی: ما هو کتاب الله، هو القرآن الکریم.

$$\text{م} + \text{ا} + \text{ه} + \text{و} + \text{ک} + \text{ت} + \text{ا} + \text{ب} + \text{ا} + \text{ل} + \text{ل} + \text{ه} = ۴ + ۱ + ۵ + ۶ + ۲ + ۳ + ۳ + ۵ = ۳۷$$

$$\text{ه} + \text{و} + \text{ر} + \text{س} + \text{و} + \text{ل} + (\text{ا ل م ه دی}) = ۵ + ۶ + ۲ + ۶ + ۶ + ۳ + (۹) = ۳۷ =$$

$$\text{ه} + \text{و} + \text{ا} + \text{ل} + \text{ق} + \text{ر} + \text{ا} + \text{ن} + \text{ا} + \text{ل} + \text{ک} + \text{ر} + \text{ی} + \text{م} = ۵ + ۶ + ۱ + ۳ + ۱ + ۲ + ۲ + ۳ + ۱ + ۴ = ۳۷$$

پس برای تو آشکار شد که احمد، فرستاده مهدی است و همچنین کتاب خدا و قرآن ناطق است، با همان روشی که تو آن را در کتابت «شروع جنگ آمریکا علیه امام مهدی» دلیلی برای درست بودن علم حروف قرار دادی. از خداوند بترس و به سخن امیرمؤمنان علی (ع) در حق خاندان محمد (ع) پایبند باش که فرمود: «ولا تعلموهم فانهم اعلم منکم»^(۱) (به آنان آموزش ندهید که از شما

۱- امیر مؤمنان (ع) در یکی از خطبه هایش فرمود: «.... و قطعاً دانستید و مستحفظان از اصحاب رسول

عالم‌ترند).

به این ترتیب، با همان روشی که خودت در کتابت اقرار نمودی، حجت بر تو تمام شد؛ پس روی برگرداندن و پاسخ نگفتن شما مورد قبول نخواهد بود.

حال از اسرار عدد ۳۷ برایت چیزهایی روشن می‌کنم.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَصَيِّمُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾^(۱) (سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد، تا ده روز کامل شود و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد).

ده، همان آسمان‌های هفت‌گانه (عرش عظیم) + کرسی + عرش اعظم + سرادق عرش اعظم است و این سه مورد یعنی خانه خدا، شهر کمالات الهی در مخلوقات و شهر علم حضرت محمد ﷺ پس هر کس از خاندان محمد ﷺ باشد، ده‌گانه ایمان او در حج یعنی در خانه خدا یعنی در مدینه علم یعنی در خانه نبوت و معدن رسالت می‌باشد؛ برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب متشابهات جلد ۳، سؤال درباره راز عدد چهل و سؤال درباره عرش و کرسی، مراجعه نما.

۱- عدد ۳۷ از دو عدد ۳ و ۷ تشکیل شده است که جمع‌شان ۱۰ می‌شود که همان مراتب ده‌گانه توحید است. پس هر کس آن را انجام دهد و به حج خانه

خدا ﷻ را شناختید. من و اهل بیت از گناهان مبرا هستیم. ایشان ﷺ فرمود: از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و با آنها مخالفت نکنید که در جهل می‌مانید و از ایشان عقب نمانید که هلاک می‌گردید. به آنها نیاموزید که ایشان از شما عالم‌ترند و کوچک‌هایشان از شما حکیم‌تر....». مصباح البلاغه، مستدرک نهج البلاغه: ج ۱ ص ۱۴۲.

خدا برود و شهر علم را زیارت کند و عقلش کامل گردد و جزو سیصد و سیزده نفر شود، از ما اهل بیت به شمار می‌رود. این مضمون از پدرانم (علیهم السلام) روایت شده است: «ایمان ده درجه دارد»^(۱) و سلمان همه این ده درجه را به پایان رسانید، درود خدا بر سلمان باد. پس سلمان از ما اهل بیت است».^(۲) ما اهل بیتیم و درجات ده گانه در حج و در خانه خدا.

۲- عدد ۳۷ از ۱۰ + ۲۷ تشکیل شده است؛ ۱۰ همان ده گانه حج و ۲۷ علمی است که انتشارش بین مردم اجازه داده شده است، همان طور که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) آمده است. پس هر کس ده گانه حج (درجات ده گانه ایمان) را تمام کند می‌تواند حامل ۲۷ حرف توحید که امام مهدی (علیه السلام) منتشر می‌سازد، باشد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^(۳) (و ما بر آن هستیم که بر کسانی که روی زمین به استضعاف کشیده شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان

۱- از عبد العزیز قراطیسی نقل شده است که گفت: ابو عبدالله (علیه السلام) به من فرمود: «ای عبد العزیز، ایمان ده درجه دارد که مانند نردبان است که پله پله باید از آن بالا رفت. فردی که دو پله بالا رفته نباید به کسی که در پله اول است بگوید که تو بهره‌ای نداری، تا اینکه به دهمین پله برسد. کسی که پایین تر از خودت است را ساقط نکن تا بالاتر از تو، تو را ساقط نکند و اگر کسی را در درجه‌ای پایین تر از خودت دیدی، او را با محبت بالا بکش و بر او بیش از توانش تحمیل مکن که می‌شکند و اگر کسی مؤمنی را بشکند، شکسته‌بندی‌اش بر او واجب می‌گردد». کافی: ج ۲ ص ۴۵.

۲- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است». عیون اخبار رضا (علیه السلام): ج ۱ ص ۷۰.
از ابو عبدالله (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «ایمان ده درجه دارد؛ مقدار در درجه هفتم، ابوذر در درجه نهم و سلمان در درجه دهم بود». بحار الانوار: ج ۲۲ ص ۳۴۱.

۳- قصص: ۵.

گردانیم).

کسانی که خداوند اراده می‌فرماید تا ائمه قرار دهد، خاندان محمد ﷺ ائمه و مهدیین ﷺ و نیز سیصد و سیزده یار امام مهدی ﷺ می‌باشند و این سرّ و راز آغاز سورۀ قصص یعنی «طسم» است؛ اگر عدد این حروف مقطعه را با جمع بزرگ حساب کنی:

$$\text{ط} + \text{س} + \text{م} = ۹ + ۶۰ + ۴۰ = ۱۰۹$$

پس نتیجه $۹ + ۱۰۰$ می‌باشد و اگر آن را به جمع کوچک تبدیل کنی $۹ + ۱$ نتیجه ۱۰ می‌شود و این همان ده گانه حج مربوط به ائمه (سیصد و سیزده) است که در آیه ذکر شده است و همان ده گانه توحید می‌باشد. هر کس به حج خانه خدا برود، به آن آراسته و عقلش کامل می‌گردد و یقین پیدا می‌کند و همه چیز برایش ثابت می‌گردد و خداوند سبحان (هو) را به یگانگی می‌پرستد. اگر حروف «هو» را جمع کنی، می‌بینی:

$$\text{ه} + \text{و} = ۵ + ۶ = ۱۱$$

که $۱ + ۱۰$ می‌باشد. حال ده گانه را شناختی که همان ده گانه حج و ایمان است و عدد یک همان خداوند سبحان و متعال می‌باشد؛ پس هر کس به این ده گانه آراسته باشد به وحدانیت خداوند یقین پیدا می‌کند.

برای تو به اختصار بیان کردم که در این عدد (۳۷) ده گانه حج و توحید و نیز ۲۷ حرف از علم توحید وجود دارد. پس هر کس به حج برود و به این ده گانه آراسته گردد، امکان تحمل و شناخت ۲۷ حرف را وقتی بین مردم منتشر می‌شود، دارا می‌باشد، و این، سرّی است که هیچ کس تحملش را ندارد مگر پیامبر فرستاده شده یا فرشته مقرب یا مؤمنی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد؛

در نتیجه، بنده به یقین می‌رسد و به وحدانیت خداوند سبحان و متعال (هو) یقین پیدا می‌کند.

برای اینکه بیشتر بدانی، اگر «طسم» را با جمع کوچک حساب کنی:

$$\text{ط} + \text{س} + \text{م} = ۹ + ۶ + ۴ = ۱۹$$

و تعداد حروف «بسمله» ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ۱۹ و بسمله، آیه توحید می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِّرَتْ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَكُلُوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾^(۱) (و بر دل‌هاشان پرده افکنیم تا آن را در نیابند و گوش‌هاشان سنگین کنیم، و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی، بازمی‌گردند و می‌روند)؛ یعنی بگو: بسم الله الرحمن الرحيم، همان‌طور که از ائمه (علیهم‌السلام) روایت شده است.^(۲) پس دانستی که «طسم» اشاره به اهل توحید دارد که آنها ۳۱۳ نفرند و از همین رو، عدد حروف آیه توحید (بسم الله الرحمن الرحيم) با عدد آیه موحدین (طسم) برابر و مساوی است؛ و همچنین با عدد مشرکین اهل آتش؛ از همین رو خداوند

۱- اسراء: ۴۶.

۲- از هارون از ابو عبدالله (علیه السلام) روایت شده است که به من فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم را کتمان کنید که به خدا سوگند اسماء بسیاری در آن مخفی است: هر وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به منزلش وارد می‌شد و قریش دورش جمع می‌شدند، بسم الله الرحمن رحيم را آشکار و با صدای بلند می‌گفت. قریش پشت کرده، فرار می‌کردند. پس خداوند عزوجل در این خصوص نازل فرمود: ﴿وَإِذَا ذُكِّرَتْ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَكُلُوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾ (و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی، بازمی‌گردند و می‌روند)». کافی: ج ۸ ص ۲۶۶.

تعدادشان را با عدد آیه موحدین برابر قرار داده است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿عَلَيْهَا تَسْعَطُ عَشْرَ * وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ﴾^(۱) (نوزده فرشته بر آن گماشته‌اند * موکلان دوزخ را جز از ملائکه قرار ندادیم و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید و اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند و تا آنان که در دل‌هاشان مرضی است و کافران نگویند: خدا از این مثل چه می‌خواسته است؟ خدا اینچنین هر کس را که بخواهد گمراه و هر کس را که بخواهد راه می‌نماید و شمار سپاهیان پروردگارت را جز او نداند و این سخن جز اندرزی از برای مردمان نیست)، و موحدین، همان اصحاب یمین در سوره مدثر هستند که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند و آنها یاران یمانی، وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می‌باشند.

خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ﴾^(۲) (هر کس در گرو عملی است که کرده است * مگر اصحاب یمین).

برای اینکه بیشتر بدانی و به یقینت افزوده گردد - اگر در جست‌وجوی حقیقت هستی و از کسانی باشی که کتاب به آنها داده شده است یا کسانی که به

۱- مدثر: ۳۰ و ۳۱.

۲- مدثر: ۳۸ و ۳۹.

کتاب ایمان دارند- بیانیهٔ اخیر یمانی را مطالعه کن. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا﴾ (و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید).

با من حساب کن: کلمه «وصی»، «الیمانی»، «من هو الیمانی»، «هو وصی»، «هو وصی المهدی»، «اصحاب الیمین».

ولی قبل از اینکه حساب را شروع کنیم سری به چیزهایی که خودت در کتابت به نگارش درآوردی می‌زنیم؛ «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی (علیه السلام)» در فصل دوم کتابت گفته‌ای: قرن ششم - پیش‌گویی سی و سوم:

«در آخر دستش را به سمت آلوس خونی دراز می‌کند، از حمایت خود در دریا عاجز خواهد ماند و از سپاه بین‌النهرین خواهد ترسید و شخصی سیاه و خشمگین او را از کرده‌اش پشیمان خواهد کرد»

سپس در ادامه کتابت گفته‌ای:

این از عجیب‌ترین پیش‌گویی‌های نوستراداموس می‌باشد که در آن به وضوح و نه به طور ضمنی امام مهدی (علیه السلام) را نام برده است. مترجمان در معنی نام وارد شده در این پیش‌گویی‌ها در حیرت مانده‌اند و بیشترشان آن را همان‌طور که وارد شده است یعنی «الوس» ذکر کرده‌اند. برخی از مترجمان از جمله در ترجمهٔ انگلیسی، اقدام به حذف آن نمودند اما در اصل فرانسوی، این اسم موجود است و مترجم کلمه «ALUS» را به آلوس ترجمه کرده

یعنی یک «ال» معرفهٔ زبان عربی به آن اضافه کرده است، در حالی که معنایش را نمی‌داند و آن را به تاریخ واگذارده است، یعنی تا زمانی که آن واقعه رخ دهد و معما حل شود؛ ولی من هدف و قصد نوستراداموس را از این کلمه کشف کرده‌ام. در اینجا نوستراداموس طبق عادت خود از جناس تصحیفی (یعنی انتخاب کلمهٔ غلط مشابه با کلمهٔ اصلی) یا ترخیم (یعنی حذف حرفی از کلمه) استفاده کرده است. او هنگامی کلمه‌ای مربوط به اسامی یا القاب می‌باشد اقدام به حذف حرف «ا» از انتهای آن کلمه می‌نمود؛ حال اگر ما این حرف را به انتهای کلمه اضافه کنیم کلمهٔ ALUSI (الوصی) را خواهیم داشت و معنی بسیار واضح و آشکار خواهد شد چرا که ما می‌دانیم لقب اوصیا به ائمهٔ دوازده گانه از اهل بیت (علیهم‌السلام) اطلاق می‌گردد و امام مهدی (علیه‌السلام) نیز یکی از اوصیا می‌باشد و در نتیجه می‌تواند کلمهٔ «الوصی» بر وی اطلاق گردد. در اینجا نوشتهٔ نوستراداموس با عقاید شیعه موافق و سازگار است.

به علاوه نوستراداموس در اینجا شخص معینی را توصیف می‌کند که فرماندهٔ نظامی یا رئیس کشوری است که سعی می‌کند امام مهدی (علیه‌السلام) را به قتل برساند و نیروهای وی را از بین ببرد؛ ولی از سپاه (ارتش امام مهدی (علیه‌السلام)) که در بین النهرین (عراق) موجود هستند می‌ترسد؛ و یا مردی از سپاه امام مهدی (علیه‌السلام) که مردی سیاه توصیف شده یعنی او شیعه است؛ چرا که لباس سیاه اشاره به شیعه بودن دارد. یا شاید یک مرد عرب مسلمان آفریقایی (سیاه‌پوست)

باشد، او و نیروهایش را در حالی که در دریا هستند از بین می‌برد
(چه بسا در یکی از ناوگان‌های جنگی یا در یکی از هواپیما برها).

قبل از اینکه حساب را شروع کنم، شرحی به سخنان پیشین تو می‌دهم؛ وصی یاد شده در پیشگویی نوستراداموس امام مهدی (علیه السلام) نیست بلکه وصی امام مهدی (علیه السلام) و اولین مهدی از مهدیین دوازده گانه از اوصیای امام مهدی است. او فرستاده امام مهدی (علیه السلام) و جانشین او است که امرش را برعهده دارد، همان گونه که در روایات آمده است. او یمانی آل محمد، همان وعده داده شده‌ای است که به حق دعوت می‌کند و همان طور که در روایات ائمه (علیهم السلام) وارد شده است، روی گردان از او از اهل آتش می‌باشد.

در وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است: از ابو عبدالله (علیه السلام) از پدرانش (علیهم السلام) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در شبی که وفاتش بود به علی (علیه السلام) فرمود: یا اباالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی، نخستین دوازده امامی و حدیث را ادامه می‌دهد تا اینکه می‌فرماید: حسن (علیه السلام) خلافت را به پسرش م ح م د که حافظ دین آل محمد (صلی الله علیه و آله) است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفات مهدی (علیه السلام) رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهدیین) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبدالله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مؤمنان

است»^(۱)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان حسین (علیه السلام) خواهند بود»^(۲)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم یازده مهدی از فرزندان حسین (علیه السلام) خواهند بود»^(۳)

در این روایت قائم همان مهدی اول است نه امام مهدی (علیه السلام) چون بعد از امام مهدی (علیه السلام) دوازده مهدی خواهند بود.

امام باقر (علیه السلام) در وصف مهدی اول فرموده است: «... دارای قرمزی صورت، چشم‌های گود، ابروهای برجسته، فراخ و پهنی میان دو شانه، در سرش شوره و در صورتش اثری است، رحمت خدا بر موسی باد»^(۴)

و از امیر مؤمنان (علیه السلام) در خبری طولانی روایت شده است: «.... فرمود: آگاه باش که اولین آنها از بصره و آخرینشان از ابدال است....»^(۵)

و از امام صادق (علیه السلام) در خبری طولانی که اصحاب قائم (علیه السلام) را نام برده است، روایت شده است: «.... و از بصره.... احمد....»^(۶)

و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «دو اسم دارد -یعنی قائم -

۱- غیبت طوسی: ص ۱۵۰؛ غایة المرام: ج ۲ ص ۲۴۱؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷.

۲- غیبت طوسی: ص ۳۸۵؛ برهان: ج ۳ ص ۳۱۰؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸.

۳- مختصر بصائر الدرجات: ص ۳۸؛ غیبت طوسی: ص ۴۷۸؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۵.

۴- غیبت نعمانی: ص ۲۲۳؛ بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۴۰؛ معجم احادیث امام مهدی (علیه السلام): ج ۳ ص ۲۳۷.

۵- بشارت الاسلام: ص ۱۴۸؛ مجمع النورین: ص ۳۳۱؛ الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۷۴.

۶- بشارت الاسلام: ص ۱۸۱.

اسمی مخفی و اسمی آشکار؛ اما اسمی که پنهان می ماند احمد و اسمی که آشکار می شود محمد است»^(۱) و احمد، اسم مهدی اول و محمد اسم امام مهدی (علیه السلام) است، همان طور که از وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آشکار شده است.

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: « خداوند متعال گنجی در طالقان دارد که نه از طلا است و نه از نقره؛ دوازه هزار نفر در خراسان که شعارشان «احمد احمد» است و رهبری آنها را جوانی از بنی هاشم که سوار بر قاطری خاکستری است و پیشانی بند قرمز رنگ دارد، بر عهده دارد. گویی به او می نگرم که فرات را می گذرد و اگر شنیدید، به سوی او بشتابید حتی اگر سینه خیز بر یخ و برف باشد»^(۲).

احمد، اسم مهدی اول و وصی امام مهدی (علیه السلام) و اولین ایمان آورنده به امام مهدی (علیه السلام) در آغاز ظهورش است و او فرستاده امام مهدی (علیه السلام) به سوی همه مردم می باشد. در دعای روز سوم شعبان (روز ولادت امام حسین (علیه السلام)) که از امام مهدی (علیه السلام) نقل شده، آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ.... الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَتَرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ. حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَيَثَارُوا الثَّارَ وَيَرْضُوا الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ...»^(۳) (بارخدا یا! از

۱- کمال الدین: ص ۶۵۳؛ جامع الاحادیث شیعه: ج ۱۴ ص ۵۶۸؛ معجم احادیث امام مهدی (علیه السلام) ج ۳ ص ۴۱.

۲- منتخب الانوار المضيئه: ص ۳۴۳.

۳- مصباح المجتهد: ص ۸۲۶؛ مصباح کفعمی: ص ۵۴۳؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۳۵؛ مفاتیح

تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز.... در عوض شهادتش، امامان و پیشوایان دین از نسل پاک او هستند و شفای هر مرض در تربت او و هر که را محبت او است در رجعتش پس از قائم آل محمد (علیه السلام) و طول غیبت رستگار خواهد بود تا آنکه به خون‌خواهی او برخیزند و خدا را خوشنود سازند و بهترین یاران دین خدا باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که آمد و شد روز و شب در جهان برقرار است. بارالها! به حق آنها به درگاه تو توسّل می‌جویم....).

اگر در این دعا تدبّر کنی به یقین می‌رسی که منظور از اوصیا، اوصیا و جانشینان امام مهدی (علیه السلام) می‌باشند و از بین ایشان، پدرشان، اولین مهدیین (علیهم السلام) می‌باشد که در روایت ذکر شده است. کسی که پیش‌گویی نوستراداموس یهودی گفته است که وی حجّت قطعی بر تمام یهود و مسیحیان و جهان غرب خواهد بود؛ همان کسانی که به این پیش‌گویی ایمان دارند چرا که درستی آن را در بسیاری از رخدادها دیده‌اند و از آنجا که بر زبان یک یهودی فرانسوی از خودشان جاری شده است.

حال بعد از اینکه برای روشن شدن که وصی ذکر شده در پیشگویی همان وصی مهدی (علیه السلام) می‌باشد به حساب بر می‌گردیم:

اول: الیمانی هو الوصی.

کلمه «وصی»:

۱- و ص ی = ۶ + ۹۰ + ۱۰ = ۱۰۶ با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک:

۶ + ۱۰۰ بعد از حساب کردن با جمع کوچک: ۶ + ۱ = ۷.

۲- و ص ی = ۶ + ۹ + ۱ = ۱۶ با جمع کوچک.

کلمه «ایمانی»:

۱- ا ل ی م ا ن ی = ۱ + ۳۰ + ۱۰ + ۴۰ + ۱ + ۵۰ + ۱۰ = ۱۴۲

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: ۲ + ۴۰ + ۱۰۰

و بعد از حساب کردن با جمع کوچک: ۲ + ۴ + ۱ = ۷.

۲- ا ل ی م ا ن ی = ۱ + ۳ + ۱ + ۴ + ۱ + ۵ + ۱ = ۱۶ با جمع

کوچک.

و از حساب‌های گذشته روشن شد که:

وصی = ایمانی = ۷، بعد از حساب کردن با جمع بزرگ و تبدیل‌شان به جمع

کوچک.

وصی = ایمانی = ۱۶، بعد از حساب کردن آن دو با جمع کوچک.

دوم: هنگام سؤال کردن از شخصیت یمانی می‌گوییم «من هو الیمانی» (یمانی

کیست) و اگر یمانی، وصی امام مهدی علیه السلام (یعنی مهدی اول که در وصیت

رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده است) باشد، جواب «هو وصی المهدی» (او وصی

مهدی است) یا «هو وصی» (او وصی است) می‌باشد. عدد المهدی به صورت زیر

است:

ا ل م ه د ی = ۱ + ۳۰ + ۴۰ + ۵ + ۴ + ۱۰ = ۹۰

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: ۹ = ۹۰

حالا محاسبه کن:

من هو الیمانی: م ن ه و + (ا ل ی م ا ن ی) = ۴ + ۵ + ۵ + ۶ + (۷) =

۲۷.

هو وصی المهدی: هـ و + (وصی) + (ال م هـ د ی) = ۵ + ۶ + (۷) + (۹)

۲۷ =

هو وصی = هـ و + (وصی) = ۵ + ۶ + (۱۶) = ۲۷.

پس روشن شد که از نظر عدد: من هو الیمانی = هو وصی المهدی = هو

وصی.

با جمع کوچک، عدد «هو الیمانی» را حساب کن خواهی دید برابر با ۲۷

حرفی که قائم (علیه السلام) بین مردم منتشر خواهد ساخت، می‌شود.

از ابو عبدالله (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد

و همه آن چیزی که انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو

حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف

دیگر علم را نیز خارج و آن را بین مردم منتشر می‌کند و این دو حرف را نیز به

آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود».^(۱)

هـ و ا ل ی م ا ن ی = ۵ + ۶ + ۱ + ۳ + ۱ + ۴ + ۱ + ۵ + ۱ = ۲۷

سپس عدد «اصحاب الیمین» را در این آیه، حساب کن: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

كَسَبَتْ رَهِيْنَةً ۖ اِلَّا اَصْحَابَ الْيَمِيْنِ﴾^(۲) (هر نفسی در گرو عملی است که انجام

داده است * مگر اصحاب یمین). «الیمین» با جمع بزرگ محاسبه و بعد به جمع

کوچک تبدیل و نتیجه حاصل می‌شود:

۱- مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۲- مدثر: ۳۸ و ۳۹.

ا ص ح ا ب + (ا ل ی م ی ن) = ۱ + ۹ + ۸ + ۱ + ۲ + (۱ + ۴ + ۱) = ۲۷.

و دانستی که عدد ۲۷ بیانگر بیست و هفت حرف از علم (شناخت خدا و توحید او سبحان) است که امام مهدی (علیه السلام) در بین مردم منتشر می کند. از محاسبات گذشته متوجه شدی که یمانی، وصی مهدی (علیه السلام)، و اولین مهدی، ظرف بیست و هفت حرف از علم می باشد؛ او ظرفی است که این فیض ها را از امام مهدی (علیه السلام) دریافت می کند و به یارانش می بخشد؛ پس یمانی نسبت به امام مهدی (علیه السلام) نون و نقطه نون می باشد.

خداوند متعال می فرماید: ﴿ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسَبِّحْهُ وَبِصُرُونَ * بَايَكُمُ الْمَفْتُونُ * إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴾^(۱) (نون. سوگند به قلم و آنچه می نویسند * که تو، به فضل پروردگار، دیوانه نیستی * و تو را پاداشی پایان ناپذیر است * و تو بر خلقی عظیم هستی * زودا که تو بینی و آنها نیز ببینند * که دیوانگی در کدام یک از شما است * هر آینه پروردگار تو بهتر می داند چه کسی از طریق او گمراه گشته است، که او به ره یافتگان داناتر است) و یمانی نسبت به سیصد و سیزده تن از یاران امام مهدی (علیه السلام) حرف باء و نقطه حرف باء در بسم الله الرحمن الرحیم است. پس او دارای دو مقام رسالت و ولایت می باشد. بنابراین او در این زمان شخصیت محمد ﷺ و علی (علیه السلام) را تمثیل می کند. او شهر علم است، او درب شهر است؛

پس به کجا می‌روید؟ ﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ * فَأَیْنِ تَذْهَبُونَ * إِنَّ هُوَ إِلَّا ذَکْرٌ لِلْعَالَمِینَ * لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ یَسْتَقِیمَ * وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ﴾^(۱) (و آن سخن، سخن شیطان رجیم نیست * پس به کجا می‌روید؟ * این کتاب چیزی نیست جز پندی برای جهانیان * برای هر کس از شما که بخواهد به راه راست افتد * و شما نمی‌خواهید مگر آنچه را که پروردگار جهانیان خواسته باشد).

از محاسبات گذشته متوجه شدی که اصحاب الیمین که همان اصحاب یمانی هستند، ظرف بیست و هفت حرف علم می‌باشند. آنها ظرف‌هایی هستند که علم را از یمانی، وصی و فرستادهٔ امام مهدی (علیه السلام) به سوی همهٔ مردم، دریافت می‌کنند و سپس به همهٔ مردم می‌رسانند و ایشان، سیصد و سیزده تن می‌باشند. ای برادر، اضافه می‌نمایم که:

دلایل دعوت، بسیار است و دلایلی که انبیا و فرستادگان (علیهم السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) آورده بودند من هم آورده‌ام. یکی از برادران انصار امام مهدی (علیه السلام) به نام استاد ضیاء الزیدی، ده‌ها دلیل را در کتاب خود «نور المبین» به نگارش درآورده است؛ این کتاب چاپ شده است و می‌توانید آن را مطالعه نمایید، و همچنین کتاب «بلاغ المبین جلد ۱» نوشتهٔ شیخ ناظم عقیلی که خدا حفظش کند. از جمله دلایل این دعوت:

۱- روایات رسول خدا محمد (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) که به اسم و شهر و ویژگی‌ها تصریح دارند.

۲- علم به محکمت و متشابهات و راه‌های آسمان که از ویژگی‌ها و اسرار ائمه (علیهم السلام) می‌باشد.

۳- مباحله، قسم برائت، دعوت به سوی حق و.... و.... و....

۴- مکاشفه در عالم بیداری و در رؤیاهای صادقه که تعداد بسیار زیادی از مردم به وسیله حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام)، زهرا (علیها السلام) و ائمه (علیهم السلام) دیده‌اند که ایشان بر حقانیت این دعوت تأکید کرده‌اند و صحت رؤیاهای آنها (علیهم السلام) ثابت شده و از طریق قرآن و روایات ائمه (علیهم السلام) ثابت شده است که حق می‌باشند.

به اضافه آنچه از پیش‌گویی‌های نوستراداموس که تو خود اقرار نمودی و خودت را به آنها ملزم نمودی؛ آنجا که در فصل دوم کتابت چنین متنی آورده‌ای:

«قرن سوم، پیش‌گویی نود و چهارم: تا مدت پانصد سال دیگر او را درخواهید یافت. پس او زینت زمان خودش خواهد بود. پس به ناگاه وحی بزرگ فرستاده خواهد شد که مردم آن قرن را مسرور و خوشحال خواهد نمود».

آن وحی بزرگ چیست؟ جز رویاهایی که تعداد زیادی از مردم آنها را می‌بینید و حق و صاحبش را بیان خواهند کرد؟

ای برادر با تأمل و اندیشه بخوان، و همواره طلب حق را نصب العین خود بگردان (فقط در جست‌وجوی حق باش) و با دقت به بحث و بررسی پرداز و با خودت به انصاف رفتار کن و خود را از عذاب جهنم نجات بده. از خداوند برای تو هدایت طلب می‌کنم و اینکه حقیقت را آن‌گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن‌گونه که هست به تو نشان دهد و

دوری از آن را روزی ات گرداند.

والحمد لله وحده.

احمد الحسن - جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۶: چگونه می‌توانم باور کنم و حال آنکه مدعیان، بسیارند.

سلام علیکم. من یک عراقی هستم و در مهجر در آلمان و به طور مشخص در مونیخ زندگی می‌کنم. مطالبی را درباره شما خوانده‌ام ولی چطور باور کنم و حال آنکه افراد بسیاری دیده‌ایم که ادعا می‌کنند فرستاده امام مهدی علیه السلام می‌باشند در حالی که دروغ‌گویی بیش نیستند؛ متأسفم منظورم شما نیستید.

ولی من چطور شما را تصدیق کنم و چطور به یقین برسم و شما گفته‌اید که دانش را از امام مهدی علیه السلام آموخته‌ای. سؤال من این است که آیا می‌توانید با من ملاقاتی داشته باشید؟ و قسم می‌خورم که من ترسانم چرا که من آخرت را می‌خواهم نه دنیا را. پس تو را به خدا قسم می‌دهم که امام مهدی علیه السلام را به من نزدیک نمایی. و سلام بر تو!

طارق الانصاری _ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

برادر! وجود داشتن باطل، دلیل بر باطل بودن حق نیست؛ وجود مسیلمه کذاب (که لعنت خدا بر او باد) دلیل بر باطل بودن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست. غسل کن، سه روز، روزه بگیر و این دعا را بخوان.... (دعا در پاسخ سؤال ۱۴ وجود دارد). از خداوند برای تو طلب هدایت به راه راست می‌کنم و اینکه حق را

آن گونه که هست، به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزی ات گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزی ات گرداند.

احمد الحسن _ جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۷: چرا قرآن بر حسب نزول آیات جمع نشده است.

بسمه تعالی....

اگر قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع شده، چرا بر حسب نزول آیات جمع نشده است؟ چرا آفرینش زمین چهار روز و آفرینش آسمان فقط دو روز به طول انجامیده است.

یوسف علی - ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

در رابطه با جمع آوری قرآنی که اکنون بین مردم هست، همه می دانند که پس از زمان رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله جمع شده، اما آنچه در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع شده است نزد امام علیه السلام می باشد.

اما در خصوص پرسش دوم، پاسخ در متشابهات جلد چهارم موجود می باشد و به زودی منتشر خواهد شد؛^(۱) ان شاء الله.

احمد الحسن _ جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۸: چرا پلیس محکوم می شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشت شان

۱- این کتاب هم اکنون منتشر شده و در سایت موجود است. (مترجم)

است.

من به تمام نواری که ضبط شده بود گوش دادم؛ ولی در این نوار پلیس محکوم شده بود و اینکه آنها مزدوران آمریکایی هستند. این درست نیست؛ چرا که آنها به دنبال معیشت خود هستند و برخی از آنها کسانی را دارند که سرپرستی‌شان می‌کنند و از کجا مخارج زندگی خود را تأمین کنند؟ امیدوارم در کوتاه‌ترین زمان به سؤال من پاسخ دهید. من از پیروان شما و طلبه حوزه هستم و به خاطر فتنه‌های زیاد گوشه‌نشینی را برگزیده‌ام و ۲۳ سال دارم.

احمد - ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

۱- کسی که دوشادوش آمریکای کافر سلاح برمی‌دارد و به ضریح مطهر علی بن ابی طالب (علیه السلام) حمله و به کشتن جوانان در حرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) افتخار می‌کند و در ماهواره‌ها ظاهر می‌شود در حالی که از دهانشان خون جوانانی که به حرم مطهر علی (علیه السلام) پناه برده بودند؛ امثال جزایری‌های جنایتکار رئیس پلیس نجف، آیا مزدور و سربازان سپاه شیطان، یعنی آمریکا نیست؟

۲- پلیس نجف صدها نفر از شهروندان را در حالی که در راهپیمایی آرام و بدون اسلحه بودند، به قتل رسانید. اینان که از سرِ حقد و کینه‌هایی که دارند عنان از کف داده و صدها بدبخت و بیچاره را آغشته به خون کرده‌اند، آیا مزدوران و سربازان سپاه شیطان، یعنی آمریکا نیستند؟

۳- در حال حاضر بعضی از این پلیس‌ها و سپاهیان.... سر عقل آمده و به این

دعوت حق ایمان آورده‌اند و در میان اینها افرادی با درجه بالا نیز وجود دارد. من از همه آنها خواستم که به ظالم کمک نکنند حتی به اندازه شکافتن خرمایی و اینکه انصاف را در بین مظلومان رعایت کنند حتی اگر علیه خودشان باشد، و در همه حال آماده مبارزه با آمریکای کافر و پیروان جنایتکارش باشند.

احمد الحسن_جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۹: حکم تراشیدن موی گونه‌ها در آرایشگاه‌ها چیست؟

سلام بر قائم آل محمد (که سلام و صلوات خداوند بر او و پدران پاکش و فرزندان برگزیده‌اش باد). سلام بر مضطری که اگر دعا کند، اجابت می‌شود. سلام بر خواهان انتقام انبیا و فرزندان انبیا. سلام بر خون‌خواه خونِ مقتول کربلا. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و بر کاته....

سلام بر فرستاده امام و وصی اش. سلام بر مظلومی که همانند جدش محمد (صلی الله علیه و آله) در بین امتش می‌باشد. سلام بر کسی که حقش مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) در امتش غصب شده است. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و بر کاته....

برادران ایمانی، سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و تَحیاته، و اما بعد....
مولای من، حکم تراشیدن موی گونه‌ها که نزد آرایش‌گرها مرسوم است، چیست؟

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته. خداوند شما را یاری دهد و با یاری شما دین و شریعتش را یاری نماید!

خادم انصار امام (ابو علی) - ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

از ته تراشیدن ریش حرام، ولی تراشیدن موی گونه‌ها جایز است.

احمدالحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۰: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی (علیه السلام) در زمان قائم چیست؟

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

از اینکه به سؤال قبلی ام پاسخ دادید، بسیار متشکرم.... پرسش‌های دیگری نیز دارم. بسیار ممنون می‌شوم که اگر به اینها نیز پاسخ دهید.

۱- رودی که یاران قائم (علیه السلام) با آن آزموده می‌شوند چیست؟ آیا یک رود

مادی معلوم است یا چیز رمزگونه دیگری که با رودخانه به آن اشاره می‌شود؟

۲- مقصود از آنچه در این حدیث از معصوم (علیه السلام) وارد شده است، چیست؟

«و در آن شبیه خورشید پرستان و ماه پرستان داخل می‌شوند».

۳- از علامت‌های ظهور این است که دو بیانیه برای برائت از علی (علیه السلام) در

کوفه و بصره خوانده می‌شود. آیا این خوانده شدن، علنی است و با موافقت اهل

بصره و کوفه انجام می‌شود یا چیزی دیگری می‌باشد؟

از شما بسیار سپاس گزار و ممنونم.

فهمی صالح - ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

جواب سؤال ۱: اصحاب قائم (علیه السلام) با چیز دیگری مورد آزمایش قرار می گیرند که یک رودخانه مادی نیست.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «یاران طالوت با رودی مورد آزمایش قرار گرفتند که خداوند در موردش می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ﴾»^(۱) (خداوند شما را به جوی آبی می آزماید) و اصحاب قائم (علیه السلام) نیز به چیزی مانند این رود مورد آزمایش قرار می گیرند».^(۲)

او، همان دروازه آل محمد (علیه السلام) همان طور که در روایت از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است، می باشد: «رکن یمانی دروازه ماست که از آن وارد بهشت می شوند و در آن رودی از بهشت وجود دارد که اعمال بندگان در آن انداخته می شود»^(۳) و امام مهدی (علیه السلام) چهار رکن دارد: خضر (علیه السلام)، ایلیا (علیه السلام) (الیاس)، عیسی (علیه السلام) و یمانی. یمانی، همان سنگی است که در رکن یمانی در کعبه وجود دارد و به حجرالاسود معروف است (همان طور که از ائمه (علیه السلام) روایت شده که او ملکی است که کتاب عهد و میثاق را بلعیده است)^(۴) و یمانی، کتاب عهد و پیمانی

۱- بقره: ۲۴۹.

۲- غیبت نعمانی: ص ۳۱۶.

۳- جامع السعادت: ج ۳ ص ۳۱۴.

۴- از بکیر بن اعین روایت شده است که می گوید: از حضرت اباعبدالله (علیه السلام) پرسیدم: برای چه خداوند حجر را در رکنی که فعلاً در آن است قرار داد نه در ارکان دیگر؟ و برای چه بوسیده می شود؟ و برای چه از بهشت خارج شد؟ و برای چه میثاق و عهد بندگان در آن قرار داده شده است نه در جای دیگر؟ فدایت شوم از علت این موارد مرا با خبر کنید که سرگردان و متحیر می باشم؟ بکیر می گوید: امام (علیه السلام) فرمودند: «از مسأله بسیار مشکل و سختی پرسیدی و پی گیری نمودی. پس بدان و دلت را فارغ بدار و گوش فراده تا ان شاء الله تو را باخبر سازم. خداوند تبارک و

تعالی حجر الأسود را که گوهری بود از بهشت بیرون آورد و نزد حضرت آدم علیه السلام قرار داد و در آن رکن قرار داده شد زیرا میثاق و پیمان خلاق در آن بود. به این صورت که: زمانی که ذریه بنی آدم را از صلب آن‌ها خارج نمود، خداوند در همین مکان از آن‌ها عهد و پیمان را اخذ نمود و در این مکان ایشان را رؤیت کرد و نیز از همین مکان پرنده بر حضرت قائم علیه السلام فرود می‌آید و اولین نفری که با قائم بیعت می‌کند آن پرنده است که به خدا سوگند، همان جبرئیل علیه السلام می‌باشد. به همین مقام قائم علیه السلام تکیه می‌دهد در حالی که او دلیل و حجّتی است برای قائم و شاهدی است برای کسی که عهدش را در آن مکان وفا می‌کند و شاهدی است بر کسی که در آن مکان عهد و میثاقی که خداوند عزّوجلّ از بندگان گرفته است را ادا می‌نماید. اما بوسیدن و لمس کردنش به جهت تجدید عهد و میثاق است؛ تجدید پیمانی به جهت بازگردانیدنش به او، پیمانی که خداوند در عالم ذرّ از آنها گرفته است. بنابراین در هر سال نزد حجر می‌آیند و آن عهد و پیمانی که از ایشان گرفته شده است را به او باز می‌گردانند؛ آیا توجّه نمی‌کنی که وقتی به حجر می‌رسی می‌گویی: امانتم را ادا کردم و میثاقم را تجدید نمودم تا برایم شهادت دهی که به عهدم وفا نمودم؟ به خدا سوگند غیر از شیعیان ما احدی آن عهد را ادا نمی‌کند و غیر از ایشان هیچ کس آن عهد و میثاق را نگه نداشته است. هرگاه شیعیان نزدش می‌آیند ایشان را می‌شناسد و تصدیقشان می‌کند و دیگران که به حضورش می‌رسند انکارشان کرده، تکذیبشان می‌نماید؛ به این جهت که غیر از شما شیعیان کسی آن امانت و عهد را حفظ و نگه‌داری نکرده است و به خدا سوگند که به نفع شما و علیه و به ضرر دیگران شهادت می‌دهد؛ یعنی شهادت می‌دهد که شما به عهد وفا کردید و غیر شما آن را نقض و انکار کردند و به آن کفر ورزیدند در حالی که شهادت حجر در روز قیامت حجّت بالغه خداوند بر آنان است. در روز قیامت حجر می‌آید در حالی که زبانی گویا و دو چشم دارد و این هیأت حجر همان صورت اوّلین او است که تمام خلائق او را با آن صورت می‌شناسند و انکارش نمی‌کنند. برای هر کسی که به آن وفا نماید و عهد و میثاقی که نزد او است را با حفظ کردنش و ادای امانت به جا آورد، شهادت می‌دهد و علیه هر کسی که آن را انکار نماید و عناد ورزد و با کفر و انکار، میثاق را فراموش نماید، شهادت می‌دهد. اما علّت این که خداوند آن را از بهشت خارج نمود، آیا می‌دانی اصل حجر الأسود چیست؟ بکیر می‌گوید: عرضه داشتم: خیر. حضرت علیه السلام فرمودند: حجر، ملکی عظیم‌الشّأن و از بزرگان ملائکه بود و وقتی خداوند از ملائکه میثاق را اخذ نمود آن ملک اولین نفری از ملائکه بود که به آن ایمان آورد و اقرار نمود. بنابراین خداوند او را بر جمیع مخلوقاتش امین قرار داد و میثاق خلاق را در او به رسم

امانت قرار داد و از تمام مخلوقات اقرار گرفت که در هر سال نزد او میثاق و عهده‌ی که خداوند عزوجل از آن‌ها گرفته است را تجدید نمایند. سپس خداوند او را همنشین آدم (علیه السلام) در بهشت قرار داد تا وی را متذکر میثاق مزبور نماید و نیز هر سال آدم (علیه السلام) نزد او به عهد و پیمان گرفته شده اقرار کند و آن را به این وسیله تجدید نماید. وقتی آدم (علیه السلام) عصیان نمود و از بهشت بیرون شد خداوند متعال آن عهد و پیمانی را که از او گرفته بود و همچنین برای فرزندانش بر محمد (صلی الله علیه و آله) و وصیش (علیه السلام) گرفته بود از یادش برد و او را سرگردان و حیران نمود. هنگامی که خداوند توبه‌ی آدم (علیه السلام) را پذیرفت، آن ملک را به صورت مروارید سفیدی از بهشت به سوی آدم (علیه السلام) پرتاب نمود در حالی که او در سرزمین هند بود. هنگامی که نگاه آدم (علیه السلام) به او افتاد، با او انس گرفت ولی بیش از اینکه گوهری گران‌قدر است، شناختی نسبت به آن نداشت. خداوند عزوجل آن سنگ را به نطق آورد و گفت: ای آدم آیا مرا می‌شناسی؟ گفت: خیر! سنگ گفت: البته که مرا می‌شناسی منتهی شیطان بر تو غالب شد و پروردگارت را از یادش برد. سپس به همان صورتی که در بهشت با آدم بود درآمد و به او گفت: کجا رفت آن عهد و میثاق؟ آدم به سوی او پرید و میثاق به یادش آمد و گریست و برای سنگ خضوع و خشوع نمود و آن را بوسید و اقرار به عهد و میثاق را نزد او تجدید کرد. سپس خداوند او را به گوهری سفید و شفاف و نورانی و درخشنده تبدیل فرمود. آدم (علیه السلام) با عزت و احترام آن را بر دوش خود گرفت و حمل نمود و هرگاه خسته می‌شد جبرئیل (علیه السلام) آن را از آدم می‌گرفت و با خود حمل می‌کرد و به همین منوال می‌رفتند تا به مکه رسیدند. آدم (علیه السلام) در مکه پیوسته با آن مأنوس بود و روز و شب میثاق و عهد را با اقرار برای او، تجدید می‌نمود. سپس خداوند عزوجل وقتی کعبه را بنا نمود، سنگ را در آن مکان قرار داد چرا که وقتی خداوند تبارک و تعالی از فرزندان آدم عهد و میثاق گرفت، در آن مکان اخذ نمود و در آن مکان آن ملک میثاق را در خود فرو برد؛ به همین علت خداوند حجر را در آن رکن قرار داد. سپس خداوند آدم را از جای بیت به طرف صفا و حوا را به جانب مروه راند و سنگ را در آن رکن قرار داد. وقتی آدم از صفا چشمش به حجر افتاد که در رکن نصب شده بود، الله اکبر و لا اله الا الله گفت و خدا را تمجید و تعظیم نمود به همین علت سنت است که در هنگام روبه‌رو شدن با رکنی که حجر در آن است، از صفا تکبیر بگویند. خداوند عهد و میثاق را در او به ودیعه نهاد نه در هیچ ملک دیگری؛ چرا که وقتی خداوند عزوجل بر ربوبیت خودش و بر پیامبری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و بر وصایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیمان گرفت، پشت ملائکه لرزید در

است که از بنی آدم و انبیا و فرستادگان گرفته شده است، و یمانی همان مهدی اوّل ذکر شده در وصیت رسول خدا ﷺ می‌باشد و یمانی همان رودی است که اصحاب قائم (علیه السلام) با آن آزموده می‌شوند، ولی این مرتبه هر کس که از آن بنوشد از من است و هر کس که از آن ننوشد، از من نخواهد بود؛ همان بیست و هفت حرف علم است که بین مردم منتشر می‌شود و پیشتر منتشر نشده و به آنها اجازه ورود به این علم داده نشده بود.

جواب سؤال ۲: افرادی که عقیده فاسد یا نیمه فاسد داشتند؛ قبل از اینکه به حق هدایت شوند.

جواب سؤال ۳: در اینجا منظور از علی، علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست؛ چرا که او در بین عموم مسلمان چه شیعه و چه سنی شخصیتی مقدس به شمار می‌آید و طبق آنچه شیعه و سنی از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند، دوست داشتن وی، ایمان و دشمنی با وی، کفر و نفاق محسوب می‌گردد.^(۱)

حالی که آن ملک اولین کسی بود که به اقرار شتاب نمود و در بین ایشان، دوست‌دارتر از او نسبت به محمد و آل محمد ﷺ وجود نداشت. از این رو خداوند او را از بین ایشان اختیار فرمود و میثاق را در او قرار داد. او روز قیامت می‌آید در حالی که زبانی گویا و چشم بینا دارد و برای هر کسی که در آن مکان عهد خود را وفا کند و میثاقش را حفظ نماید، شهادت خواهد داد». کافی: ج ۴ ص ۱۸۴؛ علل الشرایع: ج ۲ ص ۴۲۹ تا ۴۳۱، و برای کسب اطلاعات بیشتر به آنچه سید احمد الحسن (علیه السلام) در انتهای کتاب تفسیر سورة توحید صفحه ۱۴۲ به نگارش در آورده است، رجوع نمایید.

۱- قندوزی از علی بن حسین (علیه السلام) از پدرش (علیه السلام) از جدش امیر المومنین (علیه السلام) روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند اطاعت از من را بر شما واجب گردانیده و نافرمانی از من را نهی فرموده است و پس از من، اطاعت از علی را بر شما واجب و نافرمانی از وی را نهی نموده است. او، وصی و وارث من است. او از من است و من از اویم؛ دوستی با او، ایمان و دشمنی با وی، کفر محسوب می‌شود.

آن علی که مردم از او برائت خواهند جست شخصی است که بیانگر و تمثیلی از شخصیت علی ابن ابی طالب علیه السلام در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام می باشد؛ به ویژه هنگامی که علایم ظهور مهدی علیه السلام آشکار می شود.

احمدالحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۱: عمل با احتیاط به رساله های سه گانه

بسم الله الرحمن الرحيم

وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام، سید احمدالحسن، اخیراً اشکالی در تشریح شیعه به نظر می رسد به این صورت که آن گونه که در میان شیعیان معروف است، در زمان ظهور امام علیه السلام یا ظهور نایب خاص وی، همه احکام از ناحیه مقدسه صادر می گردد. این موضوع در تضاد با چیزی است که از شما صادر شده؛ عمل با احتیاط به رساله های شرعی سه گانه سید صدر اول، سید صدر دوم و سید خمینی! فایده عمل با احتیاط چیست؟ می دانیم که بیشتر رساله ها شامل احکام ظنی است؛ که اگر حکمش درست باشد پاداش ندارد و اگر حکمش درست نباشد گناه محسوب می گردد. اگر در سخن به بی راهه رفتم یا کلام نابه جایی گفتم، بسیار متاسف می باشم.

سید ضیاء - ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

دوست دار او، دوست دار من و دشمن او، دشمن من است. او مولای کسی است که من مولای اویم و من مولای تمام مردان و زنان مسلمان هستم و من و او، پدران این امت می باشیم». ینابیع المودة لذوی القربى: ج ۱ ص ۳۶۹.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
 شما در مورد هر حکم شرعی که سؤال داری پیرس من جواب را به شما
 می‌رسانم.

احمد الحسن - جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۲: آل فلان در صیحه جبرئیل (علیه السلام) چه کسانی هستند؟

بسم الله الرحمن الرحيم
 در روایت اهل عصمت و طهارت (علیهم السلام) آمده است که جبرئیل (علیه السلام) فریاد می‌زند
 حق با آل فلان است؛ آل فلان چه کسانی هستند؟
 علاء رزاق - ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
 به درستی که حق با آل امام مهدی (علیه السلام) است و ایشان باقی‌مانده آل محمد (علیهم السلام)
 و ایشان، مهدیین دوازده‌گانه می‌باشند.
 حق با یمانی و یارانش است؛ آنها یمانی‌های سیصد و سیزده‌گانه و هر
 کس که از آنها پیروی کند، می‌باشند. اما اهل باطل بسیارند؛ از جمله سفیانی و
 آل سفیانی.
 توجه داشته باشید که ابوسفیان از فرزندان امیه است و او، برادر هاشم، جدّ
 حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد؛ بنابراین هر دو آنها یعنی امیه و هاشم از فرزندان
 ابراهیم (علیه السلام) می‌باشند.

در آخر الزمان نیز چنین است؛ ابوسفیان، محمد و هردوی آنها.

احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۳: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی.

سلام علیکم.

امیدارم به سؤال من پاسخ دهید؛ چرا که شما نسبت به امور دینی عالم‌ترین هستی. یک مرد مسیحی (کاتولیک) به خواستگاری من آمد و از آنجا که انسان صادق و مؤمن به خدا و مخلص بود قبول کردم؛ ولی مایلم با شما مشورت کنم که ازدواج با وی جایز است؟ آیا ازدواج به او حلال است یا حرام؟ این سؤال را می‌پرسم چون من یک زن مسلمان هستم. خواهش می‌کنم به این سؤال من پاسخ دهید؛ حیران مانده‌ام (بعضی می‌گویند حلال است و بعضی می‌گویند حرام، و اکنون به شما پناه آورده‌ام). با تشکر.

هبة از اردن - مسلمان ۲۱ ساله - ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

اگر مسلمان هستی، جایز نیست با غیر مسلمان ازدواج کنی.

احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۴: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل

می‌دانید؟

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته

سؤالى دارم که مايلم برای سيد احمد الحسن مطرح کنم.
 از شما نقل شده است که شما مرجعيت علما را باطل می‌دانيد؛ پس شخص
 مکلف چطور می‌تواند احکام دینی را دریابد؟ اگر گفته شود گفتارشان را قبول
 کنید ولی کردارشان را نه، این نوعی تناقض است؛ چرا که چطور می‌توانم گفتار
 شخصی که از نظر اعتبار و عدالت محل تردید است را قبول کنم؟ آیا درست
 است از کسی که راه مستقیم را نمی‌شناسد، راه رفتن بیاموزم؟ امیدوارم به این
 سؤال پاسخ گوئید. با تشکر.

ابو صالح - ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
 شما در مورد هر حکم شرعی که سؤالى داريد پيرسيد، من جواب را به شما
 می‌رسانم.

احمد الحسن - جمادى الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۵: تهدید حمد آل ملحان

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم
 الأنبياء والمرسلين محمد بن عبد الله عليه أفضل الصلاة وأتم التسليم ... اما بعد:
 به کسی که ادعای رؤیت مهدی منتظر که علمش نزد خداوند سبحان و متعال
 است را دارد؛ در حالی که هیچ دلیل واضح و آشکاری وجود ندارد که ظهور او
 را اثبات نماید، به ویژه که ما اکنون در انقلاب عصر ارتباطات سیمی و بی سیمی
 و تکنولوژی صوتی و تصویری مدرن زندگی می‌کنیم و این امکان برای کسی که

ادعای ملاقات را می‌کند وجود دارد که به آسانی سخنان و یا تصویر ایشان را ضبط کند. از خداوندی که همه چیز را آفریده و هر مسأله دشواری را آسان نموده است می‌خواهم که تو را سر عقل بیاورد تا نفاق و گسترش فتنه و تفرقه بین مسلمانان و صدور فتواهای گمراه کننده انسان‌ها و جن‌ها را ترک گویی و ادعای اینکه شفیع آنها هنگام ظهور مهدی منتظر حقیقی خواهی بود را رها کنی. این هشدار بود برای تو و آخرین هشدار است؛ که اگر از این ادعایت مبنی بر ظاهر ساختن ایمان و باطل نمودن کفر دست برداری، به خداوند یکتا سوگند که من خودم با شمشیرم تو را خواهم کشت. ای منافق شیرین زبان که از سحر و جادو برای گمراه کردن مردم استفاده می‌کنی!

بدان که مکان سکونت تو به کمک دستگاه‌های مخصوص من شناسایی شده است؛ هر چند سعی کرده باشی که آن را مخفی نمایی! و خداوند هدایت کننده به راه مستقیم است.

عربستان سعودی_چنگ زنده به ریسمان الهی، حمد بن حسن بن زاید آل ملحان

۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

ادعا می‌کنی به ریسمان الهی چنگ زده‌ای در حالی که ریسمان الهی قرآن است و در قرآن آیه‌ای وجود دارد که اگر آن را خوانده بودی بسیار به آن می‌اندیشی و تأمل می‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الظَّالِمِينَ»^(۱) (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته و هنوز از تأویل آن بی‌خبر بودند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز (پیامبران را) چنین به دروغ نسبت دادند. پس بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است).

با کدام دلیل و با کدام برهان مرا متهم به دروغ و نفاق می‌کنی؟!
در قرآن آیه‌ای هست که اگر آن را خوانده بودی اینچنین خشمگین نمی‌شدی و قسم نمی‌خوردی و تهدید نمی‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید:
﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾^(۲)
(اگر پاره‌ای سخنان را به افترا بر ما ببندد * با قدرت او را فرومی‌گیریم * سپس شاهرگ قلبش را پاره می‌کنیم).

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «کسی جز صاحبش ادعای چنین امری را نمی‌کند مگر اینکه خداوند عمرش را کوتاه می‌کند».^(۳)

و در قرآن آیه‌ای هست که اگر آن را خوانده بودی مرا به سحر و جادو متهم نمی‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ﴾^(۴) (بدین سان بر آنهایی که پیش از این بودند فرستاده‌ای مبعوث نشد مگر آنکه گفتند: جادوگری است، یا دیوانه‌ای است).

حال به تو می‌گویم: کسی چون من، جز از خدا از کسی نمی‌ترسد و به کسی جز از سوی خدا و جز به خداوند سبحان و متعال، امید ندارد. الگوی من، جدم

۱- یونس: ۳۹.

۲- حاقه: ۴۴ تا ۴۶.

۳- کافی: ج ۱ ص ۳۷۳؛ امامت و تبصره: ص ۱۳۶؛ ثواب الاعمال: ص ۲۱۴.

۴- ذاریات: ۵۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آن هنگام که کفار خواستند او را بکشند و الگوی من، جدم حسین علیه السلام است زمانی که گردن مبارک وی را بریدند. در انتها، در را به روی تو نمی بندم بلکه تو را دعوت می کنم به اینکه به درگاه خداوند گریه و زاری کنی و شناخت حقانیت مرا از او سبحانه و متعال که عالم به اسرار و ناپیدا است، طلب نمایی. این گونه دعا کن: (دعای مخصوص رویا در پاسخ سؤال ۱۴ آمده است).

احمدالحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۶: اگر مرا شفا دهی، خدمت خواهم شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

سید احمدالحسن.... سلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سید گران قدرم، نمی دانم چطور شروع کنم ولی عادت کرده ام با شما صریح صحبت کنم.

داستان شما را برای یکی از دوستان عزیز و گرامی ام تعریف کردم و به وی گفتم معجزه هایی که پیامبران آورده اند، شما هم می توانی انجام دهی. دوست من سی سال سن دارد و از کودکی زمین گیر بوده است و از فلج اطفال رنج می برد. وی از فرهنگ و آگاهی دینی نسبتاً خوبی برخوردار است. او از وقتی که کودک شیرخواره بود، به دلیل تزریق اشتباه آمپول، فلج شد. مهم این است که وقتی ندای شما را شنید در وی نور امیدی از سوی خداوند متعال زنده شد و پدر و مادرش و بیشتر خانواده اش به وی گفتند اگر سید احمدالحسن بتواند تو را شفا دهد، خادم و مطیع وی خواهیم بود؛ زیرا در مورد وی کاری از دست پزشکان بر نمی آید و به وی گفتند که هیچ درمانی ندارد. طبیعتاً بر من نیز به عنوان یک

فرد باسواد متوسط دینی وظیفه‌ای نهاده شده است و من علاقه‌مند به کثرت (و زیاد شدن مؤمنین) هستم بنابراین همگی ما به او گفتیم اگر سید احمد الحسن تو را شفا دهد ما نیز همراه تو به وی ایمان خواهیم آورد و از انصار انتخاب شده امام معصوم خواهیم شد. مولای من، جوانتان چیست؟ لطفاً ما را بهره‌مند گردانید.

خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید!

ابو مریم - حیدر/ بصره - ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

برادر ابو مریم، ایمان با جبر حاصل نمی‌شود؛ چرا که در این صورت علت آمدنمان به این عالم جسمانی که همان امتحان و آزمایش می‌باشد، منتفی می‌گردد. اگر همه پیامبران مریضان را شفا می‌دادند و مرده‌ها را زنده می‌کردند دیگر جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند تا مردم به درستی‌شان ایمان بیاورند و در این صورت، تایید و تصدیق مردم از روی جبر و قهری می‌شد. عیسی (علیه السلام) برخی از کسانی که به وی ایمان آورده بودند را شفا داد و زنده کرد تا نشانه‌ای باشد و به یقین مؤمنان بیفزاید؛ ولی برای کافران جز به کفر و تکذیب و آزار و اذیت او و کسانی که آن نشانه‌ها برایشان حاصل شده بود، نیفزود. تو از خودت پیرس و آن شخص (مریض) نیز از خودش پیرسد آیا می‌خواهد از حقیقت پیروی کند یا می‌خواهد شفا یابد؟! اگر می‌خواهد از حقیقت پیروی کند و آن‌طور که می‌گویی شخص مطلعی است، آخرین بیانیه صادر شده که بیانیه یمانی است، او

را کفایت می‌کند.^(۱) همچنین هزاران رؤیا که تعداد زیادی از مردم دیده‌اند برای وی کافی است، و نیز شفای مریضان انصار که یکی از آنها قبلاً به سرطان مبتلا شده بود و حال وی نیز از این بیمار ناامید‌کننده‌تر بود؛ این شخص اکنون زنده است و پرونده‌های پزشکی وی نیز موجود می‌باشد و او در حضور خداوند گواهی می‌دهد که به سبب ایمان به این دعوت حق، شفا یافته است.^(۲)

یکی از انصار هست که به فلج اطفال دچار می‌باشد و او اکنون زمین‌گیر است ولی از زمان رژیم صدام به این دعوت ایمان آورده و در راه این دعوت با مال و بدن بیماراش با اخلاص، تلاش و کوشش می‌کند و همچنین با هر چیزی که بتواند به این دعوت کمکی برساند و یقین کامل دارد ولی حتی یک‌بار هم از او نشنیده‌ام که در عوض پیروی‌اش از دعوت، تقاضای شفا نماید؛ در حالی که شما در این دنیا، حتی قبل از اینکه عملی انجام دهید و ایمان بیاورید، تقاضای پاداش می‌کنید!

احمد الحسن _ جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۷: بیست سؤال متنوع

بسم الله الرحمن الرحيم

-
- ۱- بیانیه صادر شده در تاریخ ۲۱ ربيع الثاني ۱۳۲۶ هـ ق که عبارت است از سؤالی برای بیان حدود شخصیت یمانی (علیه السلام) و می‌توانید آن را در کتاب متشابهاات جلد چهارم مطالعه نمایید.
 - ۲- به کتاب کرامات و غیبات از انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) مراجعه نماید که در آن فیوضات کرامات بسیاری که خداوند به انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد، منت نهاده است، به نگارش درآمده است.

جناب سید احمد الحسن.... سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

از اینکه شخص جناب عالی به سؤالی که پیشتر فرستاده بودم جواب دادید، از شما تشکر می‌کنم و ان شاء الله که به آن عمل خواهم نمود. اگر مانعی وجود نداشته باشد و باعث خستگی و ناراحتی شما نشود، مکاتبه با شما را ادامه خواهم داد. من از پیروان شما هستم.

سؤال‌هایی دارم که مایلم از حضرت عالی بپرسم و امیدوارم لطف بفرمایید و شخصاً به آنها پاسخ دهید؛ اگر چه سؤال‌های بیهوده‌ای هستند ولی به جهت طلب حق و حقیقت پرسیده می‌شوند و می‌دانم که شما به هر سؤالی از قرآن و تورات و انجیل، طبق اظهارت صریحی که از شما خوانده و شنیده‌ام، پاسخ می‌دهید.

سؤال ۱: آیا ممکن است جزئیات زندگیتان را قبل از اینکه به این مهم مکلف شوید، بیان فرمایید؟ اگر لطف بفرمایید و با تفصیل بیان نمایید، لطفاً لطفاً لطفاً.

سؤال ۲: چه زمان دروس حوزه را ترک کردید؟ آیا شما در حال حاضر معمم هستید یا خیر؟

سؤال ۳: در کدام حوزه علمیة درس خوانده‌اید؟ و استاد‌های شما در آن زمان چه کسانی بودند؟

سؤال ۴: در حال حاضر چند سال دارید؟ (به میلادی)

سؤال ۵: این دعوت در زمان صدام طغیان‌گر چه وضعیتی داشت؟ و چرا الآن آن را آشکار کردید؟

سؤال ۶: آیا درست است که خداوند بعد از رحلت امام مهدی علیه السلام به شما عمر خواهد داد و بعد از وی، حکومت را به دست خواهید گرفت؟

سؤال ۷: نظرتان درباره دایرة المعارف مهدویت که سید محمد صادق صدر

تألیف کرده اند، چیست؟

سؤال ۸: آیا اجدادی در زندگیتان از امام مهدی (عج) که از لحاظ سنی کوچک تر یا بزرگ تر از شما باشند، دارید؟

سؤال ۹: آیا آن گونه که انصار شما ادعا می کنند، امام مهدی (عج) جد پنجم شما است؟

سؤال ۱۰: آیا امام مهدی (عج) همچنان فرزندانی به دنیا می آورند (مذکر یا مؤنث) و تعداد آنها چند تا است؟

سؤال ۱۱: به نظر شما و به دلیل نزدیکی شما به امام، تاریخ تقریبی ظهور حجت (عج) چه وقت می باشد؟

سؤال ۱۲: آیا امام مهدی (عج) با بیش از یک زن ازدواج کرده یا فقط یک همسر داشته است؟ و اگر با بیش از یک زن ازدواج کرده آیا زنان وی می دانند که وی، امام است یا فکر می کنند وی فردی عادی است؟

سؤال ۱۳: آیا به اروپا، آفریقا یا آمریکا برای بیان حقیقت دعوت خود یا مسأله مهدی منتظر (عج) مسافرتی داشته اید؟

سؤال ۱۴: آیا از نسل امام مهدی (عج) (که خداوند عمر همه شان را طولانی فرماید) کسی هست که فاسق یا خارج از شریعت باشد؟

سؤال ۱۵: آیا امام مهدی (عج) در طول غیبت کبری در یک مکان اقامت داشته اند یا در چند مکان؟

سؤال ۱۶: تکلیف امام مهدی (عج) در این زمان که قتل و خونریزی می بیند، چیست؟

سؤال ۱۷: آیا درست است که شما غیب می دانید مانند این گفته شما به

انصارتان که به زندان خواهید افتاد و موارد دیگر؟

سؤال ۱۸: آیا دیدار شما با امام معصوم با خواست وی قابل انجام است؟ یا هر وقت و هر لحظه که شما بخواهید می‌توانید او را ببینید؟ مگر شما فرزند وی نیستید؟!

سؤال ۱۹: نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند متعال چیست؟

سؤال ۲۰: نصیحت شما برای من چیست؟ امیدوارم که در نصیحت بر من بخل نورزید! من و افرادی مانند من از کسانی هستیم که خداوند بر قلب‌شان حجاب افکنده است ولی رحمت خداوند متعال را خواستاریم.

سرور بزرگوار، هدف از طرح این سؤال‌ها آزمایش یا منکوب کردن شما نیست و خداوند بر آنچه می‌گویم گواه است؛ سؤال‌هایی است که هر بار که یاد شما و قضیه شما به میان می‌آید، بین ما جوان‌ها پرسیده می‌شود؛ فقط همین.

از شما برای سعه صدرتان و تحملتان در قبول کردن سؤال‌ها، سپاس گزارم.

خداوند شما را با یاری‌اش، یاری فرماید که از راست‌گویان می‌باشی. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

ابو مریم از بصره

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

جواب سؤال ۱: در سایت موجود است.

جواب سؤال ۲ و ۳: من و پناه می‌برم به خدا از منیت، در ابتدای ورودم به

حوزه با امام مهدی (علیه السلام) ملاقات کردم و شروع به علم‌آموزی از ایشان نمودم و

به سفسطه گری های یونانی که در حوزه وجود دارد، توجهی نمی کردم.

جواب سؤال ۴: تقریباً ۳۵ سال.

جواب سؤال ۵: این دعوت در زمان رژیم صدام به صورت آشکار وجود داشت و از مردم بیعت خواستم و بسیاری از مردم در استان های مختلف مثل بغداد، نجف، کربلا، ناصریه، بصره، عماره و برخی شهرستان ها با من بیعت کردند. صدام طغیان گر در آن موقع اقدام به دستگیری من نمود که خداوند مرا نجات داد و این مورد در جای خودش، معجزه است، اگر که بیندیشید. بسیاری از کسانی که در زمان صدام با من بیعت کردند، اکنون وجود دارند و از انصار می باشند و شما می توانید از ایشان سؤال کنی و جزئیات را از آنها بشنوی.

جواب سؤال ۶: خداوند هرچه بخواهد انجام می دهد؛ ولی من شب و روز منتظر مرگ و ملاقات با پروردگارم هستم.

جواب سؤال ۷: زمینه سازی پی برای ظهور امام (عج) می باشد.

جواب سؤال ۸، ۹ و ۱۰: خیر.

جواب سؤال ۱۱: تعیین وقت نمی کنم.

جواب سؤال ۱۲: آیا از این سؤال خجالت نمی کشی؟! زندگی خصوصی معصوم (عج) به تو و غیر تو چه ارتباطی دارد؟!

جواب سؤال ۱۳: خیر.

جواب سؤال ۱۴: آنها نیز مانند دیگران مکلف هستند و هیچ فرقی بین عرب و عجم و بین سفید و سیاه نیست جز در تقوی.

جواب سؤال ۱۵: در چند مکان اقامت می کند.

جواب سؤال ۱۶: من چه کسی هستم که بخواهم از تکلیف خلیفه بزرگ

خداوند صحبت کنم!

جواب سؤال ۱۷: از چیزهایی به فضل و منت خداوند مطلع می‌شوم ولی برای اثبات این دعوت از آنها حرفی نمی‌زنم.

جواب سؤال ۱۸: هر وقت او بخواهد: ﴿قَالَ فَإِنْ أَتَبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا﴾^(۱) (گفت: اگر از پی من می‌آیی، نباید که از من چیزی پرسی تا من خود، تو را از آن آگاه کنم).

جواب سؤال ۱۹: در قرآن ذکر شده است: ﴿قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا﴾^(۲) (آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟)، ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِقًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^(۳) (آن کس که در راه خدا مهاجرت کند، روی زمین بر خورداری‌های بسیار و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس که از خانه خویش بیرون آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد، مزدش بر عهده خداوند است، و خداوند آمرزنده و مهربان است). زمین خدا و راه خدا همان حجت بر خلق می‌باشد؛ پس امام، راه هجرت به خداوند است، حتی نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند می‌باشد.

جواب سؤال ۲۰: کتاب روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان جلد دوم را با تائی و دقت بخوان و تدبّر کن.

۱- کهف: ۷۰.

۲- نسا: ۹۷.

۳- نسا: ۱۰۰.

احمد الحسن_جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۸: چگونگی مشاهده امام مهدی (علیه السلام) و دعوت به مناظره

بسمه تعالی، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

از حضرت عالی تقاضا می‌کنم به دو سؤال زیر، پاسخ دهید؛ خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

سؤال ۱: از معجزه‌های شما برای اثبات اینکه فرستاده از جانب امام مهدی (علیه السلام) می‌باشید این است که فرد، امام (علیه السلام) را در خوابش می‌بیند و آن حضرت او را به پیروی از شما فرمان می‌دهد. من تلاش کردم ولی تا حالا موفق نشده‌ام؛ خواهشمندم چگونگی این کار را برای من بفرمایید. خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

سؤال ۲: کسانی ادعا می‌کنند که از همه عالم‌تر و از همه به خداوند نزدیک‌ترند؛ مانند جناب سید محمود حسنی که ادعا می‌کند ولیّ امر مسلمین و خواهان مناظره است. از آنجا که شما برای اثبات حجّت‌تان آمادگی خود برای مناظره را اعلام کرده‌اید، چرا با این شخص مناظره نمی‌کنید تا ادعای دروغ وی در اعلم بودن را فاش کنید؛ زیرا سید محمود حسنی ادعا کرده است یکی از دلایل اعلم بودن او این است که تا حالا کسی نتوانسته با او مناظره کند و او تاکنون در مناظره بی‌رقیب مانده است.

امیدوارم حضرت عالی به این دو سؤال پاسخ دهید؛ چرا که من بیش از حد معمول تحت تأثیر شما قرار گرفته‌ام ولی تاکنون پاسخی برای این دو سؤال پیدا نکرده‌ام.

خداوند در آنچه مورد رضایتش است شما را توفیق عطا فرماید!

مرتضی - ۵ جمادی الاولی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

دعا در سایت وجود دارد، آن را بخوان (این دعا در پاسخ سؤال ۱۴ موجود است).

من و پناه می‌برم به خدا از منیت، همه را برای اثبات حق به مناظره به وسیله قرآن کریم دعوت کرده‌ام و از جمله آنها سید محمود حسنی که به وسیله علم اصول فقه به مناظره دعوت می‌کند می‌باشد. شیخ ناظم عقیلی که از انصار است در کتاب «الافحام» پاسخ وی را داده است؛ این کتاب چاپ شده است و سید محمود حسنی یا هر کس دیگری مانند او، پاسخی به آن نداده است.

کتاب «الافحام» در واقع مناظره‌ای فرضی بین سید محمود حسنی و انصار امام مهدی (علیه السلام) است؛ این کتاب را مطالعه کن و در آن بیندیش تا صاحب حق را بشناسی. از خداوند می‌خواهم که تو را به راه راست هدایت فرماید و حق را آن‌گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن‌گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزیت گرداند!

احمد الحسن - جمادی الاولی ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۹: چرا برای عامه مردم معجزه ظاهر نمی‌کنی؟

به طور مرتب برای علما دلیل و برهان می‌آوری و می‌گویی اگر علما باشند

من معجزه نشان خواهم داد؟ برای چه این حجّت و برهان را برای عوام

نمی آوری تا از تو پیروی کنند همان گونه که پیامبر خدا انجام داد. اگر بگویی موسی علیه السلام ابتدا برای فرعون دلیل و برهان آورد، پاسخ این خواهد بود که فرعون از قدرت نظامی برخوردار بود و قادر بود بنی اسرائیل را نابود کند، چرا که آنها تحت سیطره او بودند در حالی که در رابطه با علما، موضوع، بر عکس می باشد و چنین وضعیتی برای آنها وجود ندارد. در انتها تصویری از شما می خواهم تا شما را بشناسم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

محمد الهاللی - عراق - ۲۶ ساله - ۵ جمادی الاولی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

۱- عوام مردم یا بنده اند و یا آزاد؟

اگر آزاد باشند که دلایل زیادی برای اثبات حقانیت این دعوت وجود دارد که هر طالب حقی را می تواند اقناع کند. این دلایل، همان دلایل حقانیت رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد؛ از آن جمله معجزه و اخبار غیبی زیادی که برای انصار حاصل شده است می باشد که بخش کوچکی از آنها چاپ و منتشر شده است.^(۱)

۲- آیا همه مرم باید معجزه بینند؟!

جز حذیفه کس دیگری تسبیح سنگریزه ها در دست حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را

۱- اشاره می فرمایند به کتاب کرامات و غیبیات که از انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام می باشد که در آن گوشه ای از عنایاتی که خداوند بر انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد منت نهاده، نگاشته شده است.

ندید و کسی جز یک یهودی با گرگ صحبت نکرد و به جز اصحاب و انصارش، کس دیگری گریه ساقه درخت به خاطر رسول خدا را نشنید و راه رفتن درخت را جز اندکی از کافران قریش کس دیگری ندید و به همین صورت دوشیدن شیر گوسفند ام‌معد و سایر معجزات ایشان علیهم‌السلام را؛^(۱) و موارد شبیه اینها نیز در این دعوت، به وقوع پیوسته است.

از جمله معجزه‌های این بنده مسکین بی‌نوا در پیشگاه پروردگارش، این است که به چشمان بعضی از طلاب حوزه علمیه در نجف در آغاز دعوت در زمان صدام کافر (که لعنت خدا بر او باد) دست کشیدم و پرده از روی چشمانشان کنار رفت و آنان فرشتگان و ملکوت آسمان‌ها را دیدند و برای برخی از آنها معجزات مادی نیز اتفاق افتاد ولی بعد از مدتی کافر شدند و گفتند ساحر و جادوگر است و جن احضار می‌کند و.... و.... گویی اصلاً این سخن خداوند متعال را نشنیده بودند که: ﴿وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَاباً مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ﴾^(۲) (اگر برایشان از آسمان دری بگشاییم که از آن بالا روند).

حال بعضی از آنها آمدند و پس از اینکه در گذشته از دعوت مرتد شده بودند، دوباره بیعت کردند. پس ای برادر، شما دل مرا خون کردید همان‌طور که گذشتگان شما دل امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خون کردند.

احمد الحسن _ جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

۱- به کتاب گوساله جلد اول مراجعه نمایید که در آن سید احمد الحسن علیه‌السلام برخی از معجزاتی که به دست رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انجام شده را بیان فرموده است.

پرسش ۵۰: لطفاً تفصیل خمس و زکات را بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

من و پناه می‌برم به خدا از منیت، یکی از ایمان آورندگان که خداوند با این نعمت بر آنها منت نهاده است، می‌باشم. در رؤیا سید احمد الحسن را دیدم؛ گویا او از کسانی بود که امام زمان (علیه السلام) را همراهی می‌کرد و گویا من او را می‌شناختم که سید است؛ با توجه به اینکه من در گذشته از مقلدین سید علی موسوی یا همان فرقه شیخیه بودم. از شما تقاضا دارم که شرح تفصیلی خمس و زکات را عنایت فرمایید و نظر سید را در مورد حکم گوشت هندی که از کویت وارد می‌شود و به صورت گوشت گوساله چرخ نشده است، بفرمایید؛ آیا خوردنش حلال است یا حرام؟

خواهر رشا از بصره - ۸ جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

خواهر مؤمن، سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

از خداوند مسئلت می‌کنم که به همه مردان و زنان مؤمن خیر دنیا و آخرت را توفیق عطا فرماید. اما خمس و زکات، جزئیات بسیار زیادی دارند ولی به طور خلاصه چیزهایی را بیان می‌کنم:

خمس مخصوص امام معصوم (علیه السلام) و حجت بر مردم در هر زمان است؛ آنها اوصیای ایشان می‌باشند و به هر صورت که بخواهند می‌توانند آن را مصرف کنند.

خمس در مواردی واجب می‌باشد؛ از جمله اموال و دارایی‌های استفاده نشده (نو). به خانه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند و نیز اثاثیه‌هایی که استفاده می‌شوند و اتومبیلی که انسان جهت نقل و انتقال به آن نیازمند است و همچنین منبع درآمد روزی انسان، خمس تعلق نمی‌گیرد.

اگر انسان خانه دیگری یا ماشین دیگری یا منبع درآمد دیگری داشته باشد، خمس بر آنها واجب می‌شود.

اما گوشت هندی وارداتی و سایر موارد، خوردنش حرام است مگر اینکه ثابت شود به دست مسلمان و به صورت درست و شرعی ذبح شده باشد.

احمد الحسن - جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟!

وقتی انسان ادعاهای شما را می‌خواند، خنده‌اش می‌گیرد؛ چرا که دلیل و برهان و حجت کافی برای این دعوت وجود ندارد. این ادعاهای شما انسان را به یاد افراد باطل و مغرض و گمراه و گمراه‌کننده‌ای می‌اندازد که قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ظاهر می‌شوند (مانند مدعیان حسنی، یمانی و یا کسی که ادعا می‌کند مهدی عجل الله تعالی فرجه است). چه چیزی شما را از این افراد متمایز می‌سازد؟ حتی اگر مورد کوچکی باشد، بگویید!

حسین العوادی - عراق - ۱۱ جمادی الاول ۱۴۲۶

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

این دعوت با دلایل بسیاری تأیید شده است و من و پناه می‌برم به خدا از منیت، به کسی نمی‌گویم که کورکورانه از من پیروی کند بلکه می‌گویم، چشمانت را باز کن و دلایل را درست تشخیص بده و صاحب حق را بشناس تا خود را از آتش برهانی. در کنار دعوت حق همواره ادعاهای باطلی نیز وجود داشته است؛ مانند وضعیت زمان رسول خدا ﷺ که هم‌زمان با وی، مُسَلِّمَةُ کَذَّاب (لعنت خدا بر او باد) و نظایرش نیز بودند.

مفضل بن عمر می‌گوید: شنیدم ابا عبدالله (علیه السلام) می‌فرمود: «پرهیزید از شهرت دادن و فاش کردن! به خدا سوگند که امام شما سال‌های سال از روزگار شما غایب شود و هر آینه شما در فشار آزمایش قرار گیرید تا آنجا که بگویند: امام مُرد، کشته شد و به کدام دره افتاد و دیده اهل ایمان بر او اشک بارد، و شما مانند کشتی‌های گرفتار امواج دریا متزلزل و سرنگون شوید، و نجات و خلاصی نیست، جز برای کسی که خدا از او عهد و پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت کرده و به وسیله روحی از جانب خود تقویتش نموده باشد. دوازده پرچم مشتبّه برافراشته گردد که هیچ‌یک از دیگری تشخیص داده نشود». مفضل گوید: من گریستم و عرض کردم: پس ما چه کنیم؟ حضرت (علیه السلام) به شعاعی از خورشید که در ایوان تابیده بود اشاره کرد و فرمود: «ای ابا عبدالله، این آفتاب را می‌بینی؟» عرض کردم: آری. فرمود: «به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن‌تر است».^(۱) بنابراین امام (علیه السلام) روشن کردند که دعوت حق از خورشید هم روشن‌تر است. این دعوت نیز از خورشید روشن‌تر است؛ چرا که دلایل آن، همان دلایل

انبیا و فرستادگان و حضرت محمد ﷺ و ائمه علیهم السلام می‌باشد. پس به دلایل این دعوت توجه کن و با دلایل رسول خدا حضرت محمد ﷺ مقایسه کن. برخی از این دلایل را می‌توانی در کتاب «نور المبین» نوشته استاد «ضیاء زیدی» و «البلاغ المبین» نوشته «شیخ ناظم عقیلی» مطالعه کنی. در این صورت خواهی دید که دلایل بسیاری زیادی وجود دارد از جمله وصیت رسول اکرم ﷺ و روایات اهل بیت علیهم السلام، علم، حق و هدایت، مباحله، قسم برائت، مکاشفه و رؤیای رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام که بسیاری از مؤمنان دیده‌اند و معجزات و غیبات.

و اگر همه این دلایل سودی به تو نرساند: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ * يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(۱) (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است درد آور) و در آن هنگام به همراه دیگران بگو: ﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾^(۲) (ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دور گردان که ما ایمان آورده‌ایم) و پاسخ‌تان این گونه خواهد بود: ﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ﴾^(۳) (کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشن‌گر بر آنها مبعوث شد * سپس از او روی گردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته).

سبحان الله! آیا از حال امت‌های پیشین عبرت نمی‌گیرید؟ وضعیت امروز شما مانند وضعیت یهود با پیامبرانشان است. آیا از کلام خداوند و داستان‌هایی که در

۱- دخان: ۱۰ و ۱۱.

۲- دخان: ۱۲.

۳- دخان: ۱۳ و ۱۴.

قرآن هست، پند و عبرت نمی گیرید؟ به وضعیت خودتان بنگرید؛ آیا همان وضعیت علمای یهود و مقلدانشان نیست آن هنگام که زکریا (علیه السلام) و یحیی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) را به ریشخند می گرفتند؟ شما را به خدا سوگند، فرق شما با آنها چیست؟

اگر از کسانی باشی که به سخن حق گوش فرا می دهند در حالی که او شاهد است، حتما با حالت گریان خواهی گفت: به خدا سوگند که ما از یهود و از علمای یهود هم بدتر هستیم؛ کسانی که به دنیا چسبیدند و با انبیا و انصارشان به نبرد پرداختند؛ همان انصاری که به سوی آخرت شتافتند و به آن و به ملکوت آسمانها و غیب ایمان داشتند.

چه چیزی باعث می شود که من و مؤمنان به این دعوت را به باد مسخره بگیریم؟ از خودت سؤال کن و به پروردگارت رجوع نما و ﴿اَفَرَأٰ كِتَابَكَ كَفٰیٰ بِنَفْسِكَ الْیَوْمَ عَلَیْكَ حَسِیًّا﴾^(۱) (بخوان نامه‌ات را که امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود، بسنده‌ای).

در طول قرن‌ها مسخره کننده‌ها چه کسانی بودند؟ آیا شنیده یا خوانده‌اید که انبیا، فرستادگان و مؤمنین کسی را مسخره کرده باشند؟ ولی همواره ملاحظه می کنید که استهزا و مسخره کردن، روش و شیوه تکذیب کننده‌ها و کافران به دعوت‌های انبیا و فرستادگان، بوده است.

چه بد قومی هستید شما ای اهل عراق! از بزرگان‌تان که از آمریکا پیروی می کنند تبعیت می کنید، با آمریکا سازش و دموکراسی اش را تأیید می کنید و در

نهایت به سقیفه ظالمان راضی شدید و عذر کسانی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از مقامش کنار زدند، موجه دانستید و به آیین پیشینیانان که کافر به تنصیب از سوی خداوند و حاکمیت او سبحان و متعال بودند، باز گشتید و به طلب این دنیای کثیف و متعفن، با این دعوت حق به مبارزه برخاستید.

از کسی پیروی کردید که مال و دنیایش چیزی جز ضرر نداشت؛ همان‌طور که اهل مکه از ابوسفیان پیروی کردند و با جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مبارزه برخاستند. چرا با من دشمنی می‌کنید در حالی که من شما را به کتاب خدا و ولی بزرگوار خداوند حضرت مهدی (علیه السلام) و کنار گذاشتن باطل و اهلش دعوت می‌کنم؟! من جز برای اصلاح امت جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و به فرمان پدرم امام مهدی (علیه السلام) برنخاستم؛ همان‌طور که جدم امام حسین (علیه السلام) قیام کرد. اگر از رهبران گمراهی پیروی کنید که در گذشته نیز پدرانان چنین کردند و فقهای گمراهی مانند شبت بن ربیع، شمر بن ذی الجوشن و شریح قاضی را پیروی نمودند و ابن زیاد و یزید (که لعنت خداوند بر آنان باد) را برای کشتن امام حسین (علیه السلام) یاری دادند، در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو دارم و همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم، در این صورت ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (به زودی کسانی که ظلم کردند خواهند فهمید به کدامین بازگشت‌گاه باز خواهند گشت) و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

در این سخن خداوند متعال به نیکی تدبّر کنید: ﴿إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ * فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخَرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ * إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ

هُمُ الْفَائِزُونَ»^(۱) (آری، گروهی از بندگان من می گفتند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم، ما را بیامرز، و بر ما رحمت آور که تو بهترین رحمت آورندگانی * و شما ریشخندشان می کردید تا یاد مرا از خاطرتان بزدودند و شما همچنان به آنها می خندیدید * امروز آنها را به پاداش صبری که می کردند پاداش می دهم که آنها سعادتمند هستند). پس شما مسخره کنید و بسیار بخندید و سنت گذشتگان خود را زیر پا نگذارید که به زودی ثمره آن را خون های ریخته شده برداشت خواهید کرد و آیندگان شما را لعنت خواهند نمود همان طور که امروز کسانی که با حضرت محمد ﷺ جنگیدند و او را مسخره کردند، لعن می شوند و فردا خواهید فهمید که چه کسی سود برده است؛ زمانی که دیگر علمتان سودی برای شما نخواهد داشت!

من و پناه می برم به خدا از منیت، رؤیایی را برای شما و دیگران تعریف می کنم، شاید که پند و عبرت بگیرید: «در خواب دیدم یکی از شیخ های حوزه علمیه نجف که من او را می شناسم کنار من ایستاده بود و در نزدیکی ما گروهی از فرشتگان در هیأت انسان، ایستاده بودند. آنها از آن شیخ درباره من سؤال پرسیدند و دلایل این دعوت را به وی عرضه نمودند و شیخ این دعوت را تکذیب کرد. شخص با ابهت و والامقامی که گویا بر این فرشتگان و بر همه عالم رؤیا سیطره داشت، آمد. فرشتگان به شیخ مذکور گفتند: این شخص نیز دعوتی دارد و اینها دلایلش هستند؛ و ملائکه به شیخ دلایل دعوت آن شخص والامقام را عرضه داشتند. شیخ گفت: دعوت این شخص مانند دلایل دعوت

احمد الحسن است. ملائکه به آن شیخ گفتند: آیا می‌دانی این مرد کیست؟! این شخص محمد بن عبدالله صاحب شمشیر بُرنده و تیرِ تیز است! شیخ یاد شده گفت: من نه به محمد و نه به احمد ایمان ندارم. سپس رویش را برگرداند. به خداوند بلند مرتبه بزرگوار قسم می‌خورم که من این رؤیا را دیدم و در این رؤیا رسول خدا حضرت محمد ﷺ حاضر بود. من این رؤیا را به عنوان دلیلی بر حقانیت این دعوت برای تعریف نکردم - اگرچه رؤیا خود دلیل است - این رؤیا را برای گفتم چون آن را نامه‌ای از جانب خداوند می‌دانم شاید خداوند توسط این رؤیا و مفاهیمی که در آن وجود دارد، به تو و دیگران سود برساند و پند بگیرد؛ و خداوند توفیق‌رسان است.

سپاس خداوندی را که ما را مؤمن به ملکوت آسمان‌ها و غیب و آخرت که از غیب است، قرار داد. حمد و ستایش مخصوص خداوند یگانه است و لعنت خداوند بر هر کافری که به ملکوت آسمان‌ها و غیب ایمان ندارد.

احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین،

وصلّ الله علی سیدنا محمد وآله وسلم تسلیما